

# اسپانيا

دفتر مطالعات سياسی و بين المللی

## پیشگفتار

اسپانیا به عنوان یکی از کشورهای کهن اروپا از اواخر قرن پانزدهم تا قرن نوزدهم یکی از قدرتمندترین امپراتوریهای عصر خود به شمار می‌رفت. تکلم مردم ۲۲ کشور جهان به زبان اسپانیولی و متأثر بودن آنان از فرهنگ اسپانیایی، میراث آن امپراطوری است. این کشور در تقاطع میان آفریقا و اروپا واقع شده و کلید ورود به آبهای مدیترانه از طریق اقیانوس اطلس در دست آن است. اثرات فرهنگهای اروپایی و اسلامی را در این کشور می‌توان بخوبی مشاهده کرد و این از خصوصیات استثنایی اسپانیا در میان کشورهای اروپایی است.

موقعیت جغرافیایی اسپانیا اهمیت استراتژیک خاصی به آن داده است. جبل الطارق به عنوان یکی از نقاط استراتژیک جهان، دریای مدیترانه را به اقیانوس اطلس مربوط می‌سازد. اهمیت جزایر بالئار در شرق اسپانیا و جزایر قناری در اقیانوس اطلس، موقعیت استراتژیک اسپانیا را تقویت می‌نماید. جزایر قناری به این کشور امکان می‌دهد تا در مسیر تردد کشتیهای نفتکش که از جوار آن عبور می‌کنند اعمال نظر نماید و به همین جهت جزایر قناری برای اسپانیا دارای اهمیت استراتژیک بالایی است. با وجود این از جنبه‌ها و جاذبه‌های توریستی این جزیره نیز به شکل مطلوبی استفاده می‌شود. جزایر بالئار در شرق اسپانیا و با موقعیتی ممتاز در غرب دریای مدیترانه، می‌توانند شعاع عمل وسیعی را در خلیج والنسیا به اسپانیا بدهند.

بطور کلی موقعیت جغرافیایی اسپانیا یکی از عوامل مؤثر در مشی سیاسی و سیاست خارجی این کشور بشمار می‌رود. این کشور خود را پلی بین اروپا و آفریقا دانسته و از این طریق بدنبال آنست تا کماکان بتواند در شمال آفریقا دینفوذ باشد. از سوی دیگر اسپانیا به عنوان یک کشورحوزه دریای مدیترانه مایل است در قالب «روند بارسلون» نقش بارز خود را

حفظ نماید. افزون بر آن، ارتباط نزدیک سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با کشورهای آمریکای مرکزی و لاتین، اسپانیا را به دروازه ارتباطی اروپا با این بخش از جهان تبدیل کرده است. در خصوص مسائل داخلی نیز این کشور پس از جنگهای داخلی و استقرار نظام پادشاهی - پارلمانی اصلاحات همه جانبه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در دستور کار خود قرار داد و پس از پیوستن به اتحادیه اروپا توانست در زمره مهمترین کشورهای اروپایی قرار گیرد.

کتاب حاضر متن بازنگری شده کتاب سبز اسپانیا است که در سال ۱۳۸۴ توسط نگارنده تألیف گردید و به معرفی کشور اسپانیا در ابعاد مختلف آن می پردازد. امید است نقایص آن با راهنمایی خوانندگان محترم در نسخه های آتی مرتفع گردد.

منوچهر مرادی

زمستان ۱۳۸۶

### ۱) موقعیت جغرافیایی

کشور پادشاهی اسپانیا<sup>۱</sup> با مساحت ۵۰۴/۷۵۰ کیلومتر مربع واقع در جنوب غربی قاره اروپا بالغ بر ۸۵ درصد شبه جزیره ایبریا<sup>۲</sup> را به خود اختصاص داده است. شبه جزیره مزبور با احتساب کشور پرتغال از شمال به فرانسه و رشته کوههای پیرنه<sup>۳</sup>، خلیج بیسکایا<sup>۴</sup> و دوک نشین آندورا، از شرق و جنوب به دریای مدیترانه و از غرب به اقیانوس اطلس منتهی می‌گردد. جزایر بالئار<sup>۵</sup> واقع در نزدیکی سواحل شرقی اسپانیا در مدیترانه و جزایر قناری<sup>۶</sup> واقع در نزدیکی سواحل افریقای غربی در اقیانوس اطلس جزو قلمرو دولت اسپانیا محسوب می‌گردند. همچنین شهرهای سئوتا<sup>۷</sup> و ملیتا<sup>۸</sup> واقع در سواحل جنوبی تنگه جبل الطارق و در شمال خاک مراکش قرن‌ها تحت سیطره اسپانیا بوده‌اند و هم اکنون نیز علیرغم دعوی مراکش بر حاکمیت این دو شهر، اسپانیا شهرهای یاد شده را جزو خاک خود می‌داند.

اسپانیا با مساحتی کمتر از یک سوم خاک ایران و پس از فرانسه، یمن و تایلند، در ردیف ۵۲ کشورهای جهان از نظر وسعت می‌باشد. شبه جزیره ایبریا به شکل یک چهارم ضلعی نامنظم است که بخش اعظم آن را فلات "مزه‌تا"<sup>۹</sup> تشکیل می‌دهد. ارتفاع متوسط این فلات حدود ۶۱۰ متر است که از شمال به جنوب به تدریج از ارتفاع آن کم می‌شود. این فلات تقریباً

- 1- Estado Espanol
- 2- Iberian Peninsula
- 3- Pyrenees Mountains
- 4- Bay of Biscay
- 5- Balearic Islands
- 6- Canary Islands
- 7- Ceuta
- 8- Melilla
- 9- Meseta

بطور کامل توسط رشته کوههای کانتابریا<sup>۱</sup> در شمال، ایبریا در شرق، سیرا نوادا<sup>۲</sup> در جنوب و نیز رشته کوههای کم ارتفاعی در منطقه مرزی میان اسپانیا و پرتغال محصور شده است. فلات مزه‌تا به وسیله رشته کوههای مرکزی یا آنچه که کوردیبرا کارپتووتونیکا<sup>۳</sup> نامیده می‌شود و به دو قسمت تقسیم می‌گردد. رشته کوه اخیر از شمال شرق فلات مزه‌تا شروع شده و پس از گذشتن از شمال مادرید به مرزهای میان اسپانیا و پرتغال می‌رسد.

خاک اصلی اسپانیا به پنج منطقه جغرافیایی قابل تفکیک بوسیله رشته کوهها و رودخانه‌ها تقسیم می‌گردد. این مناطق عبارتند از: (۱) مناطق دره "ابرو"<sup>۴</sup> در غرب و جنوب غربی، (۲) منطقه دره رود "گوادال کیویر"<sup>۵</sup> در جنوب، (۳) منطقه ساحلی والنسیا<sup>۶</sup> در شرق، (۴) منطقه کوهستانی کاتالونیا<sup>۷</sup> در شمال شرقی و (۵) منطقه کوهستانی شمال در مجاورت اقیانوس اطلس. جزایر بالئار از مجموعه‌ای از کوههای با ارتفاع متوسط تشکیل شده‌اند که ارتفاع آنها هیچگاه از ۱۵۰۰ متر تجاوز نمی‌کند، اما جزایر آتشفشانی قناری مرتفع ترین نقاط قلمرو اسپانیا را تشکیل می‌دهند و بلندترین قله اسپانیا به نام "تیده"<sup>۸</sup> با ۳۷۱۸ متر ارتفاع در جزیره‌ای به نام "تنه‌ریف"<sup>۹</sup>، از مجموعه جزایر مزبور، واقع شده است.

مهمترین حوزه‌های آبخیزداری اسپانیا در فلات "مزه‌تا" واقع شده است و آب هر سه حوزه به اقیانوس اطلس می‌ریزد. رودهای "ابرو"<sup>۱۰</sup>، "تاخو"<sup>۱۱</sup> و "گوادیانا"<sup>۱۲</sup> و "گوادال کیویر" از مهمترین رودخانه‌های اسپانیا می‌باشند. رودخانه "گوادیانا" در نزدیکی مرز پرتغال به سمت جنوب میل می‌کند و به خلیج "کادیز"<sup>۱۳</sup> می‌ریزد. رودخانه "ابرو" که پرآبترین رود شبه جزیره ایبریا است، در رشته کوههای پیرنه سرچشمه می‌گیرد تقریباً مسیر مستقیمی را از شمال به جنوب طی می‌کند و به مدیترانه می‌ریزد. رود "گوادال کیویر" نیز از جنوب به سمت جنوب غربی جریان دارد و آب آن که عمدتاً از رشته کوههای مورنا تأمین می‌شود به مدیترانه می‌ریزد.

- 
- 1 - Cantabrian Mountains
  - 2 - Sierra Nevada
  - 3 - Cordillera Carpetovtonica
  - 4 - Rio Ebro
  - 5 - Guadalquivir
  - 6 - Valencia
  - 7 - Catalonia
  - 8 - Teide
  - 9 - Tenerife
  - 10 - Ebro
  - 11 - Tajo
  - 12 - Guadiana
  - 13 - Cadiz

مرزهای زمینی اسپانیا شامل ۱۹۲۰ کیلومتر مرز با کشورهای فرانسه (۶۲۳ کیلومتر)، آندورا (۶۵ کیلومتر) پرتغال (۱۲۱۴ کیلومتر)، مراکش (از طریق سئوتا و ملیبا به ترتیب ۳/۶ و ۹/۶ کیلومتر) و منطقه جبل الطارق (متعلق به انگلستان با ۱/۲ کیلومتر) است و مرزهای دریایی آن شامل (۴۹۶۴ کیلومتر) با اقیانوس آرام در غرب، خلیج کانتابریا در شمال و دریای مدیترانه در جنوب و شرق می‌باشد.

### ۱) سازماندهی سرزمینی

کشور اسپانیا به شهر، استان و جوامع خودمختار تقسیم بندی شده و تمامی این بخشها دارای خودمختاری داخلی هستند. قانون اساسی تصریح می‌کند که اختلاف میان اساسنامه جوامع خودمختار شامل اختلاف در امتیازات اقتصادی و اجتماعی نمی‌گردد.

شهر: شهر واحدی از دولت محلی است که استقلال و صلاحیت محلی آن در قانون اساسی ۱۹۷۸ تضمین شده است. هر شهر توسط شورای شهر اداره می‌گردد و اعضای آن با رأی مستقیم تمامی ساکنین شهر انتخاب می‌گردد. شورای شهر فردی را به عنوان شهردار انتخاب می‌نماید که به عنوان رئیس شورای شهر و مدیر اداری امور شهری و نیز نماینده شهر در نزد دولت مرکزی کار می‌کند. در شهرهای بزرگ مثل مادرید و بارسلون شورای شهر شکل گسترده‌تری (در حد یک دولت محلی پیدا می‌کند و امور مالی و اداری شهرداری به گونه‌ای تقویت می‌گردند که هدایت و اجرای پروژه‌های برنامه‌ریزی شهری را امکان پذیر می‌نماید.

استان: سیستم قدیمی تشکیل سیستم اداری استان ابتدا در سال ۱۸۸۳ در اسپانیا ابداع گردید. در قانون اساسی ۱۹۷۸ استان به عنوان مجموعه‌ای از شهرها که برای اجرای برنامه‌های دولت مرکزی سازماندهی شده‌اند تعریف گردید. اداره امور هر استان بر عهده شورایی مرکب از ۲۴ الی ۵۱ نفر می‌باشد که از میان اعضای شوراهای شهری واقع در استان مزبور انتخاب می‌گردند.

جوامع خودمختار<sup>۱</sup>: استانهای مرزی و دور از مرکز دارای خصوصیات ویژه تاریخی، فرهنگی و اقتصادی مجاز به تشکیل دولتهای خودمختار محلی می‌باشند. قانون اساسی تصریح می‌کند که تشکیل فدراسیونی از جوامع خودمختار مجاز نخواهد بود. اصل ۱۴۸ قانون اساسی اسپانیا مسائلی را که در صلاحیت دولتهای محلی است، بدین شرح برمی‌شمرد: استفاده از زمین و ساختمان سازی، امور عامه و حمل و نقل، بنادر، کشاورزی، محیط زیست، معادن، توسعه اقتصادی، فرهنگ، توریسم، امداد اجتماعی، بهداشت و امور انتظامی داخلی. تمامی این امور می‌بایست در چارچوب سیاستها و قوانین کلی کشور هدایت شده و تا زمانی معتبر هستند که

<sup>1</sup> - Comunidad Autonoma

به امور خارج از محدودهٔ جامعهٔ خودمختار ارتباطی نداشته باشند. مسائلی که انحصاراً در صلاحیت دولت مرکزی قرار می‌گیرند در اصل ۱۴۹ ذکر شده است. در صورت بروز اختلاف در مواردی که در صلاحیت انحصاری دولتهای محلی نیست، صلاحیت دولت مرکزی غالب بر صلاحیت دولتهای محلی خواهد بود.

دولتهای محلی، در اعمال صلاحیتهای تفویض شده به ایشان، می‌بایست همواره چارچوب قوانین دولت مرکزی را در نظر داشته باشند. دولت مرکزی نیز، در صورت صلاحدید و به منظور ایجاد هماهنگی در بعضی امور کلیهٔ جوامع خودمختار، می‌تواند قوانینی را با اکثریت مطلق در زمینه‌های خاص تفویض شده تصویب و ابلاغ نماید.

ساختار حکومت جوامع خودمختار از یک مجمع قانونگذاری متشکل از نمایندگان منتخب مردم و یک شورای سرپرستی می‌باشد. شورای سرپرستی دارای اختیارات اداری و اجرایی می‌باشد و رئیس آن توسط مجمع قانونگذاری از میان نمایندگان انتخاب شده و توسط پادشاه به عنوان نمایندهٔ عالی جامعهٔ خودمختار در برابر دولت منصوب می‌گردد. رئیس جامعهٔ خودمختار متقابلاً نمایندهٔ دولت مرکزی در جامعهٔ مزبور نیز می‌باشد. سومین رکن ساختار حکومتی جوامع خودمختار دادگاه عالی عدالت می‌باشد که تنها در برابر دیوان عالی کشور پاسخگو است.

اسپانیا از ۱۹ ایالت و منطقه خودمختار تشکیل شده است که عبارتند از آندالوسیا<sup>۱</sup>، آراگون<sup>۲</sup>، آستوریاس<sup>۳</sup>، اکسترامادورا<sup>۴</sup>، باسک<sup>۵</sup>، جزایر بالئار<sup>۶</sup>، سئوتا<sup>۷</sup>، قناری<sup>۸</sup>، کانتابریا<sup>۹</sup>، کاتالونیا<sup>۱۰</sup>، کاستیا-لئون<sup>۱۱</sup>، کاستیا-لامانچا<sup>۱۲</sup>، گالیسیا<sup>۱۳</sup>، لاریوخا<sup>۱۴</sup>، مادرید<sup>۱۵</sup>، ملیا<sup>۱۶</sup>، مورسیا<sup>۱۷</sup>، ناوارا<sup>۱۸</sup> و والنسیا<sup>۱۹</sup>.

- 
- 1 -Andalucia
  - 2 - Aragon
  - 3 - Asturias
  - 4 - Extramadura
  - 5 - Pais Vasco
  - 6 - Islas Baleares
  - 7 - Ceuta
  - 8 - Isas Canarias
  - 9 - Cantabria
  - 10 - Catalonia
  - 11 - Castilla –leon
  - 12 - Castilla-Lamanca
  - 13 - Galicia
  - 14 - La Rioja
  - 15 - Madrid
  - 16 -Melilla
  - 17 -Murcia
  - 18 - Navarra

#### موقعیت جغرافیایی و سازماندهی سرزمینی / ۵

همچنین جزایر پرخیل<sup>۲</sup> (جعفری)، "پنون د آلحوسماس"<sup>۳</sup> و "پنون د بلگ د لاگومر"<sup>۴</sup> جزو قلمرو دریایی اسپانیا محسوب می‌شوند.

پایتخت اسپانیا شهر مادرید تقریباً در مرکز جغرافیایی این کشور واقع شده است. مهمترین شهرهای اسپانیا عبارتند از بارسلون، والنسیا، سویا، زاراگوزا، مالاگا، بلبائو، لاس پالماس، بیادولید، پالما د مایورکا، مورسیا، کوردوبا، آلیکانته، گرانادا، پامپلونا، سن سباستین، سالامانکا و آلمریا.

بارسلون، والنسیا و سویا مهمترین بنادر اسپانیا در مدیترانه و بلبائو، سن سباستین مهمترین بنادر این کشور در سواحل اقیانوس اطلس (خلیج بیسکایا) می‌باشند.

---

<sup>1</sup> - Valencia

<sup>2</sup> - Prejil

<sup>3</sup> - Penon de Alhucemas

<sup>4</sup> - Penon de Veleg de la Gomer



کشور اسپانیا در زمره کشورهای پیشرفته اروپایی است و غالب شاخصهای زندگی در این کشور از وضعیت مطلوبی برخوردار است.

### ۱) بهداشت و مصرف

بر اساس آمار سال ۲۰۰۵، در اسپانیا به ازاء هر یک صد هزار نفر، ۴۵۹ پزشک وجود داشته است که این رقم، اسپانیا را در میان کشورهای اتحادیه اروپا، پس از ایتالیا (۶۰۰ نفر) در مکان دوم قرار می‌دهد. این در حالی است که در آمار مذکور، کشور انگلستان با ۱۸۰ پزشک در مکان آخر قرار دارد.

همچنین در اسپانیا به ازاء هر یک صد هزار نفر نزدیک به دو بیمارستان وجود دارد و به ازاء هر هزار نفر، ۳/۷ تخت بیمارستان اختصاص یافته است.

آمار نشان می‌دهد که سبد هزینه یک خانوار اسپانیایی شامل خوراک (۲۰٪)، پوشاک و کفش (۱۰٪)، هزینه‌های منزل (۱۰٪)، مسکن (۲۰٪) و هزینه‌های متفرقه (۴۰٪) می‌باشد.

مردم اسپانیا بیش از هر چیز نان، شیرینی و حبوبات (۶۵ کیلو سرانه) گوشت (۵۱ کیلو سرانه) و ماهی (۲۳ کیلو سرانه) در سال مصرف می‌نمایند. تخم مرغ تازه (۱۱۰ عدد)، روغن زیتون (۱۳ لیتر)، شیر (۹۲ لیتر)، و میوه (۶۸ کیلو) در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

### ۲) شاخصهای خانواده

برخی شاخصهای خانواده در اسپانیا در سال ۲۰۰۵ به شرح ذیل است:

- تعداد خانواده‌ها ۱۴/۹ نفر
- تعداد متوسط افراد خانواده ۲/۹ نفر
- متوسط سن زنان در اولین ازدواج ۲۸/۶ سال

- متوسط سن مردان در اولین ازدواج ۳۰/۸ سال
- متوسط سن مادران در اولین زایمان ۲۹/۸۲ سال
- تعداد متوسط فرزندان به ازاء هر خانواده ۱/۲۶ فرزند
- درصد زنان شاغل متاهل نسبت به جمعت خانواده ۳۶ درصد
- متوسط هزینه های مصرفی هر خانواده ۲۵ درصد
- تعداد طلاق ثبت شده بالغ بر ۱۱۶/۷۰۸ فقره شامل ۷۴۹۸۰ مورد جدایی و ۴۱۷۲۸ مورد طلاق قطعی است.
- توزیع مشاغل سرپرست خانواده در اسپانیا شامل ۵۷٪ شاغل، ۳۱/۴٪ بازنشسته، ۳/۵٪ بیکار و ۸/۲ درصد بدون شغل مشخص است.
- نسبت شاغل بودن مرد و زن بیش از ۷/۵۸۴/۸۰۰ زن و ۱۲/۲۵۱/۶۰۰ مرد
- تعداد زنان دارای تحصیلات دانشگاهی در اسپانیا بیشتر از مردان است ۵۲/۵٪ اما تعداد مردان دارای مدرک دکتری بیش از زنان است.
- تعداد کودکانی که حاصل ازدواج غیر رسمی هستند از ۱۰٪ در سال ۱۹۹۱ به ۲۱/۸٪ در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است.
- وضعیت معیشتی خانواده های اسپانیایی بدین ترتیب است که ۴۲/۵ درصد به راحتی، ۴۴/۹ درصد به سختی، ۱۱/۳ درصد با سختی بسیار و ۱/۳ درصد با راحتی بسیار زندگی می کنند.
- سهم مواد غذایی در سبد هزینه خانواده های اسپانیایی ۱۴/۷ درصد است که پس از پرتقال و یونان در مکان سوم در میان کشورهای اتحادیه اروپا قرار دارد.
- میزان متوسط طول عمر در میان زنان ۸۳ سال و مردان ۷۶ سال می باشد.

### ۳) مهاجرت

در ژانویه ۲۰۰۵، تعداد ۲/۸۳۴/۲۵۰ خارجی در اسپانیا زندگی می کردند که این رقم در سال ۱۹۹۶ بالغ بر ۵۲۴/۲۱۴ نفر بوده است. در میان کشورهای فرستنده، اکوادور با ۳۹۰/۱۱۹ نفر (۱۴/۶۰ درصد)، مراکش با ۳۷۸/۷۸۷ نفر (۱۴/۱۷ درصد) و کلمبیا با ۲۴۴/۵۷۰ نفر (۹/۱۵ درصد) قرار دارند. کشورها انگلستان (۶/۰۴ درصد)، رومانی (۵/۱۴ درصد)، آلمان (۴/۸۴ درصد)، آرژانتین (۴/۰۹ درصد)، فرانسه (۲/۶۲ درصد)، ایتالیا (۲/۴۵ درصد)، پرتقال (۲/۱۲ درصد)، پرو (۲/۰۹ درصد)، بلغارستان (۱/۹۸ درصد) و چین (۱/۹۲ درصد) در مراتب بعدی هستند. در مجموع اتباع آمریکای لاتین (۳۸/۶ درصد)، اروپا (۳۵ درصد)، آفریقا (۱۹/۶ درصد)

درصد)، آسیا (۴/۸ درصد)، آمریکای شمالی (۱/۵ درصد) و بقیه کشورها (۰/۴ درصد) مهاجرین به اسپانیا را شامل می‌شوند.

بر اساس آمار مقایسه ملی آمار اسپانیا در سال ۲۰۰۵، تعداد ۳۸/۷۳۴ اسپانیایی از این کشور به خارج مهاجرت کرده‌اند که از این تعداد ۲۰/۵۴۲ نفر به اروپا بوده است (از تعداد مذکور ۱۵/۴۲۳ نفر به اتحادیه اروپا مهاجرت کرده‌اند). سهم آفریقا ۲۶۲۹ نفر، قاره آمریکا ۱۳۴۵۶ نفر (ایالات متحده ۴۳۹۶ نفر)، آسیا ۱/۳۰۱ نفر، (۱۸ نفر به ایران مهاجرت کرده‌اند) اقیانوسیه ۸۰۶ نفر می‌باشد.

منبع مذکور اعلام داشته که در همین سال، تعداد ۴۶۷/۹۰۹ نفر به اسپانیا مهاجرت کرده‌اند. از این تعداد ۱۷۶/۱۱۲ نفر از اروپا، ۵۸/۴۵۶ نفر از آفریقا، ۲۲۱۵۸۰ نفر از قاره آمریکا، ۱۱۵۵۹ نفر از قاره آسیا و ۲۰۱ نفر از قاره اقیانوسیه می‌باشند.

ارقام موجود نشان می‌دهد که غالب مهاجرین خارجی در ایالات مادرید، آندالوسیا، کاتالونیا و والنسیا اقامت می‌نمایند. در سال ۲۰۰۲، از کل تعداد مهاجرین خارجی، ۱۳۵/۰۶۵ نفر تنها در مادرید سکونت کرده‌اند. اکثریت مهاجرین به اسپانیا را جوانان بین سنین ۲۵-۳۴ تشکیل می‌دهند و به دلیل نداشتن تخصص کافی عمدتاً در بخشهای کشاورزی، ساختمان، خدمات و هتل‌داری مشغول به کار می‌شوند. در عوض، در سنین بالا عمدتاً اتباع کشورهای اروپایی به ویژه انگلستان، آلمان و فرانسه هستند که معمولاً بازنشسته بوده و در مناطق ساحلی مدیترانه و جزایر قناری سکونت می‌کنند.

شهر مالاگا بیشترین تعداد مهاجرین اروپایی را در خود جای داده است. مهاجرین پرتغالی در منطقه مرز اسپانیا با پرتغال و بیشتر در شهرهای باداخوز<sup>۱</sup>، اورنزه<sup>۲</sup> و پونته بدرا<sup>۳</sup> متمرکز شده و مهاجرین مراکشی و آمریکای لاتینی عمدتاً نقاط شهری بزرگ نظیر مادرید و بارسلون ساکن می‌شوند. این دو شهر در مجموع ۴۰٪ از کل مهاجرین به اسپانیا را در خود جای داده‌اند. نقاط مرکزی اسپانیا کمترین میزان مهاجر را پذیرفته‌اند. نرخ اشتغال خارجی‌ان در اسپانیا ۷۰٪ و نرخ بیکار آنان ۱۷٪ است.

از نظر تحصیلات، ۱۹٪ از مهاجرین دارای تحصیلات ابتدایی، ۵۳٪ دارای تحصیلات متوسطه، ۱۴/۶ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی، ۹/۵٪ دارای سواد خواندن و نوشتن و ۳/۲ درصد بیسواد هستند این در حالی است که تنها ۱۳/۵ درصد از جمعیت ۱۶ سال به بالا در اسپانیا، دارای تحصیلات دانشگاهی هستند.

1 - Badajos

2 - Orense

3 - Ponte Vedra

بیش از یک میلیون نفر از مهاجرینی که در حال حاضر در اسپانیا زندگی می‌کنند بین سالهای ۱۹۹۱-۲۰۰۱ وارد این کشور شده‌اند. ۵۸٪ از این تعداد ظرف سالهای ۱۹۹۹-۲۰۰۱ وارد شده‌اند که عمدتاً از دو کشور اکوادور و مراکش هستند. تنها ۴٪ از مهاجران قبل از سال ۱۹۶۰ و ۴٪ بین سالهای ۱۹۶۱-۱۹۷۰ وارد اسپانیا شده‌اند.

لازم به ذکر است که بیشترین تعداد اسپانیاییهای متولد شده در خارج از کشور در سال ۲۰۰۱ در فرانسه متولد شده‌اند (۱۱۸/۱۹۴ نفر) و پس از آن مراکش (۸۲/۱۷۵ نفر) و آلمان (۶۳/۹۱۱ نفر) قرار دارند. تعداد خارجیانی متولد در اسپانیا در همین سال ۷۱/۳۲۶ نفر بوده که ۴/۶ درصد از کل خارجیانی مقیم اسپانیا را تشکیل می‌دهند.

### ۱) حیات فرهنگی مردم اسپانیا

ورود رومیان به اسپانیا در سال ۱۳۳ قبل از میلاد و تأثیرگذاری فرهنگ رومی بر غالب جمعیت شبه‌جزیره ایبریا، آنچنان به گسترش فرهنگ کلاسیک در میان مردم این خطه انجامید که به آنان قدرت مقاومت در برابر حملات مکرر قبایل وحشی پس از سقوط امپراتوری روم (۷۱۱-۴۱۴ میلادی) را می‌داد.

طی قریب به هشت قرن بعد (۷۱۱-۱۴۹۲)، از فتح اسپانیا تا خروج آخرین بقایای حکومت مسلمانان در شمال آفریقا، مجموعه‌ای از فرهنگ‌های مختلف اسلامی، رومی و مسیحی در اسپانیا بوجود آمد، به نحوی که امروز نیز فرهنگ اسپانیایی را از دیگر فرهنگ‌های اروپایی متمایز می‌سازد. مسلمانان موفق شدند، غالب شبه جزیره ایبریا، بجز بخشهایی در شمال و مناطق کوهستانی پیرنه در شمال شرق را به تصرف درآورند. فرهنگی که تحت سلطه مسلمانان در اسپانیا شکوفا گردید خیلی زود به پیشرفته‌ترین فرهنگ در تمام اروپا و یکی از نقاط نورانی تمدن اسلامی تبدیل گردید. این رونق فرهنگی در حدود سال ۹۳۰ میلادی در قرطبه (کوردوبا) و به دوران حکومت عبدالرحمن سوم به اوج شکوفایی خود رسید. در این روزگار در کتابخانه کوردوبا چهار صد هزار جلد کتاب وجود داشت و علوم و دانش روم و یونان باستان که قبلاً به عربی منتقل شده بود، از این طریق مجدداً به اروپا بازگشت. در تولدو که امروزه مرکز کلیسایی اسپانیا می‌باشد، در سال ۱۱۲۵ مدرسه‌ای به منظور ترجمه آثار ارسطو، اقلیدس، جالینوس و بطلمیوس به زبان لاتین و بعدها به سایر زبانهای اروپایی وجود داشت و طب، داروشناسی، گیاه‌شناسی و مثلثات مسطحه و کروی از این طریق به اروپا راه یافت.

اسپانیا با این موقعیت ویژه در محل تلاقی دو فرهنگ اسلامی - شرقی و اروپایی غربی از جایگاه خاصی در میان ملل اروپایی برخوردار گردید و طی قرون ۱۶ و ۱۷ که به عنوان عصر طلایی تمدن اسپانیا معروف است، این کشور سرآمد کشورهای اروپایی از نظر سیاست، ادبیات، هنر، الهیات حقوق و علوم بود. در این عصر که تا سال ۱۶۸۰ بطول انجامید نویسندگانی

همچون لویه د وگا<sup>۱</sup>، کودو<sup>۲</sup>، کالدرون<sup>۳</sup> و گونگورا<sup>۴</sup> و نیز نقاشانی همچون ولازکز<sup>۵</sup>، ال گره کو<sup>۶</sup>، موریلو<sup>۷</sup> و زور باران<sup>۸</sup> اسپانیا را مرکز هنر و ادبیات عصر خود ساخته بودند. ولی شاید معروفترین نویسنده اسپانیایی این عصر میگل د سروانتس<sup>۹</sup> باشد که با به استهزاء گرفتن اشرافیت عصر خود در کتاب دن کیشوت یادگاری جاودان از خود بر جای گذاشت.

فرهنگ سنتی اسپانیا که ریشه عمیقی در مذهب، خصوصاً کاتولیسیسم داشت، با حرکت عمومی اروپا به سوی سکولاریسم در قرن هیجدهم به نوعی انزوای خود خواسته گرایید. این وضعیت در قرن نوزدهم به نوعی برخورد میان دو دیدگاه سنتی و ناسیونالیست از یک سو و طرفداران لیبرالیسم اروپایی انجامید. همین وضعیت موجب ابداع و رشد مکاتب برجسته و بدیع هنری در اسپانیا گردید. شاید بتوان سالوادور دالی<sup>۱۰</sup> و پیکاسو<sup>۱۱</sup>، دو تن از نام‌آورترین نقاشان صاحب سبک اسپانیایی در دوران معاصر، را ثمرات این برخورد دانست.

## ۲) مؤسسات فرهنگی

قدیمی‌ترین مؤسسه فرهنگی اسپانیا مؤسسه سلطنتی زبان<sup>۱۲</sup> نام دارد که در زمان فلیپ پنجم در سال ۱۷۱۳ تأسیس شده است. هدف اصلی این مؤسسه ترویج و تعیین استانداردهایی به منظور حفظ خلوص و شکوفایی زبان کاستیانا است. این هدف از طریق انتشار فرهنگهای زبان کاستیلی و اعطای جوایز به فعالان زبان کاستیانا پیگیری می‌شود. از جمله مراکز فرهنگی دیگر می‌توان به آکادمی سلطنتی تاریخ<sup>۱۳</sup>، آکادمی سلطنتی هنرهای ظریفه سن فرناندو<sup>۱۴</sup>،

<sup>۱</sup> - Lope de vega

<sup>۲</sup> - Quevedo

<sup>۳</sup> - Calderon

<sup>۴</sup> - Gongora

<sup>۵</sup> - Velazquez

<sup>۶</sup> - El Greco

<sup>۷</sup> - Murillo

<sup>۸</sup> - Zurbaran

<sup>۹</sup> - Miguel de Cervantes

<sup>۱۰</sup> - Dali

<sup>۱۱</sup> - Picasso

<sup>۱۲</sup> - Royal Academy of Language

<sup>۱۳</sup> - Royal Academy of History

<sup>۱۴</sup> - Royal Academy of Fine Arts of San Fernando

آکادمی سلطنتی علوم دقیقه، فیزیک و ملی<sup>۱</sup>، آکادمی سلطنتی علوم اخلاقی و سیاسی<sup>۲</sup> و آکادمی ملی سلطنتی طب<sup>۳</sup> نام برد. تمامی این مؤسسات در سال ۱۹۳۸ تحت پوشش مرکز هماهنگ کننده‌ای به نام انستیتو اسپانیا<sup>۴</sup> در آمده‌اند.

"شورای تحقیقات علمی"<sup>۵</sup> که در سال ۱۹۳۹ تأسیس گردیده است، فعالیتهای تحقیقاتی چند صد مرکز تحقیقاتی در اسپانیا را هدایت می‌کند. انستیتو همکاریهای ایریا و آمریکا<sup>۶</sup> ارتباطات فرهنگی، اقتصادی و زبانی با آمریکای لاتین را حفظ می‌کند. این مؤسسه دفاتری را برای تنظیم مبادلات فرهنگی و نیز کتابخانه مهم فرهنگ هیسپانیک را با بیش از پانصد هزار جلد کتاب اداره می‌کند. مؤسسه مزبور همچنین دفاتر متعددی را نیز در کشورهای مختلف شمال و جنوب آمریکا به منظور ترویج فرهنگ هیسپانیک اداره می‌نماید. مؤسسه سروانتس<sup>۷</sup> نیز از دیگر مؤسسات فرهنگی است که در چارچوب وزارت امور خارجه به آموزش زبان اسپانیایی در اقصی نقاط جهان مشغول است.

### ۳) موزه‌های اسپانیا

بر اساس آمار سال ۲۰۰۵، در کل اسپانیا تعداد ۱۱۲۵ موزه از انواع مختلف ثبت شده است که از این تعداد، ۱۵۸ موزه باستانشناسی، ۶۹ موزه هنرهای معاصر، ۸۵ موزه هنرهای زیبا، ۷۲ خانه - موزه، ۳۹ موزه علوم و تکنولوژی، ۳۷ موزه علوم و تاریخ طبیعی، ۱۵۶ موزه مردم‌شناسی، ۱۶۸ موزه عمومی، ۲۲۲ موزه اختصاصی، ۵۰ موزه تاریخی و ۵۱ موزه از انواع دیگر می‌باشد.

از رقم فوق ۶۷۹ موزه عمومی و ۳۴۶ موزه خصوصی هستند، و ۹۴ موزه در اختیار وزارت آموزش، فرهنگ و ورزش اسپانیا است. موزه "ال پرادو" مهمترین موزه اسپانیا است و که دارای تابلوهای نفیس و آثار حجمی متعددی از سراسر جهان است. موزه بزرگ ملی هنر<sup>۸</sup> در ردیف موزه‌های بزرگ جهان در مادرید واقع شده است. این موزه طی سالهای اخیر با خرید آثار متعدد متعلق به نقاشان اسپانیایی قرن نوزدهم توسعه بسیار یافته

<sup>۱</sup> - Royal Academy of Exact, Physical and National Sciences

<sup>۲</sup> - Royal Academy of Moral and Political Sciences

<sup>۳</sup> - Royal Academy of Medicine

<sup>۴</sup> - Institute of Spain

<sup>۵</sup> - Council of Scientific Research

<sup>۶</sup> - Institute of Iberoamerican Cooperation

<sup>۷</sup> - Instituto de Cervantes

<sup>۸</sup> - Great National Art Gallery

است. موزه آکادمی هنرهای ظریفه سان فرناندو<sup>۱</sup>، موزه ملی باستانشناسی در مادرید<sup>۲</sup>، موزه هنرهای کاتالونیا<sup>۳</sup> در بارسلون و موزه‌های هنرهای ظریفه در بیلباو و سویل از جمله دیگر موزه‌های اسپانیا هستند. بسیاری از مجسمه‌های مذهبی در موزه ملی مجسمه‌های الوان<sup>۴</sup> در شهر "بایادولید" نگاهداری می‌شوند و آثار بجای مانده از "ال گرکو" نیز در منزل شخصی وی که در تولد و به موزه تبدیل شده، به نمایش گذاشته شده است. موزه ارتش و نیروی دریایی در مادرید از دیدگاه تاریخی جالب توجه می‌باشند. موزه دریانوردی در زادخانه‌های سلطنتی<sup>۵</sup> در بارسلون نیز از دید مطالعات تاریخی حائز اهمیت می‌باشد. در اسپانیا تعداد زیادی موزه‌های خصوصی و شخصی نیز وجود دارد که از جمله آنها می‌توان موزه سرالبو<sup>۶</sup> در مادرید، موزه مارز<sup>۷</sup>، موزه لباس<sup>۸</sup> و پیکاسو<sup>۹</sup> در بارسلون، موزه یهودیان سفاردی<sup>۱۰</sup> در تولدو و موزه هنرهای آبستره در کوئنکا<sup>۱۱</sup> را نام برد.

#### ۴) کتابخانه‌ها و مراکز اسناد

معروفترین و قدیمی ترین کتابخانه اسپانیا کتابخانه "ال اسکوریال"<sup>۱۲</sup> است که تا قرن نوزدهم الگویی برای کتابخانه‌های دیگر اروپایی بود. کتابخانه سلطنتی<sup>۱۳</sup> کتابخانه مهم دیگری است که در قرن هیجدهم تأسیس شده و یک قرن بعد به کتابخانه ملی مادرید<sup>۱۴</sup> تغییر نام داد. این کتابخانه در اصل از کتابهای کتابخانه‌های شخصی و کلیسایی که توسط دولت ضبط شده بود، تشکیل می‌گردید. کتابخانه خصوصی سلطنتی یا کتابخانه کاخ<sup>۱۵</sup> در کنار کتابخانه‌های آکادمی‌های سلطنتی کتابخانه شورای عالی تحقیقات علمی و کتابخانه‌های استانی مجموعاً شبکه گسترده‌ای از کتابخانه‌ها را در سراسر اسپانیا تشکیل می‌دهند.

1 - Museo de la Royal Academy de Bellas Artes de san Fernando

2 - Museo Arqueologico Nacional

3 - Museo de Arte de Cataluna

4 - Museo Nacional de Escultura Policromada

5 - Maritime Meuseum in the Royal Arsenals of Barcelona

6 - Cerallbo

7 - Mares

8 - Museum of costume

9 - Picasso Museum

10 - Sefardic Museum

11 - Museum of Abstract Art in Cuenca

12 - El Escorial

13 - Royal Library

14 - National Library of Madrid

15 - Private Royal Library or Palace Library



علاوه بر اینها اسپانیا دارای چهار مرکز عمده برای جمع‌آوری اسناد تاریخی این کشور می‌باشد. این مراکز عبارتند از: آرشیو تاریخی ملی<sup>۱</sup> در مادرید، آرشیو عمومی سیمانکا<sup>۲</sup>، آرشیو عمومی سرخپوستان در سودیسیا<sup>۳</sup>، که حاوی اسناد مربوط به دولتهای تابع اسپانیا در مستعمرات می‌باشد و آرشیو عمومی پادشاه آراگون<sup>۴</sup> در بارسلون که اهمیت ویژه‌ای در مطالعه تاریخی قرون وسطی دارد.

### ۵) دیگر مراکز فرهنگی

ارکستر ملی اسپانیا که تقریباً بلافاصله پس از جنگهای داخلی (۱۹۳۶-۳۹) تأسیس شده است، فعالیت خود را انحصاراً در زمینه موسیقی سمفونیک دنبال می‌کند. ارکستر سمفونی رادیو و تلویزیون اسپانیا که اولین برنامه خود را در سال ۱۹۶۵ اجرا کرد علیرغم سابقه کمتر خود به دلیل استفاده از وسایل ارتباط جمعی، مخاطبان بیشتری داشته است. مرکز این دو ارکستر به همراه ارکستر سمفونیک و ارکستر فیلارمونیک اسپانیا در شهر مادرید می‌باشد. تنها ارکستر فعال در خارج از مادرید، ارکستر شهر بارسلون است که از سوی شهرداری این شهر مورد حمایت قرار می‌گیرد. همچنین سالن اپرای لیسبوم<sup>۵</sup> که متعلق به بخش خصوصی بوده و در شهر بارسلون واقع است.

جایزه فیلیپ د آستوریاس<sup>۶</sup> مهمترین جایزه‌ای که در رشته‌های مختلف ادبی، فرهنگی، هنری و ورزشی سالانه به شاخص‌ترین چهره‌ها اعطاء می‌گردد. دیگر جوایزی که سالانه در اسپانیا اهدا می‌شوند عبارتند از: نادال<sup>۷</sup> و پلانتا<sup>۸</sup> برای داستان، آدونیس<sup>۹</sup> برای شعر و سروانتس<sup>۱۰</sup> برای نویسندگان خارجی که به زبان اسپانیایی می‌نویسند.

### ۶) نظام آموزشی اسپانیا

نظام آموزشی رسمی در اسپانیا از مقطع ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی تشکیل شده است. لکن قبل از مقطع ابتدایی، دوره آموزشی کودکان وجود دارد که هدف اصلی از برگزاری این دوره، تقویت تواناییهای فیزیکی و شخصیتی کودکان است. این مقطع مرکب از دو بخش تا سه

1 - National Historical Archives

2 - General Archives of Simanca

3 - General Archives of Indies

4 - General Archives of the Crown of Aragon

5 - Lyceum Theatre

6 - Filipe de Asurias

7 - Nadal

8 - Planeta

9 - Adonis

10 - Cervantes

سالگی و از سه سالگی تا ۶ سالگی است. آموزش هنرهایی نظیر نقاشی، موزیک‌های ساده، بازیهای دسته جمعی از جمله مواد آموزشی در این دوره است. آموزگاران این دوره همگی متخصص در آموزش کودکان هستند.

در مقطع ابتدایی که تحصیلات پایه نیز نامیده می‌شود، از سه دوره دو ساله تشکیل می‌شود. این مقطع اجباری و رایگان است. در هر یک سه دوره مذکور طی هفته ۲۵ ساعت آموزش داده می‌شود که عموماً شامل آموزش ریاضی، زبان اسپانیایی، زبان خارجی، مذهب، هنر و... می‌باشد.

مقطع آموزش متوسطه<sup>۱</sup> که یک دوره چهار ساله پس از مقطع ابتدایی است. این مقطع از ۱۲ سالگی تا پایان شانزده سالگی به طول می‌انجامد. این مقطع شامل دو پایه دو ساله می‌باشد. شرط ورود به این مقطع، کسب نمره قبولی در مقطع ابتدایی است. آموزش زبان و ادبیات اسپانیایی، آموزش زبان و ادبیات محلی، زبان خارجی، ریاضیات، تاریخ، جغرافیا، علوم اجتماعی، فیزیک، کامپیوتر، علوم طبیعی، علوم فنی، علوم مذهبی و موزیک از مهمترین دروس این مقطع است.

پس از خاتمه دروس مذکور، فارغ التحصیلان می‌توانند یا وارد دوره دو ساله پیش دانشگاهی<sup>۲</sup> شوند و یا در دوره فنی - حرفه‌ای مشغول به تحصیل شوند. راه سومی نیز وجود دارد که آن ورود به بازار کار است.

دوره پیش دانشگاهی آخرین مرحله تحصیلات متوسطه است که داوطلبانه بوده و معمولاً از ۱۶ تا ۱۸ سالگی می‌باشد. هدف این دوره، ایجاد آمادگی در دانش‌آموزان بمنظور ورود به تحصیلات عالی است. دوره پیش دانشگاهی دارای چهار شاخه متمایز است که عبارتند از هنر، علوم طبیعی و بهداشتی، علوم انسانی و اجتماعی، تکنولوژی.

پس از طی دوره پیش دانشگاهی، دانش‌آموزانی که از امتحانات مربوطه گذر کرده باشند، می‌توانند وارد دوره عالی فنی حرفه‌ای، رشته‌های دانشگاهی و یا آموزش عالی هنری شوند. تحصیلات دانشگاهی شامل سه دوره فوق دیپلم، لیسانس و دکتری است.

در آموزش عالی اسپانیا دوره فوق لیسانس وجود ندارد و پس از اخذ لیسانس، دوره دکتری مرکب از یک دوره یک ساله حضور در کلاس و گذراندن ۲۰ واحد تحصیلی و انجام یک تحقیق ۱۲ واحدی است که پس از طی این دو مرحله، دانشجو صاحب مدرک "دیپلم

<sup>۱</sup>- Educacion Secundaria Obligatoria (E.S.O)

<sup>۲</sup>- Bachillerato

تحصیلات عالی<sup>۱</sup> می‌شود و پس از آن می‌تواند تز دکتری را آغاز نماید که در صورت موفقیت، صاحب مدرک Ph.D می‌شود.

#### ترکیب علمی جمعیت اسپانیا

از جمعیت اسپانیا ۴۸ درصد دارای تحصیلات متوسطه، ۲۳/۱ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۳/۵ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی، ۱۲/۸ درصد دارای سواد خواندن و نوشتن و ۲/۶ درصد بیسواد می‌باشند.

استان مادرید با ۲۰/۴ درصد، ایالت کاتالونیا با ۱۵/۸ درصد و ایالت آندالوسیا با ۱۴/۷ درصد دارای بیشترین فارغ‌التحصیلان دانشگاهی می‌باشند. ۵۲/۵ درصد از دانشجویان دختر هستند. در اتحادیه اروپا، کشور سوئد با ۵۹ درصد بالاترین درصد دانشجویان دختر را به خود اختصاص داده است. در سال ۱۹۸۱ تنها ۵/۵ درصد از مردم اسپانیا تحصیلات دانشگاهی داشتند.

در سال تحصیلی ۲۰۰۶-۲۰۰۵، جمعاً تعداد ۸/۴۲۰/۴۷۶ نفر در مقاطع مختلف تحصیلی در اسپانیا مشغول تحصیل بوده‌اند لذا این تعداد بیش از ۷۲ درصد در مدارس و دانشگاه‌های دولتی و ۲۸ درصد در مدارس و دانشگاه‌های خصوصی مشغول به تحصیل بوده‌اند. جدول تعداد دانش‌آموزان مقاطع تحصیلی مختلف در سال ۲۰۰۶-۲۰۰۵ به شرح ذیل است:

مقطع تحصیلی	تعداد دانش‌آموزان	مدارس دولتی	مدارس خصوصی
پیش دبستانی	۱۴۸۰۴۱۰	٪۶۵	٪۳۵
ابتدایی	۲۴۸۱۶۶۷	٪۶۸	٪۳۲
راهنمایی	۵۲۸۲۹۲	٪۵۰	٪۵۰
متوسطه	۱۸۴۳۳۱۳	٪۶۵	٪۳۵
پیش دانشگاهی	۶۴۰۲۴۱	٪۷۵	٪۲۵
مدارس حرفه‌ای	۵۰۲۴۷۲	٪۷۵	٪۲۵
دانشگاه	۱۴۴۲۰۸۱	٪۹۲	٪۸

درصد سهم هزینه‌های آموزش در تولید ناخالص داخلی اسپانیا در سال ۲۰۰۵ بالغ بر ۴/۵ درصد بوده است. که این رقم، اسپانیا را در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا در مکان دوازدهم قرار داده است. در سال ۲۰۰۵ بالغ بر ۲۲۹/۷۹۸ نسخه کتاب و مقاله در ۶۷/۳۲۵ عنوان منتشر

<sup>1</sup> - D.E.A(Diploma de Estudios Avanzada)

شده است که ۷۸/۸ درصد به زبان کاستیانا، ۱۱/۴ درصد به زبان کاتالان، ۲/۱ درصد به زبان گالیسیایی، ۱/۵ درصد به زبان اوسکرا (زبان مردم باسک) و ۶/۳ درصد به دیگر زبانها می‌باشد.

### دانشگاههای اسپانیا

مهمترین دانشگاههای اسپانیا عبارتند از: دانشگاه کمپلوتنسه مادرید، دانشگاه آتونوما مادرید، آموزش راه دور<sup>۱</sup> مادرید، خوان کارلوس مادرید، پلی تکنیک مادرید، آتونوما بارسلون، دانشگاه بارسلون، دانشگاه بین‌المللی کاتالونیا، اوبرتا بارسلون، پومپئو فابرا بارسلون، دانشگاه سالامانکا، دانشگاه، منندز پلایو کانتابریا، دانشگاه سویا، دانشگاه والنسیا، دانشگاه بایادولید. دانشگاههای کمپلوتنسه مادرید (۱۵۰۸ میلادی)، دانشگاه گرانادا (۱۵۳۱ میلادی)، دانشگاه سویا (۱۵۰۵ میلادی)، دانشگاه زاراگوزا (۱۵۴۲ میلادی)، دانشگاه والنسیا (۱۴۹۹ میلادی)، دانشگاه بایادولید (۱۲۹۲ میلادی) از قدیمی‌ترین دانشگاههای اروپا می‌باشند. دانشگاه کمپلوتنسه مادرید مهمترین دانشگاه کشور، دانشگاهی دولتی است که قدمتی نزدیک به ۵۰۰ سال دارد. تعداد دانشجویان این دانشگاه ۱۰۴/۷۵۷ نفر در سال تحصیلی ۲۰۰۳-۲۰۰۴ بوده است. این دانشگاه با ۶۰۶۶ نفر استاد، در ۷۲ رشته تحصیلی فعالیت دارد. لازم به ذکر است که بیشترین تعداد دانشجو متعلق به دانشگاه آموزش راه دور است که یک دانشگاه مکاتبه‌ای است. این دانشگاه دارای ۱۴۳/۵۰۰ دانشجو است. در سال ۲۰۰۵، بالغ بر ۶/۹۳۶/۷۵۲ نفر از اتباع اسپانیا تحصیلات دانشگاهی را به اتمام رسانده‌اند که از این تعداد ۳/۹۲۰/۶۲۸ نفر مرد و ۳/۰۱۶/۱۲۴ نفر زن هستند. گرایش زنان به رشته‌های علوم اجتماعی و رشته‌های مرتبط با بهداشت و آموزش و گرایش مردان به رشته‌های فنی، مهندسی و معماری است.

### (۷) زبان و خط

زبان رایج در سراسر اسپانیا زبان کاستیانا<sup>۲</sup> یا همان اسپانیایی مدرن استاندارد و زبان رسمی این کشور می‌باشد. بیش از ۷۰ درصد مردم اسپانیا به این زبان تکلم می‌کنند. این زبان یکی از زبانهای لاتینی است که در آن آثاری از زبانهای دیگر اقوامی که قبل و بعد از رومی‌ها بر اسپانیا حکم رانده‌اند، از جمله زبان سلتی و عربی می‌توان یافت. زبان کاستیانا گویش‌های

<sup>۱</sup> - U.N.E.D

<sup>۲</sup> - Castellano

مختلفی دارد که عمدتاً به تفاوت در تلفظ لغات محدود می‌گردد. از جمله اقلیتهای زبانی اسپانیا می‌توان به زبانهای کاتالان<sup>۱</sup>، گالیسی<sup>۲</sup> و باسک نام برد. کاتالان زبان لاتینی نزدیک به فرانسوی رایج در جنوب فرانسه است و حدود ۲۰ درصد مردم اسپانیا به این زبان صحبت می‌کنند. غالب جمعیت کاتالونیا<sup>۳</sup>، جزایر بالئار و والنسیا<sup>۴</sup> به این زبان صحبت می‌کنند. زبان کاتالان زبانی توسعه یافته و دارای غنای ادبی در زمینه شعر و داستان می‌باشد و به همین دلیل در قانون اساسی مصوب ۱۹۷۸ زبان کاتالان در کنار زبان کاستیانا به عنوان زبان رسمی کاتالونیا شناخته شده است. زبان گالیسی از زبان پرتغالی مدرن ریشه گرفته و از زبانهای لاتینی است. این زبان در قرن سیزدهم به عنوان زبان رسمی دربار شناخته شده بود، اما به مرور زمان اهمیت و جایگاه خود را از دست داده و امروز تنها در منطقه گالیسیا<sup>۵</sup> واقع در شمال غربی اسپانیا و در مجاورت مرزهای شمالی پرتغال بدان مکالمه، صحبت می‌شود. قانون اساسی ۱۹۷۸ اسپانیا زبان مزبور را به عنوان زبان رسمی این مناطق شناسایی نموده است و امروزه حدود ۷ درصد جمعیت اسپانیا به این زبان صحبت می‌کنند. مهمترین زبان غیرکاستیانا زبان رایج در منطقه باسک است. زبان مردم باسک نه لاتین و نه از ریشه هند و اروپایی است و تنها حدود یک درصد مردم اسپانیا به زبان باسک صحبت می‌کنند. ریشه این زبان معلوم نیست ولی قبل از ورود رومی‌ها نیز در شبه‌جزیره ایبریا رایج بوده است. این زبان امروزه تنها در روستاها و مناطق ماهیگیرنشین باسک و ناوارا<sup>۶</sup> در شمال اسپانیا مورد استفاده قرار می‌گیرد. طی سالهای دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ احیای زبان باسک در میان روشنفکران محلی برای کسب هویت نژادی مستقل گردید و طبق قانون اساسی ۱۹۷۸ این زبان نیز به عنوان زبان رسمی محلی پذیرفته شده است.

#### ۸) تعطیلات رسمی اسپانیا

با توجه به ساختار فدرال اسپانیا، هر یک از ایالات و مناطق این کشور دارای تعطیلات مختص به خود می‌باشند لکن تعطیلات رسمی در اسپانیا ۱۰ روز به قرار زیر است:

- اول ژانویه
- ششم ژانویه
- سال نو مسیحی
- روز پادشاهان

<sup>۱</sup> - Catalan

<sup>۲</sup> - Galician

<sup>۳</sup> - Catalonia

<sup>۴</sup> - Valencia

<sup>۵</sup> - Galicia

<sup>۶</sup> - Navarra

- ماه آوریل عید پاک
- اول می روز کارگر
- پانزدهم اگوست روز مریم مقدس
- دوازدهم اکتبر روز ملی اسپانیا
- اول نوامبر روز قدیسین
- ششم دسامبر روز قانون اساسی
- هشتم دسامبر روز عروج مقدس
- بیست و ششم دسامبر روز تولد حضرت عیسی (ع)

## ۹) رسانه‌های گروهی

قانون اساسی مصوب ۱۹۷۸ اسپانیا آزادی فکر، عقیده و بیان و نیز حق دریافت و انتشار اطلاعات واقعی را مورد تاکید و تضمین قرار می‌دهد مشروط به آنکه اعمال این حقوق همراه با رعایت قوانین ناظر بر حفظ اسرار حرفه‌ای، امور خصوصی، احترام و شرف افراد همراه باشد. مطبوعات اسپانیا نقش برجسته‌ای در انتقال از رژیم فرانکو به دموکراسی در نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ داشته‌اند. قوانین تکمیلی مربوط به وضعیت مطبوعات در اوایل دهه ۱۹۸۰ به تصویب رسید.

طی سالهای اخیر رسانه‌های گروهی در اسپانیا از وسعت و کیفیت قابل توجهی برخوردار شده و افکار عمومی در معرض تاثیر شگرف انواع رسانه‌ها قرار گرفته است. براساس آمار منتشره توسط مرکز "مطالعه عمومی رسانه‌های گروهی"<sup>۱</sup> میزان حضور و نفوذ رسانه‌های گروهی در میان مردم در سال ۲۰۰۲ به شرح زیر بوده است:

مردم اسپانیا در میان وسایل ارتباط جمعی، بیش از هر چیز بیننده تلویزیون می‌باشند. در سال ۲۰۰۵ بیش از ۹۱٪ مردم بیننده تلویزیون، ۵۶٪ شنونده رادیو، ۵۴٪ خواننده نشریات، ۳۸٪ خواننده روزنامه، ۴۵٪ استفاده کننده از اینترنت و ۱۰٪ علاقمند به سینما بوده‌اند.

در میان کشورهای اروپایی، در سال ۲۰۰۲ خانواده‌های اسپانیایی با ۲۹/۵٪ پس از یونان کمترین استفاده کنندگان از اینترنت بوده‌اند. هلند با ۶۵/۵٪ در صدر قرار داشته است. رقم متوسط در اتحادیه اروپا ۴۰/۴ درصد بوده است.

جمعاً ۳۴/۸۱۷/۰۰۰ نفر در اسپانیا از رسانه‌های گروهی مختلف استفاده می‌کنند که شامل ۱۶/۹۱۵/۰۰۰ نفر از مردان و ۱۷/۹۰۲/۰۰۰ نفر از زنان است. در گروه سنی ۱۴ تا ۲۴ سال ۵/۸۰۰/۰۰۰ نفر، در گروه سنی ۲۵ تا ۴۴ سال ۱۲/۹۰۵/۰۰۰ نفر، در گروه سنی ۴۵ تا ۶۴ سال ۹/۱۳۷/۰۰۰ نفر و در گروه سنی ۶۵ سال به بالا ۶/۹۷۴ هزار نفر از رسانه‌های گروهی مختلف استفاده می‌کنند.

## مطبوعات

مهمترین روزنامه‌های اسپانیا عبارتند از ال پائیس، ال موندو، آب ث، ال پرودیگو و... تیراژ مهمترین روزنامه‌های اسپانیا در سال ۲۰۰۵ به شرح زیر است:

<sup>۱</sup> - General de Medios (EGM Estudio)

شمارگان	نام روزنامه
۴۳۶۳۲۰	ال پائیس <sup>۱</sup>
۴۰۳۰۴۹	مارکا <sup>۲</sup> ( ورزشی)
۲۹۱۹۵۰	آ.ب.ث. <sup>۳</sup>
۲۹۱۰۶۳	ال موندو <sup>۴</sup>
۱۹۱۶۷۳	لاوانگواردیا <sup>۵</sup>
۱۸۴۲۵۱	ال پریودیکو <sup>۶</sup>
۱۵۸۷۸۰	آ.اس. <sup>۷</sup> (ورزشی)

### رادیو و تلویزیون

اولین پخش رادیویی در اسپانیا، در سال ۱۹۲۳ از یک ایستگاه آزمایشی در مادرید صورت گرفت. یک سال بعد دو ایستگاه رادیویی تجاری در مادرید و بارسلون آغاز به کار کرد. تا شروع جنگ داخلی در ۱۹۳۶ این دو تنها ایستگاههای رادیویی در کشور بودند. در سال ۱۹۳۷ یک ایستگاه رادیویی به نام رادیو ملی اسپانیا<sup>۱</sup> شروع به پخش برنامه از سالامانکا نمود. با پایان جنگ داخلی در ۱۹۳۹ یک سرویس رادیوی ملی با استفاده از مجموعه فرستنده‌های واقع در آرگاندا<sup>۲</sup> در استان مادرید، تأسیس گردید. در سال ۱۹۵۱ با تأسیس وزارت اطلاعات و توریسم، رادیو و تلویزیون دولتی تحت نظارت این وزارتخانه قرار گرفت.

در سال ۱۹۶۰ اولین ایستگاه رادیویی که تنها به پخش موسیقی می‌پرداخت، با نام رادیو شبه جزیره<sup>۳</sup>، تأسیس گردید. بعدها چندین ایستگاه رادیویی مشابه در مراکز استانی برآه انداخته شد. اولین فرستنده اف ام در سال ۱۹۵۷ از سوی رادیو ملی اسپانیا در مادرید بکار گرفته شد.

پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در اواخر دهه ۱۹۷۰ و در طی دهه ۱۹۸۰ مورد تجدید نظر کلی قرار گرفت. طرح دولت در مورد تقسیم فراکانسهای رادیویی براساس کنفرانس

<sup>۱</sup>-EL PAIS

<sup>۲</sup>-MARCA

<sup>۳</sup>-ABC

<sup>۴</sup>- EL MONDO

<sup>۵</sup>- LA VANGUARDIA

<sup>۶</sup>- EL PERIODICO DE CATALUNIA

<sup>۷</sup>- As

<sup>۸</sup>- Radio Nacional de Espana

<sup>۹</sup>- Arganda

<sup>۱۰</sup>- Radio Peninsular



۱۹۷۵ ژنو، در سال ۱۹۷۸ به تصویب رسید. طرح دیگر دولت از جمله شامل پخش برنامه‌های آموزشی بدون پخش آگهی از سوی ایستگاههای دولتی و تجاری بود. قانونی که در سال ۱۹۸۰ مراحل تصویب را آغاز کرده بود تعریف تازه‌ای از پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی از سوی دولت ارائه می‌داد و آنها را وسیله‌ای برای اشاعه اطلاعات و آموزش و برنامه‌ریزی فرهنگ ملی و منطقه‌ای به منظور ارتقاء سطح مشارکت عمومی در روندهای سیاسی، هدایت افکار عمومی و کمک به توسعه آزادی و برابری واقعی و مؤثر معرفی نمود.

پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی تحت نظر سازمان رادیو و تلویزیون اسپانیا<sup>۱</sup>، که از نهادهای حقوق عمومی کشور است، قرار دارد. اداره رادیو و تلویزیون اسپانیا توسط شورایی مرکب از ۱۲ عضو پارلمان و سه شورای مشورتی تشکیل می‌گردد. مدیرکل رادیو تلویزیون اسپانیا از سوی دولت و براساس پیشنهاد شورای اداری، معرفی می‌گردد و او مسئول اجرای مقررات سازمان رادیو و تلویزیون اسپانیا و معرفی نمایندگان سازمان در هریک از جوامع خودمختار است.

برنامه‌های تلویزیون دولتی اسپانیا در دو کانال پخش می‌شود که یکی از آنها تمامی کشور را تحت پوشش قرار می‌دهد. این دو کانال تلویزیون اسپانیا یک و دو نامیده می‌شوند.<sup>۲</sup> تهیه برنامه‌های تلویزیونی با استفاده از بودجه دولتی، تبلیغات تجاری و درآمد حاصل از فروش برنامه صورت می‌گیرد. همچنین دو شبکه دولتی از طریق ماهواره برای مردم جهان برنامه پخش می‌کنند که TVE Internacional و TVE 24 horas هستند همچنین چندین کانال خصوصی سراسری نظیر Antena3، Cuarto Telecinco، و Canal + Espana به پخش برنامه می‌پردازند.

رادیو ملی اسپانیا ۵ شبکه اصلی دارد. بخش برنامه‌های فرامرزی نیز به نه زبان موج کوتاه برنامه پخش می‌کند و یک سرویس بین‌المللی به زبان اسپانیایی نیز دارد. بودجه رادیویی ملی کاملاً توسط دولت و تبلیغات تجاری تأمین می‌گردد. شبکه رادیویی اسپانیا از ایستگاههای خصوصی<sup>۳</sup> که قبل از ۱۹۷۸ وجود داشته‌اند تشکیل می‌شود. چندین شبکه رادیویی دیگر از جمله Cadena Cope و Cadena SER, Onda Cero, Punto Radio که شبکه متعلق به کلیسای کاتولیک است نیز وجود دارند. در حال حاضر مجموع ایستگاههای دولتی و خصوصی رادیویی در اسپانیا به بیش از ۳۰۰ ایستگاه رادیویی می‌رسد که غالب آنها به پخش برنامه‌های محلی می‌پردازند. صاحبان امتیاز ایستگاههای رادیویی خصوصی در اسپانیا<sup>۴</sup> در

<sup>۱</sup> - Radiotelevision Espanola (R.T.V.E )

<sup>۲</sup> - TVE-1&TVE-2

<sup>۳</sup> - Radio Cadena Espanola (RCE)

<sup>۴</sup> -Asociacion Espanola de la Radiodifusion Privada (AERP)

اتحادیه‌ای که اتحادیهٔ رادیوهای خصوصی اسپانیا نامیده می‌شود، از حقوق صنفی خود حمایت به عمل می‌آورند.

علاوه بر شبکه‌های سراسری، تعداد ۱۳ استگاه رادیویی در استانهای مختلف در حال تولید و پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی هستند که از آن جمله مراکز رادیو تلویزیونی گالیسیا، کاتالان، باسک، والنسیا و مورسیا را می‌توان نام برد. در آوریل سال ۱۹۸۸ قانون انحصار دولت بر پخش برنامه‌های تلویزیونی لغو گردید. در حال حاضر علاوه بر دوکانال رسمی و سراسری تلویزیونی اسپانیا، کانال‌ها متعدد تلویزیونی، که توسط دولتهای خودمختار و بخش خصوصی فعال هستند.

### خبرگزاریها

خبرگزاریهای EFE (دولتی)، Europa Press و Colpisa (بخش خصوصی) مهمترین خبرگزاریهای اسپانیا هستند.

اسپانیا به تبع موقعیت جغرافیای خود و ورود ملیتهای مختلف به این خطه، از خصوصیات مختلف فرهنگی این ملل، از جمله مذهب، تاثیر پذیرفته است. فتح اسپانیا توسط رومیان مذهب اساطیری روم باستان را به اسپانیا آورد و با مسیحی شدن امپراطور، مسیحیت به اقصی نقاط امپراطوری گسترش یافت. عبور مسلمانان از جبل الطارق در سال ۷۱۱ میلادی جای پای را برای اسلام در غرب اروپا باز کرد که خیلی زود تقریباً تمامی شبه جزیره ایبریا را دربر گرفت. آثار حکومت مسلمانان در شهرهای قرناطه (گرانادا)، قرطبه (کوردوبا) و سوویا هنوز هم برج مانده است. اما خروج آخرین بازماندگان حکومت مسلمانان در ۱۴۹۲ میلادی از جنوب اسپانیا این کشور را به دژ مقدم مذهب کاتولیک در غرب اروپا تبدیل کرد. موفقیت در اخراج مسلمانان از غرب اروپا به همراه توفیق اسپانیا در جهان‌گشایی، از این کشور تصویری به عنوان مدافع و گسترش دهنده مسیحیت در نیمکره غربی ایجاد کرد که تا سالها حفظ شد. اسپانیا با سلطه بلامنازع خود بر تمامی کشورهای آمریکای لاتین (بجز برزیل)، به همراه زبان و فرهنگ اسپانیایی، مذهب کاتولیک را نیز در این خطه گسترش داد. این موقعیت ویژه برای زدودن هرگونه آثار نفوذ اسلام که نزدیک به هشت قرن (۷۸۱ سال) در این سرزمین حضور داشت همراه بوده است. همین وضعیت موجب گشت که طی سالهای پس از سرکوبی مسلمانان و یهودیان در اسپانیا، مذهب کاتولیک به صورت مذهب غالب کشور درآید.

#### ۱) مذهب و دولت

قانون اساسی اسپانیا در ماده ۱۶ اسپانیا را یک کشور سکولار اعلام و هیچ مذهبی را مذهب رسمی معرفی نکرده است لکن آزادی مذهب را تأمین نموده و دولت‌های اسپانیا نیز به طور عموم به این قاعده احترام گذارده است. با این حال، رفتار دولت با مذاهب مختلف به

شیوه‌های گوناگون انجام می‌گیرد. مذهب کاتولیک به عنوان مذهب غالب رابطه نزدیکی با دولت داشته و از حمایت مالی آن بهره می‌گیرد. روابط کلیسا و دولت از طریق چهار توافق نامه که در سال ۱۹۷۹ به امضاء رسیده، تعریف شده است. این چهار سند، موضوعات اقتصادی، نظامی، قضایی و آموزش مذهبی را پوشش می‌دهند. مذاهب اسلام، یهودیت و پروتستان نیز از طریق توافقنامه دوجانبه با دولت از موقعیت حقوقی مناسب برخوردار شده‌اند لکن در مقایسه با مذهب کاتولیک از مزایای کمتری برخوردارند. دیگر مذاهب شناخته شده گرچه در قانون اساسی آزاد هستند لکن با دولت توافق مورد نظر را امضاء نکرده‌اند.

در میان مزایای مختلفی که مذهب کاتولیک از آن برخوردار است، تامین مالی از طریق سیستم مالیاتی اسپانیا است. یکی از ستونهای جدول مالیاتی به پرداخت کنندگان مالیات اجازه می‌دهد تا نیم درصد از مالیات خود را به کلیسای کاتولیک اختصاص دهند. با این حال، دولت فارغ از میزان پرداخت مالیات دهندگان، حداقل کمک مالی را تضمین می‌نماید که این رقم در سال ۲۰۰۱ تقریباً ۱۲۰ میلیون یورو برآورد گردید. رقم مذکور جدای از هزینه‌هایی است که دولت در تامین معلمان مذهبی در مدارس دولتی و واحدهای نظامی و دیگر کمکهای غیرمستقیم متقبل شده است. کمکهای مذکور تنها تشکلهای کاتولیک را شامل می‌شود و رهبران مذاهب اسلام، یهودیت و مسیحیان پروتستان بر درخواستهای خود مبنی بر اختصاص مزایای مذکور به پیروان این ادیان نیز تاکید می‌نمایند. فهرست این مزایا شامل تامین مالی عمومی، تعمیم معافیت مالیاتی، دسترسی بهتر به رسانه‌های گروهی، حذف علائم مختص مذهب کاتولیک در مراسم نظامی رسمی و کاهش محدودیت در گشایش محل‌های جدید عبادت می‌باشد.

رهبران جوامع اسلامی و پروتستان همچنین خواستار حمایت بیشتر دولت از آموزش مذهبی در مدارس براساس شریعت این مذاهب هستند. علیرغم اینکه برخی دروس مذهبی در مدارس دولتی ارائه می‌گردد اما اجباری نیست، کلیسای کاتولیک و دیگر مذاهب از موجودیت مدارس مذهبی حمایت می‌کنند. براساس توافقات دوجانبه در سال ۱۹۹۲، حق پیروان مذاهب اسلام و مسیحیت پروتستان در نیروهای نظامی برای انجام مراسم مذهبی به رسمیت شناخته شده است.

کلیسای کاتولیک پس از مرگ فرانکو و استقرار رژیم دمکراتیک از این رژیم حمایت کرد و بدین طریق به ایجاد روحیه تسامح در جامعه اسپانیا کمک کرد. با این حال روابط میان کلیسا و دولت همچنان حساس باقی مانده است. مخالفت کلیسا با طرح قانون طلاق و شدت یافتن محافظه‌کاری اسقفهای اسپانیایی پس از انتخاب پاپ ژان پل دوم در ۱۹۷۸، منجر به شدت یافتن اختلافات میان کلیسا و سیاستمداران لیبرال گردید. وقوع کودتا ناموفق سال ۱۹۸۱ به

تلاش متقابل دو گروه برای رسیدن به نوعی تفاهم میان حفظ آزادیهای مذهبی درعین موقعیت ویژه کلیسا انجامید. در ژوئن ۱۹۸۱ طلاق قانونی شد و در عوض اعتراضات نسبت به حمایت‌های دولت از مدارس کلیسایی تقریباً از بین رفت. پس از حاکمیت سوسیالیستها در انتخابات سال ۲۰۰۴ و آزادی همجنس بازی توسط آنان، تنش‌هایی بین کلیسای کاتولیک و دولت ایجاد گردید.

## ۲) مسیحیت در اسپانیا

براساس آمار منتشره توسط کلیسای کاتولیک در سال ۲۰۰۵، بالغ بر ۹۴/۱۱ درصد از جمعیت اسپانیا دارای مذهب کاتولیک هستند. همچنین مطابق نتایج یک تحقیق منتشره توسط "مرکز تحقیقات جامعه‌شناسی"<sup>۱</sup> در فوریه ۲۰۰۵، بالغ بر ۸۲/۹ درصد از مردم اسپانیا خود را کاتولیک معرفی کرده‌اند. از این تعداد، ۱۹ درصد به آداب مذهب کاتولیک کاملاً پای بند می‌باشند. براساس تحقیق اخیر، ۱۰/۲ درصد اعلام کرده‌اند که به هیچ آیین خاصی اعتقاد ندارند و ۴/۴ درصد خود را کاملاً بی‌دین معرفی کرده‌اند. ۲ درصد نیز معتقد به دیگر ادیان بوده‌اند.

"فدراسیون جوامع انگلیکان مذهب"<sup>۲</sup>، خود را نماینده ۳۵۰ هزار پروتستان اسپانیایی معرفی می‌نماید لکن مدعی است که تعداد ۸۰۰ هزار پروتستان خارجی که عمدتاً از کشورهای اروپایی هستند، حداقل شش ماه در سال را در اسپانیا سکونت می‌کنند.

آمار مختلف بیانگر آن است که بیش از ۹۶ درصد جمعیت اسپانیا مسیحی کاتولیک هستند. اسپانیایی‌ها در کلیسا غسل تعمید داده می‌شوند، ازدواج می‌کنند و آیین تدفینشان در کلیسا انجام می‌شود. تعداد کلیساهای اسپانیا حدود ۶۱/۰۰۰ باب ذکر شده است. حضور گسترده کلیسا در زندگی روزمره در دوران فاشیسم فرانکو نیز کاملاً محسوس بود ولی با مرگ فرانکو در سال ۱۹۷۵ و به موازات روند صنعتی شدن و رشد شهرنشینی در اسپانیا تأثیرات منفی تحولات بر آداب و عادات مذهبی مردم آشکار گشته و میزان نفوذ کلیسا در زندگی روزمره مردم کاهش یافت.

تشکیلات کلیسایی در اسپانیا در برگیرنده ۱۳ حوزه سراسقی است که این حوزه‌ها نیز خود به ۵۲ حوزه اسقفی تقسیم می‌گردند. حوزه‌های سراسقی مادرید و بارسلون مستقیماً با

<sup>۱</sup> - Center for Sociological Investigation

<sup>۲</sup> - Federation of Evangelical Religious Entities (FEREDE)

واتیکان در ارتباط می‌باشند، ولی یازده حوزه سراسقفی دیگر تحت رهبری سراسقف "تولدو"<sup>۱</sup> شورای اسقفی اسپانیا را تشکیل می‌دهند.

### ۳) هفته مقدس و عید پاک در اسپانیا

هرساله هفته مقدس و عید پاک در اسپانیا همانند دیگر کشورهای مسیحی دنیا گرامی داشته می‌شود و البته شاید بتوان گفت در این کشور، مراسم‌های مختلف آن محسوس‌تر و با شکوه‌تر از سایر کشورهای کاتولیک برگزار می‌گردند. هفته مقدس در اسپانیا در روز یکشنبه اول آوریل برابر با ۱۲ فروردین ماه آغاز و در یکشنبه هفته بعد نهم آوریل برابر با ۱۹ فروردین ماه خاتمه می‌یابد.

بسیاری از مورخین اعتقاد دارند که حضرت مسیح (ع) در روز یکشنبه اول آوریل وارد بیت المقدس شده است و مردم آن منطقه با شاخه‌های نخل از وی استقبال نمودند. لذا به این روز "یکشنبه شاخه‌های نخل"<sup>۲</sup> لقب داده‌اند. بنا به این اعتقاد، روز سه شنبه بعد حضرت مسیح (ع) دستگیر شده، روز چهارشنبه مورد بازجویی قرار گرفته، روز پنج شنبه شکنجه گردیده، روز جمعه به صلیب کشیده شده و در روز یکشنبه نهم آوریل پس از زنده شدن مجدد به آسمان عروج نموده است. مردم اسپانیا این هفته را هفته مقدس<sup>۳</sup> نام گذاشته اند.

تاریخ دانان، آغاز برگزاری هفته مقدس را به قرن هفدهم میلادی نسبت می‌دهند. آنان اعتقاد دارند که برگزاری جشن عید پاک دو ریشه دارد که یکی به شخص یهودا در مسیحیت<sup>۴</sup> و دیگری به مشرکین<sup>۵</sup> باز می‌گردد. این افراد معتقدند که برگزاری عید پاک با ریشه مشرکین به روز تعادل طبیعت که یکی از روزهای ۲۰ الی ۲۳ مارس می‌باشد و آغاز فصل بهار محسوب می‌شود<sup>۶</sup> مربوط می‌شود و آنها این روز را جشن می‌گرفتند. البته پس از ظهور مسیحیت، مسیحی‌ها و مشرکین جدید<sup>۷</sup> یکشنبه پس از روز تعادل طبیعت و یا یکشنبه پس از یک ماه

<sup>۱</sup>- Toledo

<sup>۲</sup>- Domingo de Ramos

<sup>۳</sup>- Semana Santa

<sup>۴</sup>- Judeo – Christian

<sup>۵</sup>- Pagan

<sup>۶</sup>- روز ۲۱ مارس با اول فروردین ماه در تقویم هجری خورشیدی مطابق می‌باشد.

<sup>۷</sup>- Neopagans یا مشرکین جدید مجموعه‌ای از به اصطلاح مذاهب جداگانه‌ای هستند که در برخی مفاهیم مشترک می‌باشند و به اعتقاد پیروان آنها، یک ایمان مدرن است که از عقاید، نمادها، رویه‌ها و دیگر عوامل مذاهب قدیم بازسازی شده است. از مجموعه آنها می‌توان به Asatra, Druidic, و Wiccans اشاره نمود.

کامل را جشن می‌گرفتند و تشریفات مذهبی خود را انجام می‌دادند. کلیسای ارتدوکس برای این روز تقویم دیگری دارد.

بهرحال فارغ از این موضوع که ریشه تاریخی این جشن بطور دقیق چه بوده است، بسیاری از مردم فلسفه برگزاری این جشن را موجب تقویت مفاهیم تحقق روز معاد و رستاخیز پس از مرگ و ظهور منجی بشریت می‌دانند. بنابه این اعتقاد عیسی مسیح (ع) پس از آنکه به صلیب کشیده شد مجدداً زنده گردیده و به آسمان عروج نموده است و بهرحال روزی برای نجات بشر باز خواهد گشت.

هفته مقدس در تمام مناطق اسپانیا به مدت دو روز (پنجشنبه و جمعه هفته مقدس) برای شاغلین و دو هفته (منتهی به عید پاک) برای مراکز آموزشی و دانشگاهی تعطیل می‌باشد و البته فرصت خوبی است که مردم از آن استفاده نموده و به مناطقی در داخل اسپانیا و خارج از کشور مسافرت نمایند.

همچنین جشن‌ها و مراسم‌های مختلف هفته مقدس در نقاط مختلف اسپانیا برگزار می‌گردد که البته در جنوب این کشور به ویژه ایالت آندالوسیا رنگ و بویی سنتی‌تر و مذهبی‌تر دارد. بویژه می‌توان به شهر سویا مرکز این ایالت اشاره نمود که مراسم مذکور با شکوه خاصی در آن برگزار می‌شود. در شهر سویا نانوائی‌ها در هفته مقدس دکور مغازه‌های خود را تغییر می‌دهند و دسته‌های بزرگ عزاداری در آن شهر به راه می‌افتند. در این ایام خیل عظیمی از توریستهای مذهبی یا عادی از داخل و خارج اسپانیا برای دیدن مراسم مذکور به سویا می‌آیند.

از مشخصه‌های این دسته‌های عزاداری، حمل شمایل حضرت عیسی (ع) و حضرت مریم (ع) می‌باشد. تعداد ۴۰ الی ۵۰ مرد در عزاداری‌های فوق‌الذکر در شهرهای مختلف اسپانیا شمایل بزرگی<sup>۱</sup> را بر روی شانه‌های خود به نوبت حمل می‌کنند که حاوی پیکره‌های مذکور می‌باشد. این شمایل که از جنس چوب می‌باشند و بعضاً چند تن وزن نیز دارند با قطعاتی از طلا، نقره، پارچه و گل‌های طبیعی تزئین شده‌اند. کسانی که در جلوی این مراسم حرکت می‌کنند توبه کنندگان هستند که با لباسهای متحدالشکل و کلاههای نوک تیز<sup>۲</sup> که صورتهای آنان را می‌پوشاند از سایرین تفکیک می‌شوند. رنگ لباس عزاداران، بسته به کلیسایی که متعلق به آن می‌باشند متفاوت می‌باشد ولیکن ۴ رنگ سیاه، سفید، بنفش و سبز بیشتر از سایر رنگها مشاهده می‌شوند. برخی از این توبه کنندگان حتی زنجیرهایی بر دست و پای خود بسته و پای برهنه حرکت می‌کنند. این دسته‌های عزاداری ۴ الی ۵ ساعت در روز و گاهی مواقع در شب نیز

<sup>۱</sup>-Tronos

<sup>۲</sup>- در اسپانیا به این کلاهها cucurucho می‌گویند.

حرکت می‌کنند. همراه داشتن طبل‌های بزرگ یا گروه‌های موسیقی و شمع‌های روشن در شب، از دیگر ویژگی‌های این دسته‌های عزاداری می‌باشند.

دسته‌های عزاداری در مادرید، در روزهای یکشنبه، چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه هفته مقدس از چندین کلیسا که عمدتاً در مرکز شهر و واقع در حومه "پلازا مایور"<sup>۱</sup> قرار دارند، به راه می‌افتند. حرکت این دسته‌های عزاداری بغیر از یک مورد شنبه صبح، بقیه عمدتاً حدود ساعت ۷ بعد از ظهر آغاز می‌گردد.

البته نحوه برگزاری این مراسم در سالهای گذشته تغییر یافته است به نحوی که برخی اظهار می‌دارند که برگزاری هفته مقدس در گذشته بصورت خیلی جدی و با لباسهای رسمی برگزار می‌گردید درحالیکه امروزه با تنوع بیشتر و خارج از چارچوبهای رسمی خسته کننده جشن گرفته می‌شود. شاید بتوان گفت ظهور نسل جدید و تنوع طلب همراه با ورود جمع عظیم توریستهای خارجی که در روزهای مذکور برای دیدن این مراسم به اسپانیا وارد می‌شوند در این امر بی‌ارتباط نبوده است.

از نمادهای عید پاک در اسپانیا می‌توان به تخم مرغ رنگی و خرگوش اشاره نمود که والدین یا بزرگترها در روز عید پاک آنها را به فرزندان خود عیدی می‌دهند. هرچند امروزه اشکال شکلاتی این نمادها بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. بسیاری معتقدند که تخم مرغ نماد تولد مجدد زمین و انسان و خرگوش نیز نماد تولید مثل زیاد و بویژه در فصل بهار می‌باشند. البته یک نوع باور قدیمی و شاید غیر اسپانیایی نیز وجود دارد که برمبنای آن خرگوشها در روز عید پاک وارد لانه مرغها شده و تخم مرغها را سرقت می‌کردند. لذا مردم تلاش می‌نمودند با رنگ آمیزی، آنها را از دید خرگوشها پنهان کنند.

برخی اظهار می‌دارند غذای سنتی و مخصوص عید پاک، ران خوک<sup>۲</sup> می‌باشد که در تمامی کشورهای مسیحی زبان مشترک است و نماد موفقیت بشمار می‌رود. افراد مذهبی در اسپانیا ۴۰ روز منتهی به عید پاک<sup>۳</sup> را روزه می‌گیرند و از خوردن هرگونه گوشت قرمز خودداری نموده و در غذای خود تنها از نان، ماهی، تخم مرغ و حبوبات استفاده می‌کنند. البته گرفتن روزه در ۴ روز منتهی به عید پاک در میان مردم بیشتر از روزه ۴۰ روزه رواج دارد.

مردم اسپانیا همچنین در روزهای پنجشنبه و جمعه هفته مقدس، یک نوع غذا و یک نوع دسر را بیشتر از سایر غذاها طبخ و استفاده می‌کنند. غذای مذکور با نام "پاتاچه"<sup>۴</sup> ترکیبی از

<sup>۱</sup> - Plaza Mayor

<sup>۲</sup> - Ham

<sup>۳</sup> - در اسپانیا به این ایام Cuaresma مشتق از کلمه اسپانیایی Cuarenta به معنای ۴۰ می‌گویند.

<sup>۴</sup> - Pataje



برنج، نخود، اسفناج و ماهی "باکالو"<sup>۱</sup> است. دسر نیز با نام "توریخاس"<sup>۲</sup> از نان مخصوص این دسر به همراه تخم مرغ، شیر، دارچین و شکر طبخ می‌گردد.

#### ۴) اسلام و مسلمانان اسپانیا

به رغم چندین قرن حاکمیت اسلام در اسپانیا، نقش و حضور این آیین در اسپانیای معاصر بسیار کم رنگ است. "فدراسیون جوامع مسلمان اسپانیا"<sup>۳</sup> تعداد مسلمانان این کشور را نزدیک به یک میلیون نفر (شامل مهاجرین قانونی و غیرقانونی) اعلام کرده است. تا قبل از سال ۱۹۷۵ اثری از فعالیت و حضور مسلمانان در جامعه اسپانیا مشهود نبود. بدنبال مرگ فرانکو و تغییر نظام حاکم بر اسپانیا، بر اثر ورود دانشجویان عرب و مهاجرت اتباع کشورهای اسلامی بتدریج موقعیت مسلمانان در این کشور تغییر یافت. در این سالها تعدادی از مردم کشورهای اسلامی، بویژه کشورهای عربی، مرکز فعالیت‌های خود را به اسپانیا منتقل نموده و در نقاطی مانند بارسلون، والنسیا، کوردوبا، مالاگا، گرانا و مادرید سکنی گزیدند. آنان شعائر و شئونات اسلامی خود را حفظ کردند. برخی نیز با عنوان مسلمان در فرهنگ اسپانیایی مستحیل شدند و سرمایه خود را در زمینه‌های مورد توجه جامعه اسپانیا به کار انداختند. اغلب مسلمانان ساکن در اسپانیا از اهالی شمال آفریقا، عربستان سعودی، کویت، امارات عربی متحده و سوریه هستند. بخش اعظم مسلمانان ساکن در اسپانیا در شهرهای سنوتا و ملیا و استانهای جنوبی اسپانیا زندگی می‌کنند.

#### ۵) جوامع و سازمانهای اسلامی

در ماه می ۲۰۰۵، مرکز ثبت جوامع مذهبی ثبت ۱۱۸۴۱ تشکل کاتولیک و ۱۱۸۸ تشکل مسیحی غیرکاتولیک که از این تعداد ۶۰۴ تشکل پروتستان هستند را اعلام داشت. بعلاوه، تعداد پنج تشکل مذهب ارتدوکس، پانزده تشکل یهودی، دو تشکل بهایی، سه تشکل هندو و سیزده تشکل بودایی نیز به ثبت رسیده‌اند.

تشکل‌های اسلامی ثبت شده در این مرکز ۱۵۹ واحد اعلام شده است. مهمترین سازمانهای اسلامی موجود در اسپانیا عبارتند از: مرکز اسلامی در شهرهای سویا، مادرید، مورسیا، بارسلون، کوردوبا، سنوتا و... مدارس اسلامی زاراگوزا، جامعه فرهنگ عربی مادرید، جامعه العمل بارسلون، جامعه اسلامی آندلوس در کوردوبا، مرکز اسلامی ابن رشد در کوردوبا، جماعت اسلامی ال

<sup>۱</sup> - Bacalav

<sup>۲</sup> - Torrijas

<sup>۳</sup> - Federation of Spanish Islamic Entities (FEERI)

آندالوس در آلمریا، جامعه اسلامی والنسیا، جامعه اسلامی مسلمانان سئوتا، جامعه اسلامی بدر در شهر ملیتا، جامعه اسلامی مادرید و...  
مهمترین مساجد اسپانیا عبارتند از: مسجد و مرکز اسلامی مادرید، مسجدالایمان مادرید، مسجدالنور بارسلون، مسجدالرحمان بیلباو، مسجدالرساله النبوی کادیز، مسجدالمؤمن مالاگا، مسجدالهدی لوگرونیو، مسجدالنصر بارسلون، مسجد السلام تاراگونا، مسجد التوبه بارسلون، مسجدالسنة ویتوریا، مسجد بدر بیلباو، مسجد کاسابلانکا در مالاگا، مسجد رمضان بارسلون، مسجد یونس بارسلون، مسجد ملک عبدالعزیز آل سعود در ماریبا، مسجد الیکانته، مسجد عبدالرحمان ایبیزا، مسجد التقوی گرانادا و...

شرایط زندگی در اسپانیا در مقایسه با آنچه تا اواخر حکومت فرانکو در این کشور وجود داشت، شاهد تغییرات گسترده‌ای بوده است. در آن هنگام اقتصاد بصورت متمرکز هدایت می‌شد و دستمزدها از قانون توافق جمعی<sup>۱</sup> مصوب ۱۹۵۸ تبعیت می‌کرد. در آن هنگام چانه‌زنی جمعی بر سر حقوق در چارچوب اتحادیه‌های اجباری که در برگیرنده اتحادیه‌های کارگران و کارفرمایان، هر دو گروه با هم، بود، صورت می‌گرفت. این اتحادیه سازمان سندیکایی<sup>۲</sup> نام داشت. از سال ۱۹۷۷ به این سو، شرایط تغییر بسیاری کرده است. سیستم اتحادیه‌های عمودی جای خود را به اتحادیه‌های مستقلی داده است، که بار مذاکرات در مورد دستمزدها را بدوش دارند. عدم تمرکز در اقتصاد نیز آغاز شده است. این تغییرات ساختاری، همراه با بحران انرژی اوایل دهه هشتاد، و نرخ بالای تورم و بیکاری از اواسط دهه ۱۹۷۰، به احساس عدم امنیت همراه با تحولات سیاسی دامن زده است. البته چنین تصور می‌شود که با تحکیم روند دموکراسی، مردم اسپانیا نیز اعتماد به خود را مجدداً کسب خواهند کرد و وضعیت اقتصادی نیز بهبود خواهد یافت.

ساختار طبقات اجتماعی در اسپانیا نیز دستخوش تغییرات عمیق در مقایسه با اواسط قرن بیستم شده است. پیشرفتهای بزرگ صنعتی و افزایش درآمد، در کنار خدمات اجتماعی ارائه شده توسط دولت، منجر به رشد عمودی تجمل در میان طبقات اجتماعی و توسعه آنچه که به اصطلاح طبقه متوسط نامیده می‌شود، گردیده است. تفاوت میان اقشار شهری و روستایی کاهش یافته و این امر به تضعیف هرچه بیشتر ساختار قدیمی طبقات منجر شده است. جامعه

<sup>۱</sup>- Law of Collective Agreement

<sup>۲</sup>- Organozacion Sindical

اسپانیا سرمایه‌گذاری گسترده‌ای بر ایجاد و انباشت سرمایه‌انسانی کرده و چنین تصور می‌شود که این امر به برابری اجتماعی بیشتر خواهد انجامید.

### ۱) نظام اقتصادی اسپانیا

در حال حاضر، سیستم اقتصادی مبتنی بر بازار و همگن و همگون با اقتصاد مجموعه کشورهای عضو اتحادیه اروپایی می‌باشد. اسپانیا طی حدود سه دهه و نیم حکومت رژیم استبدادی فرانکو بر این کشور، تابع کلیه خصوصیات رژیمهای فاشیستی و در امر اقتصاد نیز متأثر از سیستمهای مبتنی بر اقتصاد برنامه‌ریزی شده بود. حرکتی که در دهه ۱۹۵۰ به منظور نیل به توسعه اقتصادی در اسپانیا آغاز گردیده بود، با نظر دولت و با برنامه‌ریزی انجام شده به همین منظور آغاز شده و در نهایت نیز ضعف و عدم کارایی این سیستم موجب تجدید نظرهای گسترده خصوصاً در دهه ۱۹۸۰ گردید.

بدنبال مرگ فرانکو و تدوین قانون اساسی جدید، حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا زمام امور را در دست گرفت. تنظیم اوضاع اقتصادی اسپانیای جدید، به گونه‌ای که آماده ورود به بازار مشترک اروپا گردد، نگرانی اصلی دولت‌های سوسیالیست بوده است. برای رسیدن به این مقصود دولت سوسیالیست اسپانیا با اتخاذ سیاستی مبتنی بر حمایت از فعالیتهای خصوصی تلاش نموده است حرکت اصلی اقتصاد کشور را به سوی نیل به سطحی از توسعه اقتصادی، که قابل مقایسه با نقش این کشور در مجموعه کشورهای اروپای غربی باشد، هدایت نماید.

سیاست اقتصاد بازار توسط حزب مردمی اسپانیا نیز تعقیب شد. این حزب که از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۴ در مسند قدرت نشست، با حمایت اتحادیه اروپا و بهره‌گیری از کمکهای مالی اتحادیه توانست اسپانیا را به سطح مطلوبی از رفاه و توسعه اقتصادی رهنمون سازد.

### ۲) بخشهای مختلف اقتصادی

#### کشاورزی و دامپروری

گرچه اسپانیا یکی از بزرگترین تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در غرب اروپا است، ولی خشک سالی‌های فصلی بخش اعظم زمینهای اسپانیا، کشاورزی و دامداری را بعضاً با مشکلات زیادی مواجه می‌نماید.

گندم و جو از نظر میزان تولید و سطح زمین زیر کشت، مهمترین محصولات غله‌ای اسپانیا هستند. علیرغم تلاش دولت برای تشویق کشاورزان به کاشت ذرت و دانه‌های روغنی، هنوز هم

مقادیر عمده‌ای از نیاز اسپانیا به این مواد از طریق واردات تأمین می‌گردد. جنوب شرقی اسپانیا مرکز کاشت جو است، حال آنکه گندم در استانهای کاستیا - لئون، آراگون، کاستیلامانچا و اکسترامادورا کاشت می‌شود. زمینهای تحت کشت غلات که از امکان آبیاری کمتری برخوردار هستند، طبق روش سنتی رایج به صورت یک سال در میان تحت کشت دو نوع محصول قرار می‌گیرند. بقولات در «مزه‌تا» کاشت می‌شوند و در والنسیا و دلتای رود ابرو برنج کاشت می‌شود. سیب زمینی، لوبیا و پیاز از جمله دیگر محصولات کشاورزی اسپانیا هستند.

مهمترین موفقیت اسپانیا در زمینه کشاورزی، تطبیق باغهای مرکبات، آب و هوای دشوار مدیترانه‌ای این کشور بوده است. باغهای مرکبات عمدتاً در ایالات والنسیا و مورسیا<sup>۱</sup> واقع شده‌اند. در دیگر مناطق میوه‌های دیگر تولید می‌شود. سیب و گلابی در شمال و شمال غرب، انجیر و بادام در استانهای کاستلون و آلیکانته<sup>۲</sup> و هلو و زردآلو در مورسیا تولید می‌شوند. محصول اصلی زمینهای تحت مالکیت‌های عمده در جنوب زیتون است که تقریباً تمامی آن صرف تولید روغن می‌گردد. تاکستانهای انگور در کاستیلامانچا<sup>۳</sup>، لاریوخا<sup>۴</sup> و تپه‌های کاتالونیا، والنسیا و مالاگا قرار دارند. اسپانیا سومین تولید کننده مشروبات الکلی در اروپا است. در اسپانیا همچنین مقادیر کمی کنف، پنبه و توتون کشت می‌شود.

پرورش گوسفند و گاو در اسپانیا از اهمیت زیادی برخوردار است و اسپانیا یکی از بزرگترین پرورش دهندگان گوسفند و بز در اروپا است. بیش از نیمی از گاوداریها در بخشهای مرطوب شمالی متمرکز شده‌اند و پرورش دهندگان گاوهای شیری در کوردیلرا کانتابریکا<sup>۵</sup> متمرکز هستند. پرورش گوسفند در مزه‌تا متمرکز است. گوسفندان اسپانیا از سه نژاد پشم بلند کورو<sup>۶</sup> و پشم کوتاه مرینوس<sup>۷</sup> و مانچگان<sup>۸</sup> هستند. گله‌های بز مناسب پرورش در مناطق خشک جنوب شرق هستند و پرورش خوک نیز در مناطق جنگلی هولم اوک<sup>۹</sup> در استان اکسترامادورا رایج است.

مهمترین اقلام تولیدی کشاورزی اسپانیا در سال ۲۰۰۴ به ترتیب یونجه با ۱۱ میلیون تن، جوبا ۸/۴ میلیون تن، شکر با ۸/۳ میلیون تن، گندم ۶/۸ میلیون تن، ذرت ۴/۵ میلیون، گوجه فرنگی ۴/۲ میلیون تن، سیب زمینی با ۳۳/۴ میلیون تن و پرتقال با ۳/۷ میلیون تن می‌باشد و

- 
- 1- Castellon
  - 2- Alicante
  - 3- La Mancha
  - 4- La Rioja
  - 5 - Cordillera Cantabrica
  - 6 - Churro
  - 7 - Merino
  - 8 - Manchegan
  - 9 - Holm-oak

شراب نزدیک به ۴۱/۲ میلیون لیتر می‌باشد. براساس آمار مذکور، در میان محصولات کشاورزی، غلات ۲۵٪، میوه‌جات ۲۳٪، حبوبات ۲۰٪، روغن زیتون ۸٪، گیاهان صنعتی ۱۱٪، انگور ۶٪، سیب زمینی ۳٪ و دیگر محصولات ۴٪ از کل محصولات را تشکیل می‌دهند. از محصولات حیوانی، ۳۰٪ از خوک، ۱۹٪ از گاو، ۱۷٪ شیر، ۱۳٪ از گوسفند و بز، ۱۱٪ پرندگان، ۵٪ انواع تخم‌مرغ و ۵٪ دیگر اقلام می‌باشد.

### صنعت

مهمترین تولیدات صنعتی اسپانیا به ترتیب شامل صنایع اتومبیل‌سازی، تولید و توزیع انرژی برق، صنایع نفت، گاز طبیعی و مواد هسته‌ای، صنایع غذایی، صنایع شیمیایی، صنایع تولیدات مواد پلاستیکی، صنایع دارویی، صنایع مبیل‌سازی، صنایع نوشابه‌های الکلی می‌باشد. ۲۵٪ از صنایع اسپانیا در ایالت کاتالونیا و بیش از ۷۰ درصد از صنایع اسپانیا در شش ایالت اصلی کاتالونیا، مادرید، والنسیا، باسک، آندالوسیا و گالیسیا قرار دارند. ۲۷٪ از تولیدات صنعتی اسپانیا در همان ایالت تولید کننده مصرف می‌شود و ۴۷٪ به بقیه اسپانیا، ۱۹٪ به اتحادیه اروپا و ۷٪ به دیگر نقاط جهان صادر می‌گردد.

### خدمات

در سال ۲۰۰۵ در بخش خدمات اسپانیا جمعاً ۱/۹۲۲/۰۵۴ شرکت مشغول به کار بوده‌اند که این تعداد شرکت، ۷/۷۶۳/۹۱۶ نفر را در خدمت داشته‌اند. این شرکتها به ترتیب در بخشهای تجاری (۴۴ درصد)، خدمات به شرکتها (۱۸/۳ درصد)، گردشگری (۱۵/۷ درصد)، حمل و نقل (۱۳ درصد)، بنگاههای معاملات املاک (۵/۴ درصد)، خدمات شخصی (۴/۳ درصد)، و خدمات ارتباطی و اطلاعاتی (۱/۳ درصد) فعال بوده‌اند. بخش تجاری ۴۶ درصد، بخش خدمات به شرکتها ۲۹ درصد، گردشگری ۱۴ درصد، حمل و نقل ۱۰ درصد، خدمات ارتباطی و اطلاعاتی ۵ درصد، املاک ۳/۸ درصد و خدمات شخصی ۲ درصد از نیروی انسانی شاغل در بخش خدمات را به خود اختصاص داده‌اند. سهم زنان در هر یک از بخشهای فوق به ترتیب ۴۱/۷ درصد، ۵۱/۳ درصد، ۴۶/۴ درصد، ۱۴/۷ درصد، ۳۳/۲ درصد، ۳۴/۳ درصد و ۷۵/۶ درصد می‌باشد.

### تکنولوژی

در سال ۲۰۰۵، دولت اسپانیا مبلغ ۸/۹۴۵/۸۰۰ یورو به امر تحقیق و توسعه اختصاص داده است. این رقم ۹۶/۴ درصد از کل تولید ناخالص داخلی اسپانیا را شامل می‌شود. این

رقم در حالیکه نسبت به سال قبل از آن، از رشد قابل توجهی برخوردار شده است، اسپانیا را در میان کشورهای اتحادیه اروپا در مکان سیزدهم و قبل از کشورهای پرتغال و یونان قرار داده است.

در میان کشورهای اروپایی، سوئیس با ۴/۲۷ درصد، فنلاند با ۳/۴۰ درصد، آلمان ۲/۴۹ درصد، دانمارک ۲/۴۰ درصد، فرانسه ۲/۲۳ درصد، بلژیک ۲/۱۷ درصد، هلند ۱/۹۴ درصد، اتریش ۱/۹۰ درصد، انگلستان ۱/۸۹ درصد، لوکزامبورگ ۱/۷۱ درصد، ایرلند ۱/۱۷ درصد، و ایتالیا با ۱/۰۷ درصد بالاتر از اسپانیا قرار دارند. نرخ متوسط در اتحادیه اروپا ۱/۹۷ درصد است. در میان بخشهای استفاده کننده از بودجه اختصاص یافته به تحقیق و توسعه، به ترتیب شرکتها با ۵۲٪ (یک میلیارد و دویست و شصت و یک میلیون یورو)، آموزش عالی با ۳۱٪ (یک میلیون و نهصد و بیست و پنج میلیون و چهارصد هزار یورو)، دستگاههای دولتی با ۱۶٪ (نهصد و هشتاد و نه میلیون یورو)، و مؤسسات غیردولتی با کمتر از یک درصد (پنجاه و یک میلیون و هشتصد هزار یورو) قرار دارند.

#### گردشگری (توریسم)

اسپانیا یکی از مهمترین کشورهای توریستی جهان است. مطابق آمار سال ۲۰۰۵ این کشور به واسطه پذیرایی از ۵۷/۴۰۰/۳۱۲ گردشگر، درآمدی بالغ بر ۳۹/۲۴۱/۰۰۰/۰۰۰ یورو کسب نمود که با احتساب ۹/۲۵۱/۹۴۱/۰۰۰ یورو هزینه، درآمدی معادل ۲۹/۹۸۹/۰۵۹/۰۰۰ یورو به دست آورد. از مجموع توریستهای فوق، ۲۷/۳ میلیون نفر خارجی و مابقی اسپانیایی می‌باشند.

کشور اسپانیا به لحاظ تعداد اقامتگاههای توریستی در میان اعضای اتحادیه اروپا پس از ایتالیا و آلمان با ۱/۳۹۵/۳۸۳ واحد در مکان سوم قرار دارد. مهمترین نقاط توریستی اسپانیا به ترتیب جزایر بالئار، کاتالونیا، آندالوسیا، جزایر قناری، والنسیا و مادرید می‌باشد.

#### حمل و نقل

کشور اسپانیا از شبکه حمل و نقل مناسبی برخوردار است. آمار سال ۲۰۰۵ بیانگر آن است که در اسپانیا ۹ هزار کیلومتر اتوبان و جاده‌های دو بانده، ۲۳۸۶ کیلومتر اتوبانهای عوارضی، ۱۶۴/۱۳۹ کیلومتر جاده اصلی، ۵۰۳/۱۸۴ کیلومتر جاده شوسه و ۱۴/۸۷۳ کیلومتر راه آهن وجود دارد.

در سال ۲۰۰۵، در اسپانیا تعداد ۲۰/۲۵۰/۳۷۷ دستگاه خودرو سواری، ۱/۸۰۵/۸۲۷ دستگاه موتور سیکلت، ۵۸/۲۴۸۰ دستگاه اتوبوس و مینی‌بوس و ۴/۶۵۵/۴۱۳ دستگاه کامیون

و کامیونت وجود داشته است. در میان کشورهای اتحادیه اروپا، اسپانیا با داشتن ۴۴۲ دستگاه خودرو برای هر هزار نفر، رتبه هشتم را پس از کشورهای لوکزامبورگ (۶۲۳)، ایتالیا (۶۵۳)، آلمان (۵۲۱)، اتریش (۵۰۶)، فرانسه (۴۶۳)، بلژیک (۴۵۸) و سوئیس (۴۵۱) در اختیار دارد. در سال ۲۰۰۵، بیش از ۲۲/۸ میلیون نفر از جمعیت اسپانیا دارای گواهینامه رانندگی بوده‌اند که سهم مردان ۱۴/۳ میلیون و سهم زنان ۸/۵ میلیون نفر بوده است. در همین سال، درحمله و نقل بین شهری، تعداد ۱/۲۹۰/۷۰۰/۰۰۰ سفر با اتوبوس، ۵۹۸/۰۰۰/۰۰۰ سفر باقطار، ۵۰۲/۰۰۰/۰۰۰ سفر با اتوبوسهای برقی و ۱۵۸/۰۰۰/۰۰۰ سفر نیز از طریق کشتی انجام گرفته است. در داخل شهرها، ۱/۶۹۲/۰۰۰/۰۰۰ سفر با اتوبوس و ۹۹۸/۰۰۰/۰۰۰ سفر با مترو صورت گرفته است.

بطور متوسط ماهانه دویست هزار دستگاه خودرو سواری و ۴۰ هزار دستگاه کامیون و مینی‌بوس در اسپانیا تولید می‌شود. ۶۴٪ از مردم اسپانیا برای عزیمت به محل کار از خودرو شخصی، ۱۶٪ از وسایل نقلیه عمومی و ۴٪ از دوچرخه و موتور سیکلت استفاده کرده‌اند. ۲۰٪ نیز پیاده به محل کار خود رفته‌اند. این ارقام در دانشجویانی که فاقد شغل هستند به ترتیب ۴۴٪ با وسایل نقلیه عمومی، ۳۳٪ پیاده و ۲۳٪ خودرو شخصی می‌باشد.

### مصرف انرژی

در سال ۲۰۰۵، متوسط مصرف انرژی در شاخه‌های مختلف در اسپانیا عبارت بود از: یورو سوخته‌های کربنی، ۲۶۴/۳۷۸/۰۰۰ یورو نفت و مشتقات آن، ۱/۲۸۷/۰۰۷/۰۰۰ یورو گاز، ۳/۲۸۵/۰۱۸/۰۰۰ یورو برق، ۲۴۲/۵۶۹/۰۰۰ یورو دیگر انواع انرژی.

منابع تولید انرژی اسپانیا به ترتیب عبارتند از: سوخت فسیلی ۲۲/۶ درصد، هیدرو ۸/۲ درصد، سوخت هسته‌ای ۵۰/۲٪ و بقیه سوختها ۱۹٪ درصد. تولید برق در سال ۲۰۰۵، معادل ۲۶۳/۳۰۰ کیلو وات ساعت و مصرف آن معادل ۲۴۱/۸۰۰ میلیارد کیلو وات ساعت بوده است. اسپانیا ۱۱/۴ میلیارد کیلو وات ساعت برق صادر و ۸/۳ میلیارد کیلو وات ساعت وارد می‌کند.

### مسکن

براساس آمار در سه ماهه چهار سال ۲۰۰۳، قیمت هر مترمربع مسکن در اسپانیا به طور متوسط ۱۵۱۱ یورو می‌باشد. این رقم برای بناهای نوساز ۱۷۳۱ یورو و برای بناهای با قدمت بیش از ۲۰ سال ۱۴۲۸ یورو است. این در حالی است که قیمت هر متر مربع بنادر اسپانیا در سال ۱۹۸۹ به طور متوسط ۴۵۷ یورو بوده است.



آمار سال ۲۰۰۶ نشان می‌دهد که در میان کشورهای اتحادیه اروپا، ۸۵٪ مردم اسپانیا دارای مسکن ملکی می‌باشند و از این حیث اسپانیا در صدر قرار دارد. این در حالی است که در اسپانیا نزدیک به ۱۴٪ منازل خالی از سکنه می‌باشند. افزایش حمایت اجتماعی در اسپانیا طی سالهای اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته است با این حال در میان کشورهای اروپایی نرخ هزینه‌های اختصاص یافته به حمایت‌های اجتماعی نسبت به تولید ناخالص داخلی در اسپانیا از سطح چندان مطلوبی برخوردار نیست. بر اساس آمار سال ۲۰۰۶، اسپانیا با اختصاص ۲۰/۱ درصد از تولید ناخالص داخلی قبل از ایرلند در آخرین رتبه قرار دارد. کشور سوئد با ۳/۳۲ درصد تولید ناخالص داخلی در رتبه نخست قرارداد و نرخ متوسط اتحادیه اروپا ۲۷/۵ درصد است. از رقم ۱۳۵/۶۲۰ میلیون یورو اختصاص یافته به حمایت‌های اجتماعی در اسپانیا در سال ۲۰۰۲، ۴۲٪ به سالمندان، ۳۰٪ به خدمات درمانی، ۱۳٪ به بیکاری، ۷/۵ درصد به معلولان، ۴٪ به بازماندگان حوادث مختلف، ۲/۵٪ به زنان و فرزندان بی سرپرست و ۱٪ به تأمین مسکن اختصاص یافته است.

### بازار کار

بر اساس آمار سال ۲۰۰۵، جمعیت بالای ۱۶ سال اسپانیا بالغ بر ۳۶/۴۱۶/۰۰۰ نفر می‌باشند که شامل ۱۷/۸ میلیون نفر مرد و ۱۸/۶ میلیون نفر زن هستند. از جمعیت مذکور ۲۰/۸ میلیون نفر فعال و ۱۵/۵ میلیون نفر غیر فعال هستند. جمعیت زنان ۸/۶ میلیون و مردان فعال ۱۲/۲ میلیون نفر می‌باشند. از ۲۰/۸ میلیون نفر فعال جامعه اسپانیا، ۱۷/۳ میلیون نفر دارای شغل دائمی بوده و مابقی دارای شغل موقت بوده و یا در انتظار شغل هستند. از جمعیت شاغل (۲۰/۸ میلیون نفر)، تعداد ۱۴/۹۰۰/۰۰۰ نفر در بخش خصوصی ۴/۸۰۰/۰۰۰ نفر در بخش دولتی، تعداد ۲/۱۰۰/۰۰۰ نفر در شرکت‌های تجاری و مابقی در دیگر مشاغل هستند.

از جمعیت فعال اسپانیا، در سال ۲۰۰۵، بالغ بر ۶۴/۶ درصد در بخش خدمات، ۳۰/۳۱ درصد در بخش صنعت و ۵/۳ درصد در بخش کشاورزی فعال هستند. نرخ بیکاری در اسپانیا (یعنی نسبت جمعیت شاغل به جمعیت فعال) ۸/۱ درصد است که این نسبت در زنان ۱۸/۷ درصد و در مردان ۱۱/۱ درصد می‌باشد. نرخ بیکاری در اسپانیا در سال ۱۹۹۱، ۱۹٪ و در سال ۲۰۰۲ به میزان ۱۴/۲ بود. بالاترین میزان بیکاری در اسپانیا در کادیز در ایالت آندالوسیا با ۲۹٪ و کمترین آن در ناوارا با ۱۰٪ بیکاری است. در بین بخش‌های اقتصادی، بخش کشاورزی با ۶۳٪ و بعد از آن به ترتیب بخش‌های خدمات با ۱۸٪، ساختمان ۱۲٪ و صنعت ۷٪ بیشترین اشتغال‌زایی را در سال ۲۰۰۵ ثبت کرده‌اند. در

میان ایالات اسپانیا، آندالوسیا با ۱۸٪ و ناوارا با ۶٪ از بیشترین و کمترین نرخ بیکاری برخوردارند.

در مورد تأمین اجتماعی، در سال ۲۰۰۵ به تعداد ۷/۷۴۵/۰۰۰ بیکار ثبت نام شده هر ماه ۵۱۶ یورو، به ۷۸۷ هزار معلول دائم، ماهانه ۶۰۰ یورو، به ۴/۵۷۵/۰۰۰ بازنشسته ماهانه ۵۸۸ یورو، به ۲/۰۷۳/۰۰۰ زن و مرد که از همسران خود جدا شده‌اند ماهانه ۳۶۷ یورو و به ۳۰۹ هزار بچه یتیم ماهانه مبلغ ۲۲۷ یورو پرداخت شده است.

### شرکتها

در سال ۲۰۰۵، مجموعاً به تعداد ۲/۹۸۷/۱۵۶ فقره شرکت در اسپانیا به ثبت رسیده است. مهمترین شرکتهای اسپانیا به ترتیب در بخشهای خدمات (۴۹/۶ درصد)، تجاری (۲۸/۷ درصد)، ساختمان (۱۱/۹ درصد) و صنعتی (۸/۸ درصد) فعال می‌باشند.

## ۳) اوضاع مالی و شاخصهای اقتصادی

### بانکها

بانک مرکزی اسپانیا "بانکو د اسپانیا"<sup>۱</sup> نام دارد که از سال ۱۹۲۲ دولت نیز در سود آن شریک شده است. در گذشته بخش اعظم خدمات بانکی و سپرده‌داری بانکهای دیگر از سوی دولت کنترل می‌گردید، لکن در حال حاضر بانکهای خصوصی متعددی ایجاد شده است که "بانک سانتاندر سنترال هیسپانو"<sup>۲</sup>، "بانک بلبائو بیسکایا آرختاریا"<sup>۳</sup> و "کاخا مادرید"<sup>۴</sup> از مهمترین آنها می‌باشد.

اسپانیا در حال حاضر چهارمین سرمایه‌گذار در امریکا و اولین سرمایه‌گذار در آمریکای لاتین به شمار می‌رود. مهمترین کشورهای اسپانیا سرمایه‌گذاری کرده‌اند، ایالات متحده، آلمان، سوییس، انگلیس و فرانسه هستند. سرمایه‌های خارجی عمدتاً در بخش صنایع شیمیایی، صنایع خودروسازی و املاک و مستغلات متمرکز شده‌اند.

### واحد پول و اجزای آن

<sup>۱</sup>- Banco de Espana

<sup>۲</sup>- BANK SANTANDER CENTRAL HISPOHO (BSCH)

<sup>۳</sup>- Bank Bilbao Viskaia Arjentaria ( BBVA)

<sup>۴</sup>- Caja Madrid

واحد پول اسپانیا یورو و اجزای آن سنت نام دارد. هر یورو معادل یکصد سنت می‌باشد. یورو از ابتدای سال ۲۰۰۲ به عنوان پول رسمی اغلب اعضای اتحادیه اروپا از جمله اسپانیا معرفی شد. تا قبل از معرفی یورو، مردم این کشور از پزوتا به عنوان واحد پول خود استفاده می‌کردند.

### تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی اسپانیا در سال ۲۰۰۶ بیش از ۱۲۲۳ میلیارد یورو بوده است که با عنایت به جمعیت ۴۳ میلیونی اسپانیا، سرانه تولید ناخالص داخلی این کشور ۲۷۴۰۰ یورو خواهد بود. این رقم، اسپانیا را در میان دنیا در رده نهم قرار داده است. تولید ناخالص داخلی سرانه در درون اسپانیا نیز بسیار متغیر بوده است. این رقم در ایالات مادرید، باسک و ناوارا بیش از ۲۱ هزار یورو و در ایالات کاتالونیا و آراگون و لاریوخا بیش از ۱۷ هزار یورو می‌باشد. ایالات جنوبی آندالوسیا و اکسترامادورا با کمتر از ۱۳ هزار یورو کمترین سرانه تولید ناخالص داخلی را دارند.

### موازنه پرداختها

کل هزینه‌های دولت اسپانیا در سال ۲۰۰۵، بالغ بر ۴۸۸/۲ میلیارد یورو و درآمد آن کشور ۴۷۵ میلیارد یورو بود درحالیکه موازنه تجاری اسپانیا به میزان ۹۸/۶ میلیارد یورو منفی است، خدمات و توریسم به ترتیب با ۴۳ میلیارد و ۳۹ میلیارد یورو درآمد بخش اعظم هزینه‌های دولت را جبران می‌کنند.

### سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی

میزان سرمایه‌گذاری اسپانیا در خارج از کشور در سال ۲۰۰۵ بالغ بر ۸۹ میلیارد یورو و سرمایه‌گذاری خارجی در اسپانیا ۱۰۹ میلیارد یورو اعلام شده است. واردات این کشور در همین سال بیش از ۳۲۴/۴ میلیارد یورو و صادرات آن ۲۲۱/۱ میلیارد یورو محاسبه شده است. ۶۴٪ واردات اسپانیا متعلق به کشورهای اتحادیه اروپا، ۱۳٪ آسیا، ۷٪ آفریقا، ۶٪ بقیه کشورهای اروپایی، ۵٪ از ایالات متحده آمریکا و ۴٪ از دیگر کشورهای آمریکایی می‌باشد. همچنین ۷۱٪ صادرات اسپانیا به کشورهای اتحادیه اروپایی، ۷٪ به دیگر کشورهای اروپایی، ۶٪ آسیا، ۶٪ دیگر کشورهای آمریکایی، ۴٪ ایالات متحده، ۳٪ آفریقا و ۲٪ به دیگر کشورهای جهان صادر

می‌گردد. در میان کشورهای اروپایی، فرانسه با ۲۵ میلیارد دلار واردات از اسپانیا و ۲۸ میلیارد دلار صادرات به اسپانیا مهمترین شریک تجاری اسپانیا محسوب می‌شود.

## (۱) نگاهی به تاریخ سیاسی اسپانیا

شبه جزیره ایبری طی هزاران سال زیستگاه اقوام مختلف بوده است. قدیمی‌ترین ساکنان آن، تمدن‌های ایبری و باسکی می‌باشند. در هزاره اول قبل از میلاد، فنیقی‌ها، یونانیها، کارتاژها و سلتها وازد شبه جزیره شدند. بخشی از اقوام سلت وارد مناطق شمال غربی مستقر گردیدند و از اختلاط سلت‌ها و ایبرها تمدن سلت ایبری در مناطق مرکزی به وجود آمد. در همین دوره، فنیقی‌ها شهرهایی نظیر کادیز و مالاگا را در کرانه‌های مدیترانه و در سواحل اقیانوس اطلس در جنوب کشور بنیان گذاشته و در آن‌ها صنعت را رونق دادند. یونانیان هم به قصد تجارت با مناطق داخلی به عمارت بنداری در کرانه‌های شمالی مدیترانه پرداختند. در قرن سوم قبل از میلاد، کارتاژ برای دفاع از شبکه تجاری خود در برابر رم، وارد شبه جزیره شده و به استعمار مناطق ایبرنشین و سلت‌ایبرنشین پرداخت. مرکز کارتاژها در شبه جزیره ایبری، بندر مهم کارتاخنه بود. طی جنگ‌های پونیک، که بین کارتاژ و جمهوری رم به وقوع پیوسته است، شبه جزیره ایبری مرکز قشون کشی‌های کارتاژها به سمت رم بود. بعد از دومین جنگ پونیک، رومیان تسخیر شبه جزیره را شروع کردند.

با پیروزی رومیان، شبه جزیره ایبری جزو امپراطوری رم شد. روند رومی‌سازی زبانی، فرهنگی و اقتصادی در اواخر قرن دوم قبل از میلاد شروع شد. اسپانیای کنونی نام و اکثر زبان‌ها و اساس شبکه جاده‌های خویش را از این دوره به ارث برده است. عمق رومی‌سازی اسپانیا تا حدی بوده است که سه تن از امپراطورهای رم یعنی ترایانوس<sup>۱</sup>، هادریانوس<sup>۲</sup> و

1\_ Traianus

2- Hadrianus

تئودوسیوس اول<sup>۱</sup> و همین طور فیلسوف رواقی بزرگ "سنکا"<sup>۲</sup> و شعرای نامداری چون مارتیالیس<sup>۳</sup> و لوکانوس<sup>۴</sup> در این سرزمین به دنیا چشم گشودند.

اولین شواهد موجود از رواج مسیحیت در اسپانیا به قرن چهارم میلادی بر می‌گردد. در سال ۳۸۰، امپراتور تئودوسیوس اول مسیحیت را دین رسمی کل قلمرو رم اعلام کرد. در قرن پنجم میلادی، گروه‌هایی از اقوام ژرمانیک و یک قوم ایرانی به نام الان‌ها امپراطوری رم را که به مرحله انحطاط خود رسیده بود تسخیر کردند. در چنین شرایطی، قوم ویزیگوت در اسپانیا قدرت را به دست گرفت و سلسله پادشاهی‌ای تشکیل داد که قلمرو آن کل شبه‌جزیره و مناطق جنوب فرانسه را در بر می‌گرفت. مذهب آن‌ها، بر خلاف اکثر ساکنان اسپانیا که کاتولیک بودند، آریوئی بود تا این که در سال ۵۸۹ میلادی رکاردوس اول به مذهب کاتولیک روی آورد. ویزیگوت‌ها به کشور خودشان هیسپانیا می‌گفتند.

هر چند ویزیگوت‌ها در قرن پنجم میلادی وارد شبه جزیره ایبری شدند اما آخرین پایگاه رومی‌ها در سواحل جنوبی اسپانیا تا قرن هفتم همچنان باقی بود. در سال ۷۱۱ مسلمانان از شمال آفریقا وارد اسپانیا شده و طی چند سال ویزیگوت‌ها را تا کوه‌های کانتابریا عقب راندند. تا نیمه قرن هشتم میلادی، مسلمانان تسخیر اسپانیا را کامل کرده و عبدالرحمان خلیفه اموی که از تعقیب حکام عباسی گریخته و در میان اقوام مسلمان شمال آفریقا پناه گرفته بود، با کمک مسلمانان قبایل یمن به آندلس حمله کرد و پس از شکست حاکم عباسی، در سال ۷۵۵ میلادی خود را امیر کوردوبا خواند. در سی سال نخست قرن دهم میلادی، عبدالرحمان سوم خود را به عنوان نخستین خلیفه اسپانیا معرفی نمود. این اقدام دارای دو پیامد مهم بود. در صحنه داخلی، موجب تحکیم تسلط مسلمانان بر اسپانیا شد و در صحنه خارجی، موجب تحکیم امنیت راه‌های تجارت به مدیترانه، تضمین روابط اقتصادی با بیزانس شرقی و عرضه طلا به آن شد. در سال ۹۲۷ شهر ملیا توسط مسلمانان فتح شد. قدرت خلیفه آندلس به اروپای غربی نیز سرایت کرد و تا سال ۹۵۰ میلادی امپراطوری رومی-آلمانی به تبادل سفیر با خلیفه کوردوبا اقدام نمود.

در همین زمان، بخش کوچکی از شمال اسپانیا که همچنان تحت سلطه کاتولیک‌ها بود حاکمیت خلیفه در جنوب را پذیرفت و خراج گزار آن شد. ایجاد حکومت اسلامی در آندلس متکی بر ظرفیتهای اقتصادی مبتنی بر تجارت، صنایع و دانش پیشرفته کشاورزی بود که از دیگر کشورهای اروپایی برتر و متمایز تر بود. خلافت اسلامی در کوردوبا دارای اقتصادی مبتنی

1- Theodosius

2- Lucius Anneus Seneca

3- Marcus Valerius Martialis

4- Marcus Annaeus Lucanus

بر واحد پول بود و تزریق سکه در اقتصاد کشور نقشی اساسی در قدرت مالی آن داشت. سکه طلای کوردوبا به واحد اصلی پول تبدیل گردید. با این حال، حکومت اسلامی اسپانیا اولین اقتصاد شهری و تجاری شکوفا در اروپا پس از اضمحلال امپراطوری روم بود. در این دوره، شهر کوردوبا به عنوان پایتخت و مهمترین شهر خلافت اسلامی، دارای یکصد هزار سکنه بود که آن را به مهمترین شهر اروپا تبدیل کرده بود.

همچنین مسلمانان اسپانیا به ویژه پس از حاکمیت الحکم دوم در سالهای ۹۷۶-۹۶۱ فرهنگ شکوفایی را به اروپا معرفی کردند. یکی از اقدامات گرانقدر وی، ایجاد کتابخانه‌ای با گنجایش صدها هزار جلد کتاب بود که در عصر خود در اروپا بی مانند بود. مهمترین ویژگی این دوران، اوج گیری فلسفه کلاسیک توسط فلاسفه ای نظیر ابن رشد، ابن عربی، ابن ماجه و ابن طفیل مسلمان به همراه ابن میمون یهودی بود. متفکران مسلمان اسپانیا در رشته های پزشکی، ریاضیات و نجوم سرآمد دانشمندان عصر خود بودند.

قدرت مسلمانان اسپانیا از دهه نخست قرن یازدهم و در نتیجه جنگهای متعدد و بحرانهای مالی رو به افول گذاشت. یکپارچگی حکومت اسلامی طی حملات طوایف مختلف شمال آفریقا یعنی المرابده (۱۰۹۰)، المحاد (۱۱۴۶) و بنو مارین (۱۲۲۴) متزلزل گردید و تا نیمه قرن سیزدهم میلادی، حدود قلمرو حکومت اسلامی اسپانیا تنها به حکومت نصر در گرانادا محدود گردید که نهایتاً این بخش نیز در دوم ژانویه ۱۴۹۲ به دست پادشاهان کاتولیک تسخیر گردید و بدین ترتیب به حاکمیت مسلمانان در اسپانیا خاتمه داد و تا سال ۱۵۱۲، اتحاد اسپانیا به شکل کنونی آن محقق گردید.

طی قرن شانزدهم، در نتیجه کشورگشایی و مالکیت بر سرزمینها و ثروتهای به دست آمده از مستعمرات در آمریکای لاتین، آفریقا و آسیای شرقی، اسپانیا را به یک امپراطوری بزرگ تبدیل گردید لکن یک سلسله جنگها و آشوبهای طولانی و پرهزینه در قلمرو امپراطوری و نهایتاً شکست از انگلستان در سال ۱۵۸۸ موجب تضعیف قدرت اسپانیا در میان قدرتهای اروپایی شد. همچنین نزاع قدرت در درون اسپانیا مزید بر علت شد و نهایتاً به اشغال این کشور توسط فرانسه در ابتدای قرن نوزدهم شد.

قرن نوزدهم همچنین شاهد قیامها و استقلال غالب مستعمرات اسپانیا در نیمکره غربی شد. جنگهای سه گانه جانشین، براندازی موقت نظام سلطنتی و ایجاد جمهوری نخست در سالهای ۱۸۷۳ و ۱۸۷۴ و بالاخره، جنگهای اسپانیا و آمریکا در سال ۱۸۹۸ که در نتیجه آن اسپانیا کوبا، پورتوریکو و فیلیپین را از دست داد موجب تضعیف بیش از پیش اسپانیا و تبدیل آن به یک کشور معمولی اروپایی شد.

دوره حاکمیت دیکتاتوری طی سالهای ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۱ با جمهوری دوم و پیروزی نیروهای چپ گرا در سال ۱۹۳۶ خاتمه یافت لکن اوج گیری خشونتها و تلاش ارتش اسپانیا برای ساقط کردن دولت جمهوری، موجب آغاز جنگهای داخلی اسپانیا در جولای ۱۹۳۶ شد که در آن ۳۰۰۰۰۰ نفر کشته شدند. آلمان نازی و ایتالیای فاشیست به حمایت از ژنرال فرانسیسکو فرانکو<sup>۱</sup> و نیروهای ملی گرا پرداختند. این در حالی بود که نیروهای از اتحاد شوروی و برخی کشورهای اروپایی در جبهه جمهوریخواهان می‌جنگیدند. جنگهای داخلی با پیروزی قوای فرانکو در سال ۱۹۳۹ به پایان رسید.

جنگ داخلی اسپانیا تحولی بسیار مهم در صحنه جهانی و تأثیرگذار بر تحولات بعدی اسپانیا بود. نیروهای ناسیونالیست اسپانیا پس از پیروزی در جنگهای داخلی ۳۹-۱۹۳۶ حکومتی استبدادی را بنا نمودند که ضمن تأمین ثبات داخلی، آزادیهای فردی را محدود نموده و مخالفین حکومت را شدیداً سرکوب می‌نمود. فرانکو در سال ۱۹۴۲ مجلس قانونگذاری را که کورتز<sup>۲</sup> نامیده می‌شد با اختیارات محدود احیاء کرد. فرانکو در طول جنگ جهانی دوم اعلام بیطرفی نمود و در سال ۱۹۴۷ اعلام کرد که نظام سلطنتی اسپانیا که در سال ۱۹۳۱ ملغی شده بود، پس از مرگ یا بازنشستگی وی اعاده خواهد شد. در سال ۱۹۶۷ اولین انتخابات عمومی پس از جنگ داخلی برگزار گردید و بخشی از اعضای کورتز مستقیماً از سوی مردم انتخابات گردیدند، ولی افزایش چندانی در اختیارات ایشان داده نشد. در ژوئیه ۱۹۶۹ فرانکو پرنس خوان کارلوس د بوربون<sup>۳</sup>، نوه آخرین پادشاه اسپانیا، آلفونسوی سیزدهم<sup>۴</sup>، را به عنوان جانشین آینده خود تعیین کرد. در ژوئن سال ۱۹۷۳ فرانکو پست نخست وزیری را که خود عهده‌دار آن بود را به دریا سالار "لوئیس کاررو بلانکو"<sup>۵</sup> واگذار نمود. بلانکو در دسامبر همان سال ترور شد و سازمان جدایی طلب باسک<sup>۶</sup>، مسئولیت این ترور را بعهده گرفت. بدنبال ترور بلانکو، "کارلوس آریاس ناوارو"<sup>۷</sup> در ژانویه ۱۹۷۴ به نخست وزیری انتخاب گردید.

بدنبال مرگ فرانکو در نوامبر ۱۹۷۵ خوان کارلوس با عنوان پادشاه ریاست کشور را برعهده گرفت و در ماه دسامبر همان سال کابینه لیبرال تری زمام امور را در دست گرفت. در سال ۱۹۷۶ محدودیتهای فعالیت سیاسی برداشته شد، ولی کندی پیشرفت روند اصلاحات به تظاهرات گسترده مردم منجر گردید. این تظاهرات به سرعت بیشتر اصلاحات کمک کرد و

<sup>۱</sup> - Francisco Franco

<sup>۲</sup> - Cortes

<sup>۳</sup> - Juan Carlos de Borbon

<sup>۴</sup> - Alfonso XII

<sup>۵</sup> - Admiral Luis Carrero Blanco

<sup>۶</sup> - Euskadi ta Askatasuna (ETA)

<sup>۷</sup> - Caelos Arias Navarro



اصلاحات سیاسی از جمله به ایجاد نظام پارلمانی دو مجلسی منجر گردید. اغلب احزاب سیاسی تازه تأسیس شده در انتخابات سراسری دو مجلس پارلمان که در ژوئن ۱۹۷۷ برگزار گردید، شرکت نمودند. در این انتخابات ائتلاف تحت رهبری نخست‌وزیر به نام "اتحاد مرکزیت دمکراتیک"<sup>۱</sup> اکثریت قاطع آرا را بدست آورد. در دسامبر ۱۹۷۸ قانون اساسی جدید از طریق فرایند به تصویب مردم و توشیح پادشاه رسید. برطبق این قانون اساسی اسپانیا به عنوان کشوری پادشاهی پارلمانی و با آزادی فعالیت احزاب سیاسی معرفی می‌شد. این قانون حق ملیتها و مناطق مختلف اسپانیا بر خودمختاری را تضمین می‌نمود.

در مارس ۱۹۷۹ انتخابات عمومی تازه‌ای برگزار گردید که در آن علیرغم حمایت عمومی از احزاب منطقه‌ای، شکل تقسیم کرسی‌ها در پارلمان دستخوش تغییرات چندانی نگردید و دولت جدید مجدداً تحت رهبری آدولفو سوارز<sup>۲</sup> تشکیل گردید. پارلمانهای منطقه‌ای باسک و کاتالان در مارس ۱۹۸۰ تأسیس گردید و در انتخابات هر دو منطقه اتحاد مرکزیت دمکراتیک شکست سنگینی از احزاب منطقه‌ای خورد. این وضعیت به تضعیف سوارز انجامید و در ژانویه ۱۹۸۱ وی طی اقدامی غیرمنتظره و در عکس‌العمل به جناح راست حزب استعفا نمود و "لئوپلد کالوو سوتلو"<sup>۳</sup> که معاونت نخست‌وزیر را عهده‌دار بود، جانشین وی شد.

در فوریه سال ۱۹۸۱ گروهی از نظامیان تحت رهبری سرهنگ دوم "تخرو" به پارلمان حمله کرده و ۳۵۰ تن از نمایندگان را به گروگان گرفتند. فرماندار نظامی والنسیا سپهبد "خایمه میلانس دل بوسک"<sup>۴</sup> در این منطقه اعلام وضعیت فوق‌العاده نمود و تانکها را به خیابانهای شهر والنسیا وارد نمود. خوان کارلوس بسرعت برای جلب حمایت و وفاداری دیگر فرماندهان نظامی اقدام نمود و صبح روز بعد موفق شد میلانس را ترغیب به تسلیم نماید. سرهنگ تخرو<sup>۵</sup> نیز خود را تسلیم کرد و نمایندگان پارلمان آزاد شدند. بدنبال این کودتای نا موفق بیش از ۳۰ افسر محاکمه شده و تخرو و میلانس به زندانهای طویل‌المدت محکوم شدند. البته در اواسط سال ۱۹۹۰ میلانس از زندان آزاد شد. سوتلو بلافاصله پس از این کودتای ناموفق ضمن مقاومت در برابر فشارهایی که برای تشکیل یک دولت ائتلافی وجود داشت، کابینه جدیدی تشکیل داد. وی طی دوره صدارت خود با مسائل حاد و حساسی از جمله ورود اسپانیا به ناتو روبرو بود.

---

<sup>۱</sup> - Union de Centro Democratico(UCD)

<sup>۲</sup> - Adolfo Suarez

<sup>۳</sup> - Leopoldo Calvo Sotelo

<sup>۴</sup> - Tejero

<sup>۵</sup> - Jaime Milans del Bosch

در انتخابات اولین پارلمان منطقه گالیسیا در اکتبر ۱۹۸۱، حزب اتحاد مردمی<sup>۱</sup> دو کرسی بیشتر از اتحاد مرکزیت دمکراتیک کسب کرد. تغییر مجدد کابینه در دسامبر ۱۹۸۱ حاکی از تنش در حزب حاکم بود و نتوانست مانع انشعاب در حزب گردد. پیروزی قاطع سوسیالیستها در انتخابات پارلمان منطقه‌ای آندلس در ماه مه سال ۱۹۸۲ به منزله شکستی فاحش برای دولت مرکزی بود. شکستهای اتحاد مرکزیت دمکراتیک ادامه داشت و مهمترین ضربه ترک حزب از سوی سوارز بود. سوارز پس از آنکه لاندلینو لاولیلا آلسینا<sup>۲</sup> جانشین سوتلو در رهبری حزب گردید، در ماه ژوئیه ۱۹۸۲ حزب رقیبی را تحت نام مرکزیت دمکراتیک و سوسیالیست<sup>۳</sup> تشکیل داد. در ماه اوت ۱۹۸۲ اتحاد مرکزیت دمکراتیک دیگر فاقد اکثریت کارآیی در پارلمان بود و انتخابات زودرس اعلام گردید. در ماه اکتبر مدت کوتاهی قبل از برگزاری انتخابات توطئه دست راستی کودتای نظامی کشف و خنثی گردید. چهار سرهنگ بازداشت شدند و سه تن از آنان به زندان محکوم شدند. در تحقیقات بعدی معلوم شد که ژنرال میلانس نیز در این توطئه دست داشته است. در این جو روانی انتخابات زودرس به پیروزی قاطع حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا<sup>۴</sup>، با کسب ۲۰۲ کرسی از ۳۵۰ کرسی پارلمانی، انجامید. "فیلیپه گونزالز مارکز"<sup>۵</sup> رهبری حزب اولین کابینه سوسیالیست را در دسامبر ۱۹۸۲ تشکیل داد.

در آوریل ۱۹۸۶ مجلسین اسپانیا به عنوان مقدمه‌ای برای انتخابات زودرس در ماه ژوئن منحل شدند. حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا با کسب ۱۸۴ کرسی از ۳۵۰ کرسی مجلس نمایندگان مجدداً قدرت را در دست گرفت. در این انتخابات ائتلاف تشکیل شده تحت عنوان ائتلاف مردمی<sup>۶</sup>، مرکب از احزاب اتحاد مردمی، حزب دمکراتیک مردمی<sup>۷</sup> (که بعدها به حزب دمکرات مسیحی<sup>۸</sup> تغییر نام داد) و حزب لیبرال<sup>۹</sup>، ۱۰۵ کرسی بدست آورد. کابینه جدید در اواخر ماه ژوئیه به رهبری فیلیپه گونزالز و با حضور چهار عضو جدید تشکیل گردید. ائتلاف مردمی بدنبال شکست در انتخابات عمومی دچار تفرقه گردید و در ماه دسامبر مانوئل فراگا<sup>۱۰</sup> رهبر حزب اتحاد مردمی، مهمترین عضو ائتلاف، استعفا داد. در ماه مارس ۱۹۸۷ طرح عدم

1- Alianza Popular(AP)

2- Landelino Lavilla Alsina

3- Centro Democratico y Social (CDS)

4- Partido Socialista Obrero Espanol (PSOE)

5- Felipe Gonzalez Iez Marquez

6- Coalicion Popular

7- Parodo Democrata Popular

8- Democracia Cristiana

9- Partido Liberal

10- Manuel Fraga

اعتماد به دولت، که از سوی حزب اتحاد مردمی و تحت رهبری جدید آن به نام "آنتونیو هرناندز مانکا"<sup>۱</sup> ارائه شده بود، شکست خورد.

در این سالها ناآرامی در مراکز صنعتی و اعتصابات مکرر بر علیه سیاستهای اقتصادی دولت، خصوصاً سیاست کاهش دستمزد، ادامه داشت و بخش حمل و نقل عمومی در این میان دچار لطامات شدیدی گردید. شرایط کشور از کاهش حمایت عمومی از حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا حکایت می‌کرد. در سال ۱۹۸۷ شکاف میان گونزالز و اتحادیه عمومی کارگران (بازوی کارگری حزب) هر روز عمیق‌تر می‌گردید و نیکلاس ردوندو<sup>۲</sup> رهبر اتحادیه عمومی کارگران و دستیار وی در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت سوسیالیست از سمت نمایندگی مجلس نمایندگان از جانب حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا استعفا دادند. در ژوئیه ۱۹۸۸ گونزالز تغییرات گسترده‌ای در کابینه خود داد.

در ژانویه ۱۹۸۹ مانوئل فراگا مجدداً رهبری حزب اتحاد مردمی را در دست گرفت و نام آن را به حزب مردمی<sup>۳</sup> تغییر داد. بعدها حزب دمکرات مسیحی و حزب لیبرال نیز به حزب مردمی پیوستند. در انتخابات پارلمان اروپا در ژوئن ۱۹۸۹ حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا موفق شد که موقعیت خود را کمابیش حفظ کند و تنها یک کرسی خود را از دست داد، حال آنکه حزب مردمی، به عنوان مهمترین نیروی مخالف، دو کرسی از دست داد. در ماه سپتامبر ۱۹۸۹ در تدارک برای انتخابات ۸ ماه زودتر از موعد معین، انحلال مجلسین اعلام گردید. در این هنگام یکپارچگی حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا به خاطر خروج یکصد تن از نمایندگان وابسته از حزب و پیوستن ایشان به چپ متحد<sup>۴</sup> (اتحادی متشکل از حزب کمونیست اسپانیا<sup>۵</sup> و دیگر احزاب چپ) خدشه‌دار گردیده بود. با این حال حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا در انتخابات ۲۹ اکتبر ۱۹۸۹ پیروز گردید و بطور موقت اقدام به تشکیل دولت نمود. پس از ماهها اختلاف و رسیدگی به نتایج آراء، تعداد کرسیهای حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا ۱۷۵ کرسی از ۳۵۰ کرسی مجلس نمایندگان اعلام گردید و حزب مردمی ۱۰۷ کرسی بدست آورد. با این وجود حزب سوسیالیست موفق گردید با تشکیل یک اتحاد تاکتیکی با مرکزیت دمکراتیک و سوسیالیست، اتحاد همگرایی کاتالان<sup>۶</sup> و حزب ناسیونالیست باسک<sup>۷</sup> دولت تشکیل دهد.

1- Antonio Hernandez Mancha

2- Nicolas Redondo

3- Partido Popular

4- Izquierda Unda

5- Partido Comunista Espana

6- Catalan Convergenciai Union

7- Partido Nacionalista Vasco (PNV)

در اوایل دهه ۱۹۹۰ با افشای برخی رسواییهای مالی و سیاسی در احزاب سوسیالیست و مردمی، موقعیت این دو حزب به ویژه حزب مردمی نزد افکار عمومی خدشه دار شد. در کنگره حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا در نوامبر ۱۹۹۰، شکاف میان حزب و اتحادۀ عمومی کارگران (که بار دیگر به منظور مخالفت با سیاستهای اقتصادی دولت با کنفدراسیون سندیکایی کمیسیونهای کارگری متحد شده بود) آشکار گردید و در ماه مارس ۱۹۹۱ تغییرات گسترده‌ای در کابینه اعمال شد. انتخابات شوراهای شهر در ماه مه ۱۹۹۱ همزمان با انتخابات پارلمانهای استانی برگزار گردید. حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا در این انتخابات با وجود حفظ وسیع‌ترین پایگاه مردمی، کنترل شورای شهرداری چندین شهر بزرگ را از دست داد. حزب مرکزیت دمکراتیک و سوسیالیست نیز بدنبال استعفای آدولفو سوارز، نخست وزیر سابق و رهبر حزب، دچار شکست سنگینی شد.

در آوریل ۱۹۹۳ در فضایی آکنده از بحرانهای ناشی از رسوایی‌های مالی حزبی و رکود اقتصادی اعلام برگزاری انتخابات زودرس در ۶ ژوئن نمود. اینبار نیز حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا موفق گردید دولت جدید را تشکیل دهد، ولی اکثریت مطلق خود در پارلمان را از دست داد و به کسب ۱۵۹ کرسی بسنده کرد. بدین ترتیب، حزب سوسیالیست اسپانیا توانست برای چهارمین بار پیپی زمام امور را در اسپانیا به دست گیرد. حکومت سوسیالیستها دستاوردهای فراوانی را نصیب اسپانیا نمود و این کشور علاوه بر عضویت در اتحادیه اروپا، توانست به عمده ترین شاخصهای رشد و توسعه در درون اتحادیه دست یابد.

در مارس ۱۹۹۶، حزب مردمی به رهبری خوزه ماریا آرنار در انتخابات سراسری اسپانیا اکثریت آراء را به خود اختصاص داد. حزب مردمی با آزاد سازی اقتصاد، خصوصی سازی، اصلاح بازار کار و تمرکز زدایی، قدرت را به مناطق واگذار نمود. دولت آرنار همچنین با اتخاذ تدابیری در جهت افزایش رقابت در بازار به ویژه بازار ارتباطات، تحولات مهمی در اسپانیا ایجاد کرد.

در دوره نخست زمامداری حزب مردمی، اسپانیا به طور کامل به مؤسسات اروپایی پیوست و به همراه امریکا و دیگر کشورهای عضو ناتو در عملیات نظامی در یوگسلاوی شرکت نمود. توفیق حزب مردمی در اصلاحات اقتصادی- اجتماعی دوره نخست حاکمیت بر اسپانیا موجب شد تا در انتخابات مارس ۲۰۰۰ نیز مردم به این حزب رای اعتماد داده و در دو مجلس کنگره نمایندگان و سنا اکثریت مطلق را به دست آورد.

پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، دولت آرنار که خود درگیر تروریسم "اتا" بود، حمایت کامل خود را از عملیات نظامی امریکا در افغانستان و عراق به عمل آورد و به عنوان یکی از متحدین کلیدی امریکا در میان کشورهای اروپایی، نیروهای نظامی اسپانیا را به این دو کشور گسیل نمود.

در شرایطی که غالب نظر سنجی ها قبل از انتخابات سراسری پارلمانی ۱۴ مارس از پیروزی مجدد حزب مردمی خبر می دادند، واقعه تروریستی ۱۱ مارس در مادرید که در نتیجه آن ۱۹۱ نفر کشته و بیش از ۱۴۰۰ نفر مجروح شدند، شرایط را به سود حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا تغییر داد و این حزب پس از ۸ سال مجددا قدرت را در این کشور به دست گرفت.

## ۲) ساختار نظام سیاسی اسپانیا

نظام سیاسی اسپانیا پادشاهی - پارلمانی است که مطابق قانون اساسی، قدرت بین پادشاه و رئیس دولت تقسیم شده است. هر پند پادشاه عمدتاً دارای مقامی تشریفاتی است لکن در برخی موضوعات صاحب رای و اختیار تصمیم گیری است.

طی سالهای سلطه رژیم فرانکو (۷۸-۱۹۳۸) کشور اسپانیا فاقد قانون اساسی بوده و کشور براساس قوانینی که قوانین بنیادین<sup>۱</sup> نامیده می شد، اداره می گشت. قانون اساسی فعلی اسپانیا طی referendum ۶ دسامبر ۱۹۷۸ به تصویب رسید و از تاریخ ۲۹ دسامبر همان سال به اجرا گذاشته شد. بر اساس اصول پایانی این قانون تمامی قوانین بنیادین رژیم فرانکو و نیز تمامی مصوبات غیر مطابق با قانون اساسی جدید ملغی اعلام گردیدند.

بر اساس اصول قانون اساسی، اسپانیا به عنوان کشوری دمکراتیک و اجتماعی تأسیس می گردد و ارزشهای عالی آن عبارتند از آزادی، عدالت، برابری و کثرت گرای سیاسی. حاکمیت و قدرت ملی از آن مردم اسپانیا است و شکل سیاسی حکومت پادشاهی پارلمانی است. قانون اساسی بر وحدت انفکاک ناپذیر ملت اسپانیا مبتنی است و حق خودمختاری ملیتها و مناطق مختلف را به رسمیت شناخته و تضمین می کند.

### پادشاه

پادشاه رئیس دولت، سمبل وحدت و تداوم و بالاترین نماینده کشور اسپانیا در روابط بین المللی است. شخص شاه مصون از تعرض خواهد بود. تصمیمات و اعمال وی می بایست از سوی دولت مورد تصویب قرار گیرد و بدون این تصویب فاقد اعتبار می باشند. مسئولیت اعمال پادشاه برعهده آنانی است که اعمال مزبور را تصویب کرده اند. سلطنت موروثی بوده و به ترتیب به پسر ارشد پادشاه واگذار خواهد شد و چنانچه پادشاه پسری نداشته باشد، مقام سلطنت به

---

<sup>1</sup> - Fundamental Law

دختر وی خواهد رسید.<sup>۱</sup> افرادی که علیرغم تمایل پادشاه و مجلسین ازدواج کنند، از حق جانشینی سلطنت محروم خواهند شد. قانون اساسی شکل تأسیس شورای نیابت سلطنت را نیز تعیین می‌سازد. وظایف پادشاه بر اساس قانون اساسی عبارتند از:

- توشیح قوانین
- تشکیل و انحلال پارلمان، دعوت به اجرای انتخابات و رفراندوم (بر طبق قانون اساسی)
- پیشنهاد کاندیدا جهت ریاست هر یک از مجلسین و عزل ایشان
- انتصاب اعضای مجلسین براساس پیشنهاد رئیس مجلس
- صدور فرامین مصوب شورای وزیران، واگذاری مناصب نظامی و غیر نظامی و اعطای نشان مطابق با قوانین
- کسب آگاهی از امور کشور و ریاست شورای وزیران در صورت درخواست نخست وزیر
- فرماندهی کل نیروهای مسلح
- عفو زندانیان مطابق با قانون (شامل اعلام عفو عمومی نمی‌شود)
- انتصاب سفرا و دیگر نمایندگان دیپلماتیک
- اعلام قبول تعهد کشور اسپانیا به پیمانهای بین‌المللی،
- اعلام جنگ و صلح براساس مجوز قبلی مجلسین.

### قوه مقننه

پارلمان<sup>۲</sup> نماینده مردم اسپانیا است و از کنگره نمایندگان<sup>۳</sup> و سنا<sup>۴</sup> تشکیل می‌شود. کنگره از حداقل ۳۰۰ و حداکثر ۴۰۰ عضو تشکیل می‌شود و اعضای آن از طریق رأی آزاد، مستقیم، برابر و مخفی مردم برای مدت ۴ سال انتخاب می‌گردند. هر استان یک حوزه انتخابیه را تشکیل می‌دهد و تعداد نمایندگان آن بر اساس میزان جمعیت تعیین می‌گردند. شهرهای سئوتا و ملیا هر کدام یک نماینده خواهند داشت. انتخابات می‌بایست ۳۰ تا ۶۰ روز پس از پایان هر دوره برگزار گردد و ۲۵ روز پس از انتخابات کنگره نمایندگان کار خود را آغاز نماید.

اعضای سنا بر اساس معیار نمایندگی سرزمینی انتخاب می‌شوند. هر استان چهار سناتور را برای مدت ۴ سال انتخاب می‌کند. هر جزیره با مجمع‌الجزایر یک حوزه انتخابیه را تشکیل

۱- حزب سوسیالیست پس از پیروزی در انتخابات سال ۲۰۰۴ اعلام کرد که صد دارد طی تغییراتی در قانون اساسی، ترتیبی اتخاذ نماید تا ولایتعهدی به دختران پادشاه نیز برسد. البته این قانون، ولیعهد کنونی را شامل نخواهد شد.

۲- Cortes

۳- Congreso de los Deputados (Camara Baja)

۴- Senate (camara Alta)

می‌دهد. جزایر قناری، مایورکا و تنریف هر یک سه سناتور انتخاب می‌کنند و سایر جزایر یک سناتور. جوامع خودمختار ضمن اعزام یک سناتور بیشتر، برای هر یک میلیون نفر جمعیت نیز یک سناتور اضافه، توسط پارلمان منطقه‌ای انتخاب و به سنا اعزام می‌دارند.

هر یک از مجلسین رئیس و هیئت رئیسه خود را انتخاب و آیین نامه داخلی خود را تنظیم می‌نماید. هر مجلس در طول سال دو نشست دارد که هر نشست چهار تا پنج ماه به طول می‌انجامد. در هر مجلس کمیته‌های دائمی ۲۱ نفره‌ای وجود دارد که در دوران تعطیل پارلمان و یا فواصل انتخاباتی بر امور نظارت می‌کند. جلسات مجلس بطور معمول علنی است. احزاب دارای اکثریت در مجلسین اقدامات لازم را برای حضور اکثریت نمایندگان در جلسات به عمل می‌آورند. در صورت اختلاف میان مجلسین کمیته مشترکی برای تنظیم متنی که مجدداً در هر دو مجلس به رأی گذاشته خواهد شد، تشکیل می‌گردد. در صورت ادامه اختلاف میان دو مجلس، تکلیف مسئله مورد اختلاف براساس رأی اکثریت مطلق اعضای کنگره معلوم خواهد شد. حق رأی اعضای پارلمان قابل واگذاری به غیر نیست.

الحاق به هرگونه پیمان بین‌المللی می‌بایست به تصویب پارلمان برسد. کلیه قوانین داخلی نیز می‌بایست از طریق پارلمان و یا با مجوز آن رسمیت پیدا کنند. هر یک از دو مجلس می‌تواند از قوه اجرائیه درخواست اطلاعات و یا حضور در جلسه رسمی و ارائه پاسخ به سئوالات مطروحه را نماید. قوانین نمی‌بایست مغایر قوانین قبلی باشند. قوانین ساختاری<sup>۱</sup> شامل قوانین مربوط به آزادیهای اساسی و حقوق عمومی، تصویب اساسنامه خودمختاری، سیستم عمومی انتخاباتی و دیگر موارد مشخص شده در قانون اساسی می‌گردد. تصویب، لغو و هرگونه اصلاح این گونه قوانین مستلزم رأی اکثریت مطلق نمایندگان کنگره می‌باشد.

مجلسین می‌توانند حق تصویب آیین نامه‌های اجرایی در چارچوب قوانین مصوب را به دولت واگذار نمایند. در موارد اضطراری دولت می‌تواند آئین نامه‌های اجرایی را به شرط عدم تضاد با قوانین بنیادین و حقوق ملت به تصویب و اجرا بگذارد. این قبیل آئین نامه‌ها می‌بایست ظرف ۱۵ روز پس از تصویب پارلمان به توشیح پادشاه برسد.

دولت از طریق ارائه لوایح و مجلسین از طریق طرحهای ارائه شده توسط نمایندگان حق درخواست تصویب قانونی خاص در مورد معین را دارند. همچنین این پیش‌بینی در قانون اساسی به عمل آمده است که در صورت ارائه درخواست از سوی مردم و با امضای حداقل پانصد هزار تن از شهروندان شناخته شده، پارلمان موظف به بررسی قانون مورد درخواست ایشان می‌باشد. طرح درخواستهای عمومی نزد پارلمان از طریق تظاهرات ممنوع است.

---

<sup>1</sup> - Organic Laws

**قوة مجریه**

دولت قوه اجرایی کشور را تشکیل می‌دهد. نخست وزیر براساس پیشنهاد پادشاه و با تصویب مجلس انتخاب می‌شود. شروع به کار دولت براساس رأی اکثریت مطلق اعضای کنگره امکان پذیر خواهد بود. در صورتی که ظرف دو ماه توافق لازم برای تعیین نخست وزیر صورت نگیرد، پادشاه پارلمان را منحل کرده و با تصویب رئیس کنگره نمایندگان دستور برگزاری انتخابات مجدد را صادر خواهد کرد. انتصاب وزرا بر عهده نخست وزیر می‌باشد. نخست وزیر و وزرا در مقابل کنگره و دیوان عالی کشور پاسخگو می‌باشند. شورای کشور<sup>۱</sup> ارگان عالی مشورتی دولت خواهد بود (ترکیب این شورا براساس یک قانون ساختاری تعیین خواهد گردید).

در انتخابات ماه مارس ۲۰۰۴، حزب سوسیالیست کارگران به رهبری حوزه لوئیس رودریگز زاپاترو توانست با کسب ۴۲/۵۹ درصد آراء تعداد ۱۶۴ کرسی پارلمان را نصیب خود سازد و قوه مجریه را در اختیار گیرد. حزب سوسیالیست در انتخابات سال ۲۰۰۰ با کسب ۳۴/۱۶ درصد آراء، تنها توانسته بود ۱۲۵ کرسی را تصاحب نماید. حزب مردمی که بر اساس نظر سنجی‌ها به عمل آمده در آستانه انتخابات پیروز انتخابات پیش بینی می‌شد، تحت تأثیر حوادث تروریستی ۱۱ مارس، آراء خود را از دست داد و تنها با کسب ۳۷/۷۱ درصد آراء، ۱۴۸ کرسی پارلمان را به خود اختصاص داد. حزب مردمی در انتخابات سال ۲۰۰۰ با ۴۴/۵۲ درصد آراء و کسب ۱۸۳ کرسی پارلمان توانسته بود از اکثریت مطلق برخوردار شود.

حزب سوسیالیست کارگران که در انتخابات سال ۲۰۰۰ تعداد ۱۲۵ کرسی و ۳۴/۱۶٪ آراء را به خود اختصاص داده بود، توانست این ارقام را در سال ۲۰۰۴ به ترتیب به ۱۶۴ کرسی و ۴۲/۵۹٪ برساند.

لازم به ذکر است که در سال ۲۰۰۰، تعداد ۲۲/۸۱۴/۴۶۷ نفر و در سال ۲۰۰۴ تعداد ۲۵/۴۸۳/۵۰۴ نفر در انتخابات شرکت کردند. انتخابات بعدی پارلمانی اسپانیا در مارس ۲۰۰۸ برگزار خواهد شد.

**ترکیب هیأت دولت اسپانیا**

اعضاء هیات دولت اسپانیا به شرح زیر است (ژانویه ۲۰۰۸):

۱- خوزه لوئیس رودریگز زاپاترو (نخست وزیر) Jose Luis Rodriguez Zapatero

۲- ماریا ترزا فرناندز دلا وگا سانر (معاون اول نخست وزیر و وزیر دولت)

Maria Treza Fernandez de la Vega Sanz

۳- پدرو سولیس میرا (معاون دوم نخست وزیر و وزیر اقتصاد و دارایی)

<sup>1</sup> - the Council of State



Pedro Solbes Mira

۴- میگل آنخل موراتینوس کویا اوبه (وزیر امور خارجه و همکاری)

Miguel Angel Moratinus Cuyaobe

۵- ماریانو فرناندز برمخو (وزیر دادگستری)

۶- آلفردو پرز روبالکابو (وزیر کشور)

۷- خوزه آنتونیو آلونسوسوارز (وزیر دفاع)

۸- ماگدالنا آلوآرز آرزا (وزیر توسعه)

۹- مرسدس کابرا کالبو- سوتلو (وزیر علوم و آموزش)

Meecedes Cabrera Calvo-Sotelo

۱۰- خسوس کالدرا سانچز - کاپیتون (وزیر کار و امور اجتماعی)

Jesus Caldera Sanchez-Capiton

۱۱- جوان کلوس ای ماتئو (وزیر صنایع، گردشگری و تجارت)

Joan Clos I Matheu

۱۲- النا اسپینوزا مانگانا (وزیر کشاورزی، ماهیگیری و تغذیه)

Elena Espinosa Mangana

۱۳- النا سالگادو مندز (وزیر ادارات عمومی)

۱۴- سزار آنتونیو مولینا سانچز (وزیر فرهنگ)

Cesar Antonio Molina Sanchez

۱۵- برنات سوریا اسکومز (وزیر بهداشت و مصرف)

۱۶- کریستینا ناربونا رویز (وزیر محیط زیست)

۱۷- کارمن چاکون پیکراس (وزیر مسکن)

### قوة قضاییه

عدالت از مردم ناشی می‌شود و از سوی دادستانها و قضات بر طبق قانون و به نام پادشاه اعمال می‌گردد. مبنای سازماندهی و عمل دادگاهها اصل وحدت قضایی می‌باشد. طریقه تشکیل دادگاهها در یک قانون ساختاری تعیین می‌گردد. تشکیل دادگاههای اضطراری ممنوع است. ریاست قوة قضاییه برعهده شورای عمومی قوة قضاییه<sup>۱</sup> است. ریاست این شورای برعهده رئیس دیوان عالی است. این شورا از ۲۰ نفر تشکیل می‌گردد که توسط پادشاه و برای مدت ۵ سال منصوب می‌گردند. ۱۲ تن از این تعداد قاضی و دادستان هستند، چهار تن توسط کنگره

<sup>1</sup> - Consejo General del Poder Judicial

نمایندگان و چهار تن از سوی سنا کاندیدا می‌شوند. هشت نفر اخیر با رأی سه پنجم از وکلا و قضات دارای حداقل ۱۵ سال تجربه شغلی انتخاب می‌گردند. دادستان کل از سوی پادشاه و پس از تصویب دولت منصوب می‌گردد. شهروندان می‌توانند به عنوان اعضای هیئت‌های منصفه انتخاب شوند.

### دادگاه قانون اساسی

مطابق اصل ۱۵۹ از فصل نهم قانون اساسی اسپانیا، دادگاه قانون اساسی مرکب از ۱۲ نفر شامل چهارتن از نمایندگان کنگره (با آراء سه پنجم نمایندگان)، چهار تن از نمایندگان مجلس سنا، دو نماینده از قوه مجریه و دو نفر از نمایندگان قوه قضاییه می‌باشد. افراد مذکور که از قضات، حقوقدانان، وکلا و اساتید دانشگاه هستند باید دارای دانش و سابقه اجرایی بیش از ۱۵ سال در امور حقوقی و قضایی باشند. اعضای منتخب از سوی قوای سه گانه فوق، به پادشاه اسپانیا معرفی می‌شوند و وی رسماً آنان را برای یک دوره ۹ ساله منصوب می‌نماید. البته اعضاء در هر دوره سه ساله جایگزین می‌شوند. اعضای دادگاه قانون اساسی فارغ از گرایشات سیاسی، در انجام وظایف خود کاملاً مستقل می‌باشند. رئیس دادگاه قانون اساسی توسط اعضا به پادشاه معرفی و سپس توسط ایشان، منصوب می‌گردند.

وظایف دادگاه قانون اساسی مطابق با ماده ۱۶۱ عبارتند از:

- ۱- شناسایی مواد مغایر با قانون اساسی در قوانین موضوعی
- ۲- شناسایی موارد نقض حقوق و آزادیهای مصرح در ماده ۵۳ قانون اساسی
- ۳- حل و فصل اختلافات میان دولت مرکزی و ایالات و مناطق خودمختار
- ۴- تفسیر مواد قانون اساسی و یا قوانین موضوعه

### ۳) احزاب سیاسی

سیستم سندیکایی حاکم بر اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی خصیصه ویژه سیستم سیاسی حاکم پس از جنگ داخلی بوده است. بطور کلی می‌توان گفت که غالب بخشهای سازمان یافته اقتصادی شامل صنایع سبک، خدمات و قسمتهایی از بخش کشاورزی تحت پوشش سندیکاها قرار داشتند. این سندیکاها بطور سمبولیک نماینده منافع کارفرما، کارگر و دولت، هر سه بودند. این روش با نظام فاشیستی حاکم بر کشور مطابق بود.

در سال ۱۹۷۱ پارلمان اسپانیا لایحه جدید ارائه شده از سوی دولت، در مورد فعالیت اتحادیه‌ها را تصویب کرد. بر اساس این قانون، گرچه ساختار عمده و در برگیرنده سندیکاها تحت نظارت و کنترل وزارت روابط سندیکایی حفظ شده و باقی می‌ماند، به مدیریت، تکنسینها

و کارگران اجازه داده می‌شد انجمنهای مستقل تشکیل دهند. کارگران می‌توانستند مجمع‌های خاص خود را داشته باشند و در مورد برخی تصمیمات دولتی به دادگاه شکایت کنند. ولی این شکل جدید نیز فاصله زیادی با کشورهای جامعه اقتصادی اروپا داشت. در سال ۱۹۷۷ بدنبال برقراری دموکراسی در اسپانیا، اتحادیه‌های کارگری مستقل مورد شناسایی قرار گرفتند و تا سال ۱۹۸۱ سه اتحادیه عمده فعالیت خود را آغاز کرده بودند. این اتحادیه‌ها عبارتند از:

۱. اتحادیه عمومی کارگران اسپانیا<sup>۱</sup>، با ارتباط نزدیک با حزب سوسیالیست،

۲. اتحادیه سندیکایی کارگران<sup>۲</sup>. کمیسیونهای کارگری C.CO.O

پس از سال ۱۹۷۷ قوانین کار زمینه‌ای را برای چارچوب جدید روابط کارگری فراهم آورد و در سال ۱۹۸۰ «منشور کارگران» که در برگزیده مسائل مختلف کارگری بود به تصویب رسید.

کثرت‌گرایی دموکراتیک و عمومیت حق رأی در قانون اساسی سال ۱۹۷۸ تضمین شده است. گوناگونی گروههای جمعیتی که ملت اسپانیا را تشکیل می‌دهند مبنای مشارکت سیاسی غیر متمرکز یا آنچه که اصطلاحاً خودمختاری نامیده می‌شود، است.

قانون اساسی اسپانیا احزاب را به عنوان بیان کثرت‌گرایی سیاسی و سهیم در شکل‌گیری و ابراز تمایلات مردم توصیف می‌نماید که ابزار اساسی مشارکت سیاسی مردم در امر حکومت می‌باشند.

تعداد احزاب عمده سیاسی اسپانیا از اوایل دهه ۱۹۸۰ از چهار حزب تجاوز نمی‌کرد. اتحاد مرکزیت دموکراتیک تحت رهبری "آدولفو سوارز" ائتلافی میانه‌رو بود که در انتخابات پارلمانی سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۹ اکثریت را بدست آورد. در انتخابات ۱۹۷۹ میزان کرسیهای این حزب در کنگره نمایندگان ۱۶۸ کرسی از ۳۵۰ کرسی و در سنا ۱۲۰ کرسی از مجموع ۲۰۸ کرسی انتخابی بود. حزب کارگران سوسیالیست اسپانیا تحت رهبری "فیلیپه گونزالز" سلف حزب سوسیالیست<sup>۳</sup> بود که صد سال قبل توسط پابلو ایگلسیاس<sup>۴</sup> تأسیس گردیده بود.

بدنبال انتخابات سال ۱۹۷۷ حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا، حزب سوسیالیست مردمی را که تحت رهبری "تیرنو خالوان"<sup>۵</sup> قرار داشت، بخود جذب کرد. حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا تا سال ۱۹۸۲ به عنوان حزب مخالف فعالیت می‌کرد و خواستار اعمال برخی اصلاحات سوسیالیستی در چارچوبی دموکراتیک بود. در انتخابات سال ۱۹۸۲ حزب

<sup>۱</sup> - Union General de Trabajadores de Espana

<sup>۲</sup> - Union Sindical Obrera

<sup>۳</sup> - Partido Socialista

<sup>۴</sup> - Pablo Iglesias

<sup>۵</sup> - Tierno Galvan

سوسیالیست کارگران اسپانیا با کسب اکثریت قاطع کرسیهای پارلمانی و آرای ۴۶ درصد رأی دهندگان، قدرت را در دست گرفت.

حزب کمونیست اسپانیا<sup>۱</sup> به رهبری "سانتیاگو کاریلو"<sup>۲</sup> در سال ۱۹۲۱ بنیان گذاشته شده بود. این حزب از سال ۱۹۶۸ از وابستگی به اتحاد شوروی سابق دست کشیده و پیرو ایده کمونیسم<sup>۳</sup> اروپایی گردید.

ائتلاف دمکراتیک<sup>۴</sup> تحت رهبری "مانوئل فراگا ایریبارنه"<sup>۵</sup> در اصل جانشین حزب اتحاد مردمی است که وزنه مهم محافظه کار در انتخابات ۱۹۷۷ بود و نماینده منافع راست سنتی می باشد. حزب مردمی نیز از درون حزب اتحاد مردمی برآمده است چنانچه این حزب، مانوئل فراگا را پدر معنوی خود می داند.

مهمترین احزاب سیاسی اسپانیای امروز را می توان به شرح زیر برشمرد:

۱. حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا<sup>۶</sup> تحت رهبری حوزه لوئیس رودریگز اپاترو
۲. حزب مردمی<sup>۷</sup> تحت رهبری ماریانو راخوی
۳. حزب اتحاد و همگرایی کاتالونیا. این حزب در انتخابات سال ۲۰۰۴، تعداد ۱۰ کرسی پارلمان را به دست آورد
۴. حزب جمهوریخواه کاتالونیا که در انتخابات سال ۲۰۰۴ تعداد ۸ کرسی پارلمان را کسب کرد
۵. حزب ناسیونالیست باسک<sup>۸</sup>. این حزب تعداد ۷ کرسی را در انتخابات سال ۲۰۰۴ به خود اختصاص داد
۶. چپ متحد<sup>۹</sup> ائتلافی متشکل از حزب کمونیست، شاخه ای از حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا و تعدادی احزاب کوچکتر تحت رهبری گاسپار یاماسارس. این حزب در انتخابات سال ۲۰۰۴ توانست چهار کرسی پارلمان را به خود اختصاص دهد
۷. ائتلاف جزایر قناری<sup>۱۰</sup> که در انتخابات سال ۲۰۰۴ موفق به کسب ۳ کرسی پارلمان

شد

1- Partido Comunista de Espana (PCE)

2- Santiago Carrillo

3- Eurocommunism

4- Coalicion Democratica(CD)

5- Manuel Fraga Iribarne

6- Partido Socialista Obrero Espanol (PSOE)

7- Parito Popular (PP)

8- Partido Ncionalista Vasco (PNV)

9- Izquierda Unida (IU)

10- Coalicion Canaria (CC)

#### ۴) نیروهای نظامی اسپانیا

نیروهای نظامی اسپانیا شامل نیروی زمینی، نیروی هوایی و نیروی دریایی می‌گردد. پادشاه فرمانده کل نیروهای نظامی است. نخست‌وزیر و شورای عالی دفاع به هنگام جنگ رهبری ملی را عهده‌دار خواهند بود. نیروهای مسلح اسپانیا تابع وزارت دفاع می‌باشند. وزارت دفاع مسئول تنظیم و اجرای سیاستهای نظامی کشور است. فرماندهی عالی نیروهای نظامی شامل رؤسای ستاد ارتش، نیروی دریایی و نیروی هوایی می‌گردد و مسئول اداره نگهداری معمول نیروهای نظامی است.

نیروهای پلیس ملی از نظر سازمان و ساختار نظامی هستند ولی تابع وزارت کشور می‌باشند. پلیس مسئول ممانعت و سرکوب اقدامات جنایی در شهرها و مناطق شهری می‌باشند. نیروی دیگری تحت عنوان گارد غیرنظامی<sup>۱</sup> نیز وجود دارد که در سال ۱۸۴۴ به عنوان یک نیروی شبه‌نظامی تشکیل شده و علیرغم آنکه بخشی از نیروی نظامی محسوب می‌گردد، در دوران صلح نیز با پلیس همکاری کرده و تابع وزارت کشور می‌باشد. گارد غیرنظامی مسئول اعمال مقررات مربوط به حمل سلاح و مواد منفجره، حفاظت از بنادر، فرودگاهها، خطوط ساحلی، مرزها و زندانها می‌باشد. گارد غیرنظامی همچنین به هنگام بروز حوادث طبیعی مسئول حفظ نظم عمومی خواهد بود.

براساس آمار وزارت دفاع منتشره در فوریه سال ۲۰۰۴، نیروی زمینی، هوایی و دریایی هر یک به ترتیب دارای ۷۱/۵۱۲ نفر، ۲۰/۲۲۳ نفر و ۲۱/۰۰۰ نفر می‌باشند. این تعداد به همراه ۳/۶۵۷ نفر از پرسنل نظامی عمومی، مجموعاً ۱۱۶/۳۹۲ نفر هستند.

آمار منتشره در خصوص نسبت حضور زنان در نیروهای نظامی اسپانیا حاکی است که از مجموع ۱۱۶/۳۹۲ نفر نیروی نظامی، ۱۲/۰۱۱ نفر زن هستند که ۱۰/۳ درصد را تشکیل می‌دهند. این تعداد در نیروی زمینی، دریایی و هوایی به ترتیب ۱۰/۳ درصد، ۹/۸ درصد و ۱۰/۴ درصد است.

#### ۵) پرچم اسپانیا

پرچم اسپانیا با نسبت ۳ به ۲ از سه نوار افقی قرمز، زرد و قرمز تشکیل می‌شود که عرض نوار زرد دو برابر نوارهای قرمز است. روز ملی اسپانیا ۱۲ اکتبر سالگرد کشف قاره آمریکا است.

---

<sup>۱</sup> - Guardia Civil

### ۱) نقش اسپانیا در سیاست جهانی

اسپانیا پس از آنکه طی قرون ۱۶ الی ۱۸ سیاست امپریالیستی را در سیاست خارجی اتخاذ نموده و به یک امپراطوری جهانی تبدیل شد، با از دست دادن متصرفات خود، طی قرن ۱۹ و ۲۰ اسپانیا به یک کشور عادی اروپایی تبدیل گردید. جنگ داخلی از جمله سرفصل‌های تاریخ معاصر اسپانیا است که تأثیری شگرف بر موقعیت بین‌المللی این کشور در دهه‌های بعد گذارد. در جبهه‌های جنگ داخلی در یک سو سنگر جموریخواهان دمکرات در اتحاد با نیروهای ضد فاشیست چپ قرار داشت و در سوی دیگر نیروهای حزب راست‌گرای فالانژ تحت رهبری ژنرال فرانکو قرار داشتند. فرانکو از سوی رژیم آلمان نازی و نظام فاشیستی موسولینی حمایت می‌شد، و نیروهای جمهوری خواه از سوی طیفی از اقشار روشنفکری لیبرال، چپ و نظامهای دمکرات غربی و اتحاد شوروی مورد حمایت و پشتیبانی قرار می‌گرفتند.

گرچه پیروزی فرانکو در سال ۱۳۳۹ و استقرار نظام دیکتاتوری راست‌گرای وی از سوی نیروهای چپ متمایل به شوروی و لیبرالهای غربی به یکسان نامید کننده و نامطلوب می‌نمود، اما این دو جناح متحد در جنگهای داخلی اسپانیا و جنگ جهانی دوم، با پایان یافتن جنگ به گونه‌ای متفاوت روابط خود را با اسپانیا تنظیم نمودند. فرانکو علی‌رغم برخورداری از حمایت‌های گسترده آلمان نازی و ایتالیای فاشیست طی جنگهای داخلی، موفق شد با حفظ بیطرفی در جنگ جهانی دوم، از سرنوشت شوم هم‌تایان آلمانی و ایتالیایی خود بدور بماند. با پایان یافتن جنگ جهانی دوم و استقرار نظم بین‌المللی مبتنی بر سازمان ملل متحد، اولین درخواستهای رژیم فالانژ برای عضویت در سازمان ملل متحد بخاطر طبع دیکتاتوری نظام حاکم بر این کشور رد شد. این آرمان‌گرایی جامعه بین‌المللی خیلی زود جای خود را به پراگماتیسم ناشی از رویارویی دو بلوک شرق و غرب و الزام کشورهای اروپایی به قرار گرفتن در یکی از دو بلوک داد. عوامل مختلف سیاسی، جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و ... برای اسپانیا و بلوک غرب راهی جز پیوند باقی نمی‌گذارد.

رژیم فرانکو از موضع راست افراطی خواستار دخالت و کنترل دولت بر مسائل و مصالح اجتماع و سیاست بود، حفظ ارزشهای سنتی و مذهبی جامعه اسپانیایی را تبلیغ می‌نمود و بطور ایدئولوژیک ناسازگاری بیشتری با رژیمهای سوسیالیستی حاکم بر بلوک شرق داشت. از سوی دیگر اسپانیا در غربی‌ترین سواحل اروپای غربی در کنار اقیانوس اطلس قرار داشت و ضمن دارا بودن بهترین موقعیت جغرافیایی برای کنترل تردد کشتی‌ها و زیر دریایی‌هایی که از جبل الطارق عبور می‌کردند، می‌توانست به عنوان اولین سرپله‌های آمریکا در خاک اصلی اروپا عمل نماید. اما خاطرات تلخ رویاروییهای جنگهای داخلی و تبلیغ گسترده‌ای از خیل نویسندگان غربی بر علیه رژیم فرانکو براه انداخته بودند مانع نزدیکی علنی و رسمی دو کشور می‌شد. راه حل میانه‌ای که هر دو طرف خیلی زود برسر آن توافق نمودند فراهم نمودن امکان حضور اسپانیا در جامعه بین‌المللی از طریق عضویت در سازمان ملل و کمک آمریکا به توسعه اقتصادی و صنعتی اسپانیا در قبال واگذاری پایگاههای نظامی به آمریکا و تعهد به اعاده نظام سلطنتی پس از مرگ فرانکو بود. برای جلوگیری از عکس‌العمل منفی افکار عمومی غرب و نیز حفظ سلطه داخلی رژیم فرانکو این روابط سازمان یافته غرب با رژیم فرانکو در هاله‌ای از ابهام و سکوت باقی ماند. اسپانیای دوران فرانکو به درون پيله‌ای از انزوای خود خواسته خزید و با توسعه پنهانی روابط خود با آمریکا ادامه حیات خود را تضمین نمود.

مرگ فرانکو پرده پنهان کاریها را درید و علیرغم تنشهای داخلی بوجود آمده در داخل اسپانیا، تغییر زیادی در موقعیت بین‌المللی اسپانیا ایجاد نمود. رژیم سلطنتی دوباره بر اسپانیا حاکم گردید و اسپانیا همچنان در اردوگاه غرب باقی ماند، لکن در این مقطع اسپانیا رسماً به عضویت پیمان آتلانتیک شمالی درآمد و اندکی بعد نیز به عنوان عضو جوامع اروپایی پذیرفته شد.

امروزه اسپانیا بدنبال قریب به دو دهه تلاش برای خروج از انزوای خود خواسته، یکی از اعضای مؤثر اتحادیه اروپایی با گرایشهای خاص منطقه‌ای و تاریخی خود می‌باشد. اسپانیا از زمان عضویت کامل در جامعه اروپایی در سال ۱۹۸۶ تلاش نموده است نقش فعالی را در مسائل اتحادیه بازی کند. وسعت خاک و جمعیت اسپانیا باعث گردیده است که این کشور پس از چهار دولت قدرتمند اتحادیه (فرانسه، آلمان، ایتالیا و انگلیس) در کنار کشورهای نظیر لهستان، پنجمین دولت قدرتمند اتحادیه اروپایی از نظر میزان رأی کیفی و تعداد نمایندگان در پارلمان اروپایی باشد. اما ضعف قدرت صنعتی و مالی اسپانیا باعث گردیده است این کشور نتواند نقش شایسته خود در سیاست‌گزاریهای اتحادیه اروپایی ایفا نماید. موقعیت جغرافیایی اسپانیا در سواحل شمالی مدیترانه غربی و موقعیت خاص این کشور در کنار تنگه جبل الطارق این کشور را بر آن می‌دارد که در کشاکش سیاستهای دوگانه اتحادیه اروپایی در نگرش به

اروپای شرقی و کشورهای شمال مدیترانه، سهم بیشتری برای شمال آفریقا طلب نماید. هم‌اکنون اسپانیا در سازمان ملل متحد یکی از عمده‌ترین تامین‌کنندگان مالی سازمان (مقام پنجم تا نهم طی سالهای ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۵ میلادی) به‌شمار می‌رود و در بسیاری از ماموریت‌های صلح سازمان حضور دارد.

اسپانیا همچنین با دارا بودن پیوندهای زبانی و فرهنگی گسترده با بخش اعظم کشورهای آمریکای لاتین، در ایجاد نوعی نزدیکی میان سیاست‌های اتحادیه اروپایی و این بخش از جهان تلاش می‌کند. برخورداری از جمعیتی بالنسبه همگون و سابقه وحدتی که به اواخر قرن پانزدهم باز می‌گردد، به زمامداران اسپانیایی این امکان را می‌دهد که در صحنه سیاست خارجی بتوانند از موضع جمعیتی واحد با سوابق فرهنگی و سیاسی مشترک تصمیم‌گیری و عمل کنند.

واقع شدن اسپانیا در غربی‌ترین نقاط قاره اروپا و شبه جزیره بودن این کشور از مهمترین عوامل مؤثر در سیاست خارجی این کشور بوده است. این وضعیت زمانی موجب گشت که اسپانیا، به همراه پرتغال، به عنوان اولین جهانگشایان سرزمین‌های جدید ایفای نقش بین‌المللی نماید. سواحل طولانی اسپانیا در دریای مدیترانه و کناره‌های اقیانوس اطلس این کشور را در روزگار استعمار به عنوان قدرت برتر دریاهای آزاد درآورده بود تا اینکه ناوگان انگلیس این برتری را از اسپانیا سلب کرد. در روزگار معاصر نیز هنوز هم ناوگان ماهیگیری اسپانیا بزرگترین ناوگان در میان تمامی کشورهای اروپای غربی است.

موقعیت جغرافیایی اسپانیا در کنار تنگه جبل الطارق موجب شده که این کشور در مسیر نزدیکترین راه اتصال قاره آفریقا و اروپا قرار گیرد. این تنگه نه تنها در هنگام گسترش اسلام مورد استفاده سپاهیان اسلام قرار گرفت، بلکه موجب گشت سرنوشت اسپانیا پیوند تنگاتنگی با اهمیت استراتژیک دریای مدیترانه و روابط دو ابرقدرت پیدا کند.

در صحنه سیاست جهانی زاییده جنگ سرد، اسپانیا خیلی زود جای خود را در بلوک غرب یافت و با وجود برخی ناهمگونی‌های رژیم فرانکو با رژیم‌های غربی، عملاً متحد استراتژیک ایشان بشمار می‌رفت. امروز این ناهمگونی‌ها نیز برطرف شده و رژیم سیاسی اسپانیا نیز به عنوان رژیمی همراه و هماهنگ با رژیم‌های سیاسی حاکم بر مجموعه کشورهای غربی عمل می‌کند.

عضویت اسپانیا در جامعه اروپایی در سال ۱۹۸۶ عملاً موجب هماهنگی و همکاری هرچه بیشتر این کشور با مجموعه کشورهای عضو این جامعه گردید. عضویت در ناتو نیز به سهم خود تبعیت از بعضی سیاست‌های خاص را به اسپانیا به عنوان یک کشور عضو تحمیل می‌نماید. باید توجه داشت عضویت اسپانیا در سازمان‌هایی مثل ناتو و اتحادیه اروپایی غربی عملاً به معنای متابعت صرف و کامل از منویات قدرتهای درجه اول این سازمانها نیز نیست. حمایت از ادعای



دولت آرژانتین بر جزایر مالویناس، محکوم نمودن حمله آمریکا به لیبی و حمایت از جبهه پولیساریو در دعاوی حق حاکمیت بر صحرای غربی از نکات برجسته استقلال نسبی اسپانیا در موضعگیریهای سیاسی می‌باشد.

در حال حاضر سیاست خارجی اسپانیا بر مبنای ماهیت و خطمشی حزب حاکم، تحولات و اوضاع جهان، و شرایط اقتصادی کشور تنظیم می‌گردد. حزب مردمی اسپانیا به رهبری حوزه ماریا آزنار طی ۸ سال حکومت بر اسپانیا (۲۰۰۴-۱۹۹۶) عمدتاً گرایش فراآتلانتیکی داشت. این گرایش به خوبی در جریان تهاجم آمریکا علیه عراق نمایان شد و سیاست خارجی حزب مردمی علیرغم مخالفت‌های گسترده مردمی با تهاجم آمریکا همراهی نمود و جمعی از سربازان اسپانیایی را نیز به صحنه درگیری در عراق اعزام کرد.

اختلاف نظر میان رهبران دو حزب اصلی اسپانیا بویژه در حوزه سیاست خارجی کاملاً آشکار بود و این امر بویژه در جریان بحران عراق به مهمترین نقطه اختلاف تبدیل شد. هنگامی که "حوزه لوئیس رودریگز زاپاترو" رئیس حزب سوسیالیست پیشاپیش راهپیمایی میلیونی مردم مادرید علیه جنگ و همراهی اسپانیا با آمریکا شعار می‌داد و یا یاران حزبی وی در پارلمان اسپانیا، سیاست‌های حزب مردمی را به چالش می‌کشیدند، روشن بود که روی کار آمدن حزب سوسیالیست به منزله تغییر اساسی در گرایش فراآتلانتیکی آزنار و حزب مردمی خواهد بود. زمان برای اثبات چنین عقیده چندان به طول نینجامید و با اعلام فراخوانی نیروهای اسپانیایی در عراق از سوی رهبر حزب سوسیالیست، گامی اساسی در نمایش تغییر در سیاست خارجی اسپانیا برداشته شد.

### ۱) اصول سیاست خارجی اسپانیا در دوره سوسیالیست‌ها

مهمترین سرفصل‌های سیاست خارجی حزب سوسیالیست اسپانیا را می‌توان به شرح زیر تشریح نمود:

#### ➤ مفاهیم و عملکردهای جمعی

- قدرت بایستی در چارچوب قانون قرارگیرد. با وضعیت جدید جهانی باید از طریق کاهش خطرات و استفاده از فرصتهاکه نظام جدید جهانی ایجاد کرده است، مواجهه شد.
- مکانیزم چندجانبه گرایی باید ایجاد گردد.
- اصلاح سازمان ملل از جمله ایجاد سازمانهای جدید برای مواجهه با چالشهای جدید دفاع جهانی و مؤثر از حقوق بشر ضروری است.
- بایستی سیاست کمک و همکاری به سیاست توسعه تغییر کند. این امر از طریق تامین مالی توسعه و ارتقاء کیفیت سیاستهای توسعه عملی خواهد شد.

### ➤ روابط با اروپا

- شعار حزب سوسیالیست اسپانیا در میان اروپا و با اروپا یعنی بازگشت به اروپا و احیاء موقعیت از دست رفته آن می‌باشد.
- حمایت از اروپای واحد در جهت نقش آفرینی در جهان مورد توجه می‌باشد.
- حمایت از اقتصاد بزرگتر، همبستگی ارضی و رقابت سالم از مهمترین اهداف اسپانیا است.
- سیاست دفاعی و امنیتی نوین بایستی تحکیم شود.
- ضمن مخالفت با اروپای دو سرعته، اسپانیا در جهت انجام مکانیزمهای قوی‌تر دفاعی و امنیتی اروپا و توسعه قلمرو اتحادیه گام برمی‌دارد.

### ➤ روابط با امریکا

- حفظ روابط متعادل فرآتلانتیکی و نقد سیاستهای بین‌المللی امریکا.
- توجه به ارزشهای مشترک امریکا و اروپا و مسئولیت مشترک برای ایجاد یک جهان عادلانه‌تر.
- تدوین استراتژی جدید ائتلافی غرب براساس برابری و احترام متقابل.

### ➤ امریکای لاتین

- گفتگوی سیاسی مستقیم با کشورهای منطقه به منظور تقویت حضور اسپانیا
- تغییر برداشت ابزاری در روابط دوجانبه
- ایجاد دبیرخانه ایبرو - امریکا
- ایجاد نیروهای حافظ صلح ایبرو - امریکا در خدمت سازمان ملل متحد
- حمایت از جامعه اسپانیاییهای مقیم آمریکای لاتین

### ➤ جهان عرب و مدیترانه

- حمایت از اتحادیه مغرب عربی
- تلاش در جهت حل مناقشه صحرای غربی با حمایت همزمان از حق حاکمیت صحرا و تلاش‌های دبیرکل سازمان ملل متحد
- اعاده موقعیت ممتاز سیاسی حوزه مدیترانه و دمیدن روح تازه به فرآیند اروپا - مدیترانه (روند بارسلون).

- تلاش در جهت استقرار صلح و آرامش در خاورمیانه. در این چارچوب، مناقشه اسرائیل - فلسطین، موضوع کلیدی و سرطان بزرگ است و اسپانیا و اروپا بایستی نقش فعالتری به عهده گیرند. اسپانیا خواستار اعاده روح و اعتبار اجلاس صلح مادرید در سال ۱۹۹۱ بوده و در این جهت مذاکره بدون پیش شرط را تنها راه حل مناقشه براساس موجودیت دو دولت دارای حاکمیت در صلح و مرزهای امن و شناخته شده براساس طرح "نقشه راه" می داند. اسپانیا همچنین ضمن مخالفت با ایجاد دیوار حائل و ترورهای منتخب از سوی اسرائیل، با اعمال هر گونه خشونت از سوی فلسطینی‌ها نیز مخالف است.

- مخالفت با مشارکت اسپانیا در تهاجم آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و مخالفت با تبدیل عراق به عنوان الگوی خاورمیانه دمکراتیک. وزیر خارجه اسپانیا این ایده را یکی از غیر قابل دسترسی‌ترین استراتژی‌هایی می‌داند که در روابط بین‌الملل تجربه شده است. جنگ در عراق منجر به کاهش امنیت، بی‌تحریکی اتحادیه اروپا و کاهش نقش سازمان ملل و تضعیف روابط فرا آتلانتیکی شده است و در افکار عمومی اعراب نسبت به غرب ایجاد شکاف نموده است. بازسازی این وضعیت وظیفه حزب سوسیالیست است.

علیرغم این که دولتهای حاکم اعم از ملی‌گرا و سوسیالیست، تنش‌زدایی در سیاست خارجی را در پیش گرفته و در پی حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات با دیگر کشورها هستند لکن دو مسئله تاریخی یعنی اختلاف با انگلستان بر سر حاکمیت منطقه جبل الطارق و تنش با مراکش بر سر شهرهای سئوتا و ملیا همچنان لاینحل مانده است.

## ۲) اختلاف اسپانیا و انگلیس بر سر جبل الطارق

جبل الطارق شبه جزیره‌ای با وسعت ۵/۸ کیلومتر مربع با جمعیتی بالغ بر ۳۰۰۰۰ نفر است. این منطقه در فاصله ۲۲ کیلومتری سواحل شمال آفریقا قرار دارد. جبل الطارق قرن‌ها تحت سلطه مسلمانان قرار داشت و در اواخر قرن پانزدهم با وحدت اسپانیا و خروج آخرین سربازان مسلمان، تحت کنترل اسپانیا درآمد. در سال ۱۷۰۴ و طی جنگهای جانشینی سلطنت در اسپانیا که نیروهای انگلیس و هلند به طرفداری از یک طرف در جنگ شرکت نموده بودند، جبل الطارق به تصرف انگلیس درآمد. این سلطه در سال ۱۷۱۳ براساس پیمان اوترخت<sup>۱</sup> مورد تأیید قرار گرفت. تلاش اسپانیا برای بازپس‌گیری جبل الطارق از طریق محاصره سه سال و نیمه این منطقه با کمک نیروهای فرانسوی طی سالهای ۸۳-۱۷۷۹ موفقیتی در پی نداشت. پیشنهاد متعاقب انگلیس برای تعویض جبل الطارق با بخش دیگری از سرزمین اسپانیا از سوی کشور اخیر الذکر رد شد.

<sup>۱</sup> - Utrecht

در سال ۱۸۳۰ جبل الطارق به عنوان مستعمره پادشاهی انگلیس اعلام شد. در سال ۱۹۶۴ خودمختاری بیشتری به این منطقه اعطا شد و در رفراندوم ۱۹۶۷ غالب اهالی جبل الطارق به حفظ ارتباط نزدیک خود با انگلیس رأی دادند. بر طبق قانون اساسی‌ای که در سال ۱۹۶۹ برای جبل الطارق تنظیم شد، پارلمانی منتخب از اهالی جبل الطارق تشکیل گردید و قوه اجرائیه به فرمانداری که از جانب ملکه انگلیس تعیین می‌گردید، واگذار شد. جبل الطارق به خاطر همین وابستگی به انگلیس از سال ۱۹۷۳ عضوی از جامعه اروپایی محسوب می‌شده است.

انگلیس معاهده اوترخت را مبنای حاکمیت خود بر جبل الطارق قرار می‌دهد. ماده ۱۰ این پیمان مقرر می‌دارد "پادشاه کاتولیک (اسپانیا) بر طبق این معاهده تمامی مالکیت شهر و قلعه جبل الطارق و بندر و استحکامات آن بدون صلاحیت سرزمینی و ارتباط با مناطق اطراف آن را به پادشاه بریتانیای کبیر و ورثه او واگذار می‌کند". در همین ماده تصریح شده است که جبل الطارق "بدون هرگونه محدودیت و استثنایی مطلقاً در اختیار انگلیس خواهد بود". در ماده دیگری از پیمان اوترخت چنین پیش‌بینی شده است که در صورت تمایل انگلیس به چشم پوشی از حق خود بر این منطقه، اسپانیا مرجح بر دیگران خواهد بود. مالکیت انگلیس بر جبل الطارق در پیمان ۱۷۶۳ پاریس و پیمان ۱۷۸۳ ورسای نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

اسپانیا به نوبه خود معتقد است مفاد پیمان اوترخت مغایر با شرایط زمان بوده و انگلیس را متهم به نقض مکرر پیمان مزبور می‌نماید. سفر ملکه الیزابت به جبل الطارق در سال ۱۹۶۴ به اعتراضات دانشجویی در اسپانیا، بسته شدن کنسولگری اسپانیا در جبل الطارق و ممانعت از ورود کارگران اسپانیایی به جبل الطارق گردید. از آن هنگام تاکنون بحث حاکمیت بر جبل الطارق مکرراً از سوی اسپانیا طرح گردیده است.

بدنبال طرح قانون اساسی اوت ۱۹۶۴ جبل الطارق، که حد بیشتری را به این منطقه اعطا می‌کرد، اسپانیا در اکتبر همان سال و به عنوان گامی در جهت حمایت از دعوی ارضی خود بر جبل الطارق تردد افراد، کالا و وسایل نقلیه از مرز جبل الطارق را ممنوع ساخت. در سپتامبر ۱۹۶۳ مسئله جبل الطارق برای اولین بار در کمیته استعمارزدایی مجمع عمومی سازمان ملل طرح گردید. این بحث در سپتامبر و اکتبر سال ۱۹۶۴ نیز پیگیری شد. دولت انگلیس در ۵ آوریل ۱۹۶۵ با انتشار اعلامیه‌ای<sup>۱</sup> ضمن بیان مواضع خود در مورد جبل الطارق، از تمایل مردم جبل الطارق به ماندن تحت حاکمیت انگلیس پشتیبانی نمود. دولت انگلیس در این اعلامیه با استناد به تمایل اعلام شده مردم جبل الطارق به حفظ ارتباط با انگلیس، ضمن رد نظر کمیته استعمارزدایی در مورد تأیید وجود اختلاف میان دو کشور و دعوت به مذاکرات دو جانبه جهت حل این اختلاف در راستای اعطای استقلال به مستعمرات، اعلام داشت که وجود اختلاف و

<sup>۱</sup> - White Paper

ابهام در مورد مفاد پیمان اوترخت را نپذیرفته و جبل الطارق را مصداق کاربرد اصل استعمارزدایی نمی‌داند.

دولت اسپانیا نیز در پاسخ به این اعلامیه دولت انگلیس، در دسامبر ۱۹۶۵ اعلامیه‌ای<sup>۱</sup> در مورد وضعیت جبل الطارق منتشر ساخت. دولت اسپانیا در این اعلامیه متذکر شد که ماده ۱۰ پیمان اوترخت حضور انگلیس در جبل الطارق را محدود به شرایطی می‌کند که این شرایط عملاً از سوی انگلیس نقض شده و دولت انگلیس ضمن غصب نواری به عرض بیش از ۸۰۰ متر از خاک اسپانیا، اقدام به احداث باند فرودگاه و دیواری شبیه به دیوار برلین به منظور جداسازی جبل الطارق از خاک اسپانیا نموده است. دولت اسپانیا بر پایه همین استدلال خواستار برچیدن دیوار مزبور و عقب‌نشینی نیروهای انگلیسی به ۸۰۰ متر عقب‌تر از محل استقرار موجود شده و ضمن اعمال محدودیتهای ارتباطی و تجاری اعلام داشت که تأسیسات سیاسی ایجاد شده در جبل الطارق پس از سال ۱۹۵۰ را به رسمیت نمی‌شناسد.

مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۵ با تصویب قطعنامه شماره ۲۰۷۰ از اسپانیا و انگلیس دعوت نمود که هرچه زودتر مذاکرات دو جانبه‌ای را به منظور نیل به راه‌حلی در مورد جبل الطارق آغاز نمایند. اسپانیا و انگلیس که هر دو به این قطعنامه رأی مثبت داده بودند در می ۱۹۶۶ در لندن اولین دور مذاکرات خود را آغاز نمودند. ولی چهار دور مذاکرات انجام شده عملاً راه به جایی نبرد و پیشنهاد ارائه شده در اکتبر ۱۹۶۶ توسط انگلیس در مورد ارجاع این اختلاف به دیوان دادگستری بین‌المللی نیز از سوی اسپانیا رد شد. مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۰ دسامبر ۱۹۶۶ با تصویب قطعنامه‌ای شماره ۲۲۳۱ مجدداً از طرفین دعوت نمود به مذاکرات خود در مورد آینده جبل الطارق ادامه دهند.

دولت انگلیس در ۱۴ ژوئن ۱۹۶۷ اعلام کرد فراندمی در جبل الطارق برگزار خواهد کرد و به مردم این امکان را خواهد داد که بین پیوستن به اسپانیا و ادامه وضعیت موجود یکی را انتخاب کنند. دولت انگلیس همچنین از دولت اسپانیا دعوت کرد ناظری را جهت نظارت بر فراندنم مزبور تعیین و اعزام نماید.

دولت اسپانیا این اقدام دولت انگلیس را مغایر با مفاد قطعنامه‌های سازمان ملل دانسته و در ۱۸ اوت ۱۹۶۷ شکایتی را به مجمع عمومی تسلیم نمود. کمیته استعمارزدایی طی قطعنامه مصوب اول سپتامبر همان سال بر ادعای اسپانیا مبنی بر مغایرت اقدام انگلیس با مفاد قطعنامه‌های شورای امنیت صحنه گذاشت، ولی دولت انگلیس قطعنامه مزبور را جانبدارانه و اقدام خود را در راستای منشور سازمان ملل توجیه نمود. فراندنم در ۱۰ سپتامبر ۱۹۶۷ برگزار

<sup>۱</sup>-Red Book

گردید و از ۱۲۷۶۲ نفر شرکت کننده در فراندم ۱۲۱۳۸ نفر به ادامه وضعیت موجود و حفظ ارتباط با انگلیس رأی دادند و تنها ۴۴ نفر خواستار پیوستن به اسپانیا بودند. هیئت نظار جامعه مشترک المنافع نیز صحت و دمکراتیک بودن فراندم مزبور را مورد تأیید قرار داد.

مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۹ دسامبر ۱۹۶۷ قطعنامه شماره ۲۳۵۳ تصویب نمود و طی آن اقدام انگلیس در برقراری فراندم را مغایر قطعنامه ۲۲۳۱ مجمع عمومی و قطعنامه مورخ اول سپتامبر ۱۹۶۷ کمیته استعمارزدایی خواند. مجمع عمومی همچنین ضمن ابراز تأسف از قطع مذاکرات دوجانبه خواستار از سرگیری مذاکرات دو طرف گردید. مذاکرات اسپانیا و انگلیس بار دیگر در ۱۸ مارس ۱۹۶۸ آغاز شد اما در ۲۰ مارس همان سال، بدنبال برقراری محدودیتهای مرزی و ارتباطی توسط اسپانیا، قطع گردید.

در ژوئیه ۱۹۶۸ مذاکراتی میان دولت انگلیس و مقامات محلی جبل الطارق برای تجدید نظر در قانون اساسی جبل الطارق، به گونه‌ای که حداکثر خودمختاری محلی را برای ساکنان جبل الطارق فراهم نموده و در عین حال مغایرتی با مفاد پیمان اوترخت نداشته و روابط انگلیس با اسپانیا را بیش از پیش متشنج نسازد، آغاز گردید. این مذاکرات به تدوین قانون اساسی‌ای منجر شد که در ۳۰ می ۱۹۶۹ قوه اجرایی یافت. اسپانیا این اقدام دولت انگلیس را قویاً محکوم نموده و در مراحل مختلف تضيیقات و محدودیتهای گسترده‌ای را بر جبل الطارق تحمیل نمود. این تنش در اواخر سال ۱۹۶۹ به حضور گسترده ناوگان نظامی اسپانیا و انگلیس در آبهای اطراف جبل الطارق انجامید. این وضعیت دیری نپایید و تماسهای غیررسمی میان اسپانیا از سال ۱۹۷۰ مجدداً آغاز گردید. مذاکرات رسمی میان دو کشور در مورد وضعیت جبل الطارق بار دیگر در ۳۰ می ۱۹۷۴ از سرگرفته شد. طرح پیشنهادی اسپانیا برای آینده جبل الطارق موارد زیر را در برمی گرفت:

الف) به محض اعاده حاکمیت اسپانیا به جبل الطارق وضعیتی ویژه با خودمختاری در زمینه‌های قانونگذاری، قضایی، اداری و مالی اعطا خواهد شد.

ب) به سکنه جبل الطارق تابعیت اسپانیایی اعطا خواهد شد، ولی ایشان ملزم به ترک تابعیت انگلیسی خود نخواهند بود.

ج) قوانین انتظامی و کیفری اسپانیا در رابطه با امنیت داخلی و خارجی جبل الطارق اعمال خواهد شد.

د) ارشدترین مقام حکومتی جبل الطارق فردی غیرنظامی خواهد بود که از سوی رئیس دولت اسپانیا منصوب خواهد شد.

ه) اعضای ارشد قوه اجرایی جبل الطارق از اسپانیایی‌ها و یا از اهالی بومی که دارای ملیت اسپانیا باشند، برگزیده خواهند شد.

و) زبان اسپانیولی زبان رسمی جبل الطارق خواهد بود و در عین حال از استفاده گسترده از زبان انگلیسی ممانعت نخواهد شد.

با مرگ فرانکو در ۲۰ نوامبر ۱۹۷۵، خوان کارلوس به هنگام مراسم جلوس بر تخت سلطنت، اعلام داشت که تلاشهای اسپانیا برای اعاده حاکمیت جبل الطارق ادامه خواهد یافت. اما تنها یک ماه بعد، در خلال تعطیلات میلاد حضرت عیسی (ع) و مدتی بعد طی ایام عید پاک ارتباط تلفنی جبل الطارق با اسپانیا موقتاً برقرار گردید و این اقدام بصورت سنتی برای سالهای بعد درآمد.

دولت آدولفو سوارز در ژوئیه ۱۹۷۷ به عنوان اولین دمکراتیک پس از جنگهای داخلی، اعلام کرد که بعد از سرگیری مذاکرات با انگلیس باهدف اعاده تمامیت ارضی اسپانیا پافشاری خواهد کرد. در سپتامبر ۱۹۷۷ دیوید اوئن وزیر خارجه وقت انگلیس از اسپانیا دیدار کرد. این اولین دیدار یک وزیر خارجه انگلیس از اسپانیا از سال ۱۹۶۱ به بعد بود. اوئن در کنفرانس مطبوعاتی که در ۷ سپتامبر داشت اعلام کرد انگلیس خواستار رفع محدودیتهای اعمال شده توسط اسپانیا علیه جبل الطارق می باشد و حمایت انگلیس از عضویت اسپانیا در جامعه اروپایی منوط به حل قضیه جبل الطارق خواهد بود. وی اضافه کرد در دیدگاههای دولت جدید اسپانیا میزانی از حساسیت و تفاهم دیده می شود که قبلاً وجود نداشت و این لازمه هرگونه راه حل است.

در ماه اکتبر همان سال سوارز نیز سفر کوتاهی به لندن داشت و در طی مصاحبه مطبوعاتی که در ۱۹ اکتبر در لندن داشت اعلام کرد که معتقد است تحولات سیاسی اسپانیا نیل به یک راه حل مبتنی بر مذاکره را امکانپذیر ساخته، هویت، فرهنگ و خصوصیات ویژه مردم جبل الطارق را محترم شمرده و نهایتاً انضمام جبل الطارق به خاک اسپانیا را، مطابق قطعنامه های سازمان ملل، ممکن خواهد ساخت. سوارز در عین حال رفع محدودیتهای اعمال شده را که از سوی انگلیس به عنوان پیش شرط از سرگیری مذاکرات اعلام شده بود، رد کرد.

با روی کار آمدن دولت محافظه کار انگلیس در می ۱۹۷۹ و شروع دوره نخست وزیری مارگارت تاچر، دولت جدید به اطلاع دولت اسپانیا رساند که حمایت انگلیس از ورود به اسپانیا به جامعه اروپایی منوط به حذف محدودیتهای اعمال شده بر جبل الطارق خواهد بود. طی روزهای ۹ و ۱۰ آوریل ۱۹۸۰ ملاقاتی میان وزرای خارجه وقت انگلیس و اسپانیا در لیسبون انجام شد و بطور اصولی بر تعلیق محدودیتهای اعمال شده از سال ۱۹۶۹ توافق شد. مفاد توافقنامه لیسبون بار دیگر در ملاقات نخست وزیران دو کشور در ژانویه ۱۹۸۲ در لندن مورد تأیید قرار گرفت. اما بدنبال جنگ جزایر مالویناس و حمایت اسپانیا از آرژانتین، لغو محدودیتهای مجدداً به تعویق افتاد.

مذاکرات انگلیس و اسپانیا بر سر لغو محدودیتهای اعمالی بر جبل الطارق در نوامبر سال ۱۹۸۴ به نتیجه رسیده و برای اتباع اسپانیا و اهالی جبل الطارق در خاک یکدیگر حقوق برابر در نظر گرفته شد و محدودیتهای در ۴ فوریه ۱۹۸۵ کلاً لغو گردید. متعاقب یک دوره رکود در مذاکرات لندن - مادرید، این مذاکرات بار دیگر در سال ۲۰۰۲ تحرک بیشتری یافت و حتی به توافقات ضمنی مبنی بر اعاده حاکمیت اسپانیا انجامید لکن به دلیل مخالفت جدی حکومت جبل الطارق، این موضوع مجدداً مسکوت ماند.

وضعیت جبل الطارق در مقایسه با دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دچار تحولات کلی شده است و اسپانیا، بنابر ملاحظات روابط خود با انگلیس در چارچوب اتحادیه اروپایی، از دامن زدن بیشتر به قضیه پرهیز می‌نماید، اما ادعای ارضی خود را نسبت به جبل الطارق حفظ نموده است. این وضعیت در کنار ظهور نیروهای استقلال طلب در جبل الطارق از پیچیدگی بیشتری نیز برخوردار گشته است.

### ۳) اختلاف اسپانیا و مراکش بر سر متصرفات اسپانیا در شمال آفریقا

اختلاف اسپانیا و مراکش بر سر متصرفات آفریقایی اسپانیا می‌باشد. مناطق مورد اختلاف تحت تصرف اسپانیا عبارت از چهار منطقه ساحلی و سه جزیره واقع در شمال سواحل مراکش هستند. این مناطق تنها باقیمانده‌های مستعمرات اسپانیا در قاره آفریقا می‌باشند و عبارتند از: شهرهای سئوتا و ملیا، جزایر "پرخیل" (جعفری)، "پنون د آحوسماس"<sup>۱</sup> و "پنون د بلگ د لاگومر"<sup>۲</sup> که از قرون پانزده و شانزده تحت سلطه اسپانیا قرار داشته‌اند و جزایر کافاریناس<sup>۳</sup> که از قرن نوزدهم به تصرف این کشور در آمده‌اند.

از این پنج منطقه تنها سئوتا و ملیا دارای اهمیت اقتصادی می‌باشند. سئوتا عمدتاً بندری نفتی و مسافری است و از بندر ملیا برای صادرات سنگ آهن و ماهیگیری استفاده می‌شود. سئوتا، ملیا و جزایر کافاریناس در سال ۱۸۶۳ به عنوان جزایر آزاد اعلام شدند و جزایر صخره‌ای در سال ۱۸۷۲ چنین موقعیتی یافتند. توسعه اقتصادی این مناطق به زیان بنادر مراکش نظیر تتوان<sup>۴</sup> انجامیده است.

سئوتا در نزدیکی شهر مراکشی تنجیر<sup>۵</sup> و در مقابل جبل الطارق واقع شده است. این شهر با وسعت ۱۹ کیلومتر مربع دارای ۲۰ کیلومتر خط ساحلی و ۸ کیلومتر مرز خشکی با مراکش

<sup>۱</sup> - Panones de Alhucemas

<sup>۲</sup> - Penon Velez de la Gomera

<sup>۳</sup> - Chafarinas

<sup>۴</sup> - Tetouan

<sup>۵</sup> - Tangier



می‌باشد. اکثریت غالب جمعیت ۶۷۰۰۰ نفری سنوتا اسپانیایی هستند. ملیا در شرق سنوتا و در نزدیکی شهر مراکش نادور<sup>۱</sup> واقع شده است. وسعت ملیا ۱۲ کیلومتر مربع است و دارای ۳/۹ کیلومتر خط ساحلی و ۱۰ کیلومتر مرز خشکی می‌باشد. اکثریت غالب جمعیت ۶۵۰۰۰ نفری ملیا نیز اسپانیایی هستند.

سنوتا در سال ۱۴۱۵ توسط پرتغالیها فتح و به یک بندر بااهمیت نظامی و اقتصادی تبدیل شد. بدنال مرگ سباستین<sup>۲</sup> پادشاه بدون ورثه پرتغال در سال ۱۵۸۰ و انضمام پرتغال به اسپانیا، تمامی متصرفات پرتغال در ساحل مراکش (شامل سنوتا، تنجیر و مازاخان<sup>۳</sup>) به ملکیت اسپانیا درآمد. اتحاد اسپانیا و پرتغال در سال ۱۶۴۰ بدنال قیام لیسبون در برابر فیلیپ چهارم<sup>۴</sup> فرو پاشید و پرتغال خواستار اعاده متصرفات خود گردید، ولی سنوتا اتحاد خویش با اسپانیا را اعلام کرد و در سال ۱۶۶۸ رسماً به عنوان بخشی از پادشاهی کاستیل درآمد.

ملیا در سال ۱۴۹۷ به تصرف اسپانیا درآمد، صخره ولز دلا گومرا در سال ۱۵۰۸ اشغال شد و حاکمیت اسپانیا بر آن در سال ۱۵۰۹ بر اساس معاهده سینترا<sup>۵</sup> تأیید شد، صخره‌های الخوسماس در سال ۱۶۷۳ اشغال شدند و بعدها از سوی سلطان مراکش به شرط ممانعت اسپانیا از حضور ترکها در سواحل مدیترانه، این صخره‌ها را به چارلز دوم<sup>۶</sup>، پادشاه اسپانیا، واگذار کرد. جزایر کافاریناس در سال ۱۸۴۸ توسط اسپانیا و به بهانه جلوگیری از حضور فرانسه، اشغال شدند.

طی قرنهای هفده و هیجده تلاشهای مکرر قبایل مراکشی برای بیرون راندن اسپانیا از این مناطق شکست خورد. سنوتا در سالهای ۱۶۹۴، ۱۷۲۰، ۱۷۲۷-۲۸، ۱۷۳۲ و ۱۷۹۰-۹۱ مکرراً به محاصره درآمد. ملیا طی سالهای ۱۶۹۴-۹۶ و ۱۷۷۴-۷۵ دوبار محاصره شد. صخره پنون دلا گومرا در سال ۱۶۸۷ به محاصره درآمد و در سال ۱۷۰۲ قلعه و استحکامات آن با خاک یکسان شد، و در سال ۱۷۷۴ به همراه ملیا بار دیگر در محاصره مراکشها قرار گرفت. علیرغم تداوم این حملات از سوی قبیله‌های مراکشی تا قرن نوزدهم، سلطانه‌های مراکش مجموعه قراردادهایی را با اسپانیا منعقد ساخته و حاکمیت اسپانیا بر این مناطق را به رسمیت شناختند.

---

1- Nador  
2- Sebastian  
3- Mazagan  
4- Philip IV  
5- Sintra  
6- Charles II

در می ۱۷۶۷، مارس ۱۷۹۹، می ۱۸۴۵، اوت ۱۸۵۹ و ژوئن ۱۸۶۲ قراردادهای متعددی میان پادشاهان اسپانیایی و سلطانهای وقت مراکش به امضا رسیدند که در تمامی آنها حاکمیت اسپانیا بر تمامی یا بخشهایی از سرزمینهای مورد بحث شناسایی شده بود.

در قرن بیستم نیز حقوق اسپانیا بر مناطق یاد شده در معاهدات متعددی از جمله موافقتنامهٔ آوریل ۱۹۰۴ میان فرانسه و انگلیس، کنوانسیون اکتبر ۱۹۰۴ اسپانیا و فرانسه، معاهدهٔ مارس ۱۹۱۲ فرانسه و مراکش معروف به معاهدهٔ فز<sup>۱</sup> و موافقتنامهٔ نوامبر ۱۹۱۲ میان فرانسه و اسپانیا مورد شناسایی قرار گرفته است.

اسپانیا منطقه ایفنی در جنوب غرب مراکش را در سال ۱۹۶۹ به مراکش تحویل نمود و در سال ۱۹۷۹ نیز صحرای غربی را تخلیه کرد. دولت مراکش خواستار آنست که دولت اسپانیا در تداوم روند استعمارزدایی، مناطق باقیمانده به ویژه شهرهای سئوتا و ملیا را نیز ترک نماید. دولت اسپانیا نیز متقابلاً چنین استدلال می‌کند که بنابر شواهد تاریخی و دموگرافیک این منطقه بخشی از قلمرو اسپانیا بشمار می‌روند و قابل تعبیر به عنوان مستعمره نمی‌باشند. اسپانیا استدلال خود در حاکمیت بر این مناطق را بر تملک و اعمال حاکمیت مداوم در طی چند قرن، قراردادهایی که با سلطانهای مراکش منعقد ساخته و نیز جمعیت غالباً اسپانیایی آنها مبتنی می‌سازد. اسپانیا همچنین به این واقعیت استناد می‌جوید که این مناطق قبل از ظهور مراکش به عنوان کشوری مستقل، بخشی از خاک اسپانیا بوده و طبق قانون اساسی ۱۹۷۸ اسپانیا، نمایندگان به پارلمان اسپانیا اعزام می‌نمایند.

مراکش از هنگام استقلال در سال ۱۹۵۶، قویاً دعوی خود نسبت به اراضی تحت اشغال اسپانیا را تعقیب نموده است. این کشور اولین بار در سال ۱۹۶۱ از مجمع عمومی سازمان ملل خواست که حقوق مراکش بر مناطق تحت اشغال اسپانیا را به رسمیت بشناسد و به این طریق تهاجم دیپلماتیک خود را آغاز کرد. مراکش چنین استدلال می‌کند که این مناطق به مانند صحرای غربی در مرزهای طبیعی این پادشاهی واقع شده‌اند. مراکش همچنین اضافه می‌نماید که به علت عدم دسترسی به بنادر سئوتا و ملیا مجبور به تقویت بنادر نادور و تنجیر به منظور نقل و انتقال مسافر و کالا شده است، آبهای ساحلی این مناطق با حقوق ماهیگیری مراکش تداخل پیدا می‌کنند و نهایتاً خود اسپانیا نیز در دعوی ارضی خود نسبت به جبل الطارق به همین دلایل متشبث شده است.

در ۲۹ ژوئن ۱۹۶۲ مراکش ضمن تکرار دعوی ارضی خود نسبت به سئوتا و ملیا عرض آبهای سرزمینی خود را از شش به دوازده مایل افزایش داد و به این ترتیب فعالیت کشتیهای ماهیگیری اسپانیا در آبهای این دو منطقه را با مشکل مواجه ساخت. این امر به حضور ناوگان

<sup>۱</sup> - Fez

نظامی اسپانیا در منطقه و تقویت پادگانهای نظامی اسپانیا در این مناطق منجر شد. طی سالهای بعد توجه دو کشور به مسائل دیگری همچون جبل الطارق، صحرای غربی و ایفنی معطوف گردید. در سال ۱۹۶۳ ملاقات ژنرال فرانکو و شاه حسن در فرودگاه مادرید نشانه‌ای از شروع بهبود روابط دو کشور بود و به سفر رسمی شاه حسن به اسپانیا در سال ۱۹۶۵ انجامید. طی دهه ۱۹۷۰ بدنبال اوجگیری مسئله صحرای غربی مراکش مجدداً مسئله مناطق تحت اشغال اسپانیا را در سازمان ملل مطرح کرد و درگیریهایی در مرز خشکی ملیا با مراکش روی داد.

انعقاد قرارداد مادرید در نوامبر ۱۹۷۵ و خروج نیروهای اسپانیایی از صحرای غربی در ۲۸ فوریه ۱۹۷۶ نوعی آرامش در قضیه دیگر مناطق برقرار ساخت. این آرامش خیلی زود در پاسخی که شاه حسن به اظهارات خوان کارلوس پادشاه اسپانیا در مورد حاکمیت اسپانیا بر جبل الطارق داد برهم خورد. شاه حسن در سخنان خود گفت اگر جبل الطارق به اسپانیا بازگردانده شود، سئوتا و ملیا نیز می‌بایست به مراکش تحویل شوند و اسپانیا نمی‌تواند هر دو ساحل یک تنگه را در اختیار داشته باشد.

اختلافات مرزی اسپانیا و مراکش در سال ۲۰۰۲ با تصرف جزیره پرخیل توسط قوای مراکشی مجدداً تشدید گردید. این اقدام مراکش با واکنش تند و سریع اسپانیا و پیاده کردن نیروی نظامی در جزیره مذکور روبرو شد و نهایتاً با میانجی‌گری آمریکا، مجدداً اوضاع به حالت عادی برگشت.

#### ۴) حضور نیروهای خارجی در اسپانیا

به موجب قرارداد نظامی دو جانبه بین آمریکا و اسپانیا که در زمان فرانکو منعقد گردید، آمریکا می‌تواند نیروی نظامی خود را در سه پایگاه نیروی هوایی و یک پایگاه نیروی دریایی خود در اسپانیا مستقر نماید. پایگاههای هوایی آمریکا در شهرهای توره خون<sup>۱</sup>، زاراگوزا<sup>۲</sup>، مورون<sup>۳</sup> و پایگاه دریایی آمریکا در بندر روتا<sup>۴</sup> واقع شده بودند. در حال حاضر تنها پایگاههای واقع در شهر توره خون و بندر روتا مورد استفاده قرار می‌گیرند. پایگاه توره خون در ۲۳ کیلومتری شمال شرقی مادرید و پایگاه دریایی بندر روتا در دهانه غربی تنگه جبل الطارق قرار دارند. این دو پایگاه در جریان جنگ اول خلیج فارس علیه عراق به تناوب مورد استفاده آمریکا قرار گرفتند.

<sup>۱</sup> - Torrejon

<sup>۲</sup> - Zaragoza

<sup>۳</sup> - Moron

<sup>۴</sup> - Rota

### ۵) عضویت در مجامع و سازمانهای بین‌المللی

اسپانیا در طیف وسیعی از سازمانهای سیاسی و اقتصادی بین‌المللی عضویت دارد که اسامی آنها به شرح زیر است:

۱. پیمان آند (ناظر) Andean Pact (Observer)
۲. شورای اروپا Council of Europe
۳. اتحادیه اروپا Europea Union
۴. پیمان شنگن Schengen Treaty
۵. حوزه یورو Euro Zone
۶. مرکز اروپایی تحقیقات فضایی European Space Research Organization
۷. سازمان غذا و کشاورزی (FAO) Food and Agriculture Organization
۸. موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت
۹. بانک توسعه بین آمریکایی General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)
۱۰. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی Inter-American Development Bank
۱۱. بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه International Atomic Energy Agency
۱۲. سازمان بین‌المللی هواپیمایی غیرنظامی International Bank Form Reconstruction and Development
۱۳. سازمان بین‌المللی قهوه International Civil Aviation Organization (ICAO)
۱۴. همکاری بین‌المللی در اکتشاف اقیانوس International Coffee Organization
۱۵. کمیته مشورتی بین‌المللی پنبه International Cooperation in Ocean Exploration
۱۶. انجمن بین‌المللی توسعه International Cotton Advisory Committee
۱۷. آژانس بین‌المللی انرژی International Development Association
۱۸. شرکت بین‌المللی دارایی International Energy Agency
۱۹. سازمان بین‌المللی هیدروگرافی International Finance Corporation
۲۰. صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی International Hydrographic Organization
- International Fund for Agricultural Development



۴۴. سازمان تجارت جهانی (World Trade Organization (WTO)

باید توجه داشت از میان این سازمانها، اتحادیه اروپایی خصوصاً پس از پیمان ماستریخت و نقشی که اتحادیه در تنظیم و همگرایی روابط خارجی کشورهای عضو ایفا خواهد کرد، و نیز ناتو، به لحاظ نقش سنتی و تعیین کننده‌ای که در تأمین امنیت اروپای غربی در طی سالهای جنگ سرد ایفا نموده است، از همه مهمتر و در سرنوشت کشور و مردم اسپانیا مؤثرتر هستند. عضویت این کشور در پیمان آند و سازمان کشورهای آمریکایی نیز به لحاظ ارتباط فرهنگی مؤثری که اسپانیا با اکثریت قریب به اتفاق کشورهای آمریکای لاتین دارد جالب توجه و قابل تأمل است.

"با وجود فاصله جغرافیایی، ایران و اسپانیا در طول تاریخ و فرهنگ و تأثیر و تأثر بسیار مهمی داشته‌اند هر چند این تأثیر و تأثر از طریق ملل دیگر بود. با گسترش سریع اسلام ابتدا در سرزمین ایران و هفتاد سال پس از آن در شبه جزیره ایبریا استقرار یافت."<sup>۱</sup>

"ایران سرزمین ناآشنایی برای اسپانیا نیست. اثر امپراطوری پارس همیشه در کلیه علوم و فرهنگ تمدن اسپانیا متجلی است. در دوره سلطه اسلام در اسپانیا، عارفانی چون ابن عربی و شوشتری اهل غرناطه تأثیر عمیقی بر مکتب عارفان اسپانیایی و صوفیان ایرانی داشته‌اند."<sup>۲</sup>

"اسپانیا در ذهن و زبان ایرانیان همیشه نامی آشنا بوده است. از دور دست ادب و اندیشه و هنر تا گستره‌های طبیعت، سیاست و فلسفه. از ابن رشد و ابن ماجه تا سروانتس و گارسیا لورکا."<sup>۳</sup>

### ۱) نگاهی به تاریخ روابط ایران و اسپانیا قبل از انقلاب اسلامی

دو کشور از دوران گذشته دارای روابط گسترده‌ای بوده‌اند. اولین هیات دیپلماتیک در سال ۱۴۰۳ میلادی به رهبری کلاویخو<sup>۴</sup> سفیر انریک سوم پادشاه کاستیا تمام سرزمین ایران را در نوردید. در سال ۱۶۱۷ ماموریت سفیر اسپانیا آقای "گارسیا دسیلوا ای فیگرو"<sup>۵</sup> که تا سال

<sup>۱</sup> - سخنان آقای الوارز دل مانزانو شهردار مادرید به هنگام دیدار رئیس جمهوری اسلامی ایران از کاخ شهرداری مادرید (۱۳۸۱)

<sup>۲</sup> - از بیانات پادشاه اسانیا در ضیافت شام رسمی به افتخار ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در مادرید (۱۳۸۱)

<sup>۳</sup> - بیانات رئیس جمهور اسلامی ایران در ضیافت پادشاه اسپانیا در سفر به مادرید (۱۳۸۱)

<sup>۴</sup> - Ruy Gonzalez de Klavijo اولین سفیر اسپانیا در ایران که سفر نامه ای تحت عنوان "سفارت در دربار تیمور لنگ" نوشته و به فارسی ترجمه شده است.

<sup>۵</sup> - Garcia de Silva y Figeroa

۱۶۲۴ طول کشید کمک بزرگی به انتشار و شناسایی تمدن ایران در قرن ۱۷ بود<sup>۱</sup>. بدین ترتیب چنانچه سفارت کلاویخو را به عنوان نخستین ارتباط سیاسی دو کشور ایران اسپانیا محسوب نماییم، ششصد سال از این واقعه تاریخی می‌گذرد<sup>۲</sup>.

فروپاشی امپراطوری شارلمانی در اروپا با فروپاشی امپراطوری عباسیان در شرق همزمان بود. تشکیل دولت مقتدر در سال ۱۵۰۱ که موجب بازگشت عظمت و اقتدار ایران بود، با تشکیل سلسله هابسبورگ در اسپانیا مقارن بود که در هر دو کشور، شکوفایی علوم، هنر و ادبیات را به همراه داشت و این دوره در اسپانیا به "عصر طلایی" معروف است. این دوره با تحکیم حضور اسپانیا در آمریکای لاتین و شکل‌گیری امپراطوری اسپانیا مصادف است.

در زمان سلطنت صفوی، انریک سوم پادشاه اسپانیا فردی به نام "گارسا د سیلوا ای فیگروا" را به دربار شاه عباس فرستاد تا بتواند اتحادی را علیه امپراطوری عثمانی پایه گذاری نماید. وی طی ۷ سال حضور در دربار شاه عباس توانست رابطه نزدیکی با پادشاه صفوی برقرار نماید. نقش چهره او در باغ چهل ستون گویای مراتب قرب این سفیر در دربار شاه عباس است. با این حال، مقابله شاه عباس با حضور دریایی اسپانیا و پرتقال، مانع از گسترش مناسبات دو کشور در سالهای بعدی شد. در واقع، عدم توفیق اسپانیا در تثبیت حضور خود در منطقه خلیج فارس و مدیترانه موجب تقویت حضور قدرتهایی نظیر انگلستان، روسیه و فرانسه شد و این روند موجبات تضعیف موقعیت اسپانیا در منطقه بویژه در قرن ۱۸ را فراهم نمود. در ایران نیز پس از سقوط سلسله صفوی تاروی کارآمدن آقامحمدخان قاجار در سال ۱۷۹۰، کشور دچار هرج و مرج و تجزیه شد. ظهور آقامحمدخان قاجار را می‌توان با سلطنت شارل سوم (۱۷۸۸-۱۷۵۹) تشبیه کرد. در این دوره نیز پس از اولین تلاشها در جهت ایجاد روابط سیاسی بین دو کشور، روند تحولات جهانی بویژه تسلط انگلیس و روسیه بر ایران و مداخله فرانسه و کنسرت اروپا در امور اسپانیا، مانع از توسعه هر چه بیشتر مناسبات ایران و اسپانیا شد. با این حال، در یک تحول اساسی در زمان محمدشاه قاجار، طی مذاکرات نمایندگان سیاسی دو کشور در اسلامبول، عهدنامه مودت و تجارت دو کشور در تاریخ ۴ مارس ۱۸۴۲ توسط میرزا جعفرخان سفیر و وزیر مختار ایران در عثمانی و آنتوان لوپز دکوردوبا<sup>۳</sup> سفیر اسپانیا در عثمانی به امضاء

<sup>۲</sup> - سخنرانی خوان کارلوس اول پادشاه اسپانیا در ضیافت شام رسمی به افتخار ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در مادرید (۱۳۸۱)

<sup>۳</sup> - سفارت جمهوری اسلامی ایران در مادرید در سال ۱۳۸۱ ابتکار بزرگداشت ششصدمین سالگرد روابط دو کشور را ارائه نمود و متعاقب آن کنفرانسی با حضور وزیران امور خارجه و جمعی از اندیشمندان و مسئولین دو کشور در پاییز سال ۱۳۸۲ در شهرهای مادرید و بارسلون برگزار گردید.

<sup>3</sup> - Antona Lopez de Cordoba



رسید. این عهدنامه سپس به تایید محمد شاه وایزابل ملکه اسپانیا رسید. معاهده شامل یک مقدمه، هفت ماده و یک نتیجه است. باتوجه به اینکه اجرای معاهده مذکور بنا به دلایلی به عهده تعویق افتاده بود، مجدداً در ۹ فوریه ۱۸۷۰ توسط سرتیپ حاج شیخ محمدخان وزیرمختار ایران در لندن و "امانوئل رانسمای ویلانوو" <sup>۱</sup> نماینده اسپانیا درلندن، در این شهر به امضاء رسید.

برخی تحلیلگران اعتقاد دارند روابط سیاسی دو کشور به مفهوم نوین آن، اساساً از زمان انعقاد معاهده فوق در سال ۱۸۴۲ آغاز گردیده است.<sup>۲</sup> امضای این معاهده از آن جهت حائز اهمیت است که اسپانیا پس از روسیه، انگلستان و عثمانی که عملاً همسایه ایران بودند، نخستین کشور اروپایی است که چندین سندی را با ایران امضاء نمود. دو کشور در حالی وارد قرن بیست و یکم شدند که رونق اقتصادی، پروسه صنعتی شدن و قدرت ایفای نقش آنان در صحنه بین‌الملل در مقایسه با دیگر رقبا به شدت افول کرده بود. انقلاب مشروطیت در ایران در سال ۱۹۰۵ و جمهوری اول در اسپانیا در سال ۱۸۷۳ تلاش در جهت احیای مجدد دموکراسی و بازگشت به اقتدار پیشین بود لکن در هر دو مورد به حاکمیت رژیمهای اقتدار طلب یعنی رضا شاه (۱۹۴۱-۱۹۲۳) در ایران دیکتاتوری پریمو درریورا <sup>۳</sup> (۱۹۳۰-۱۹۲۳) در اسپانیا منتهی شد. با شروع جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط شوروی و انگلستان، ارتش و نام اداری وابسته به رضا شاه از هم پاشید و فرزند وی (محمدرضا پهلوی) که با هدایت انگلستان روی کار آمده بود، ایران را بیش از پیش به قدرتهای خارجی وابسته نمود. در اسپانیا، حاکمیت ژنرال فرانکو علیرغم برخی تشابهات به حکومت رضاشاه، توانست با حفظ استقلال و عدم ورود به جنگ جهانی دوم، ضمن حفظ موجودیت خود، از مزایای جهان دو قطبی هم استفاده کرده و اسپانیا را در مسیر پیشرفت نسبی قرار داد. اسپانیا در دوره فرانکو توانست به آرامی به عصر دموکراسی وارد شود و انتصاب خوان کارلوس اول به پادشاهی اسپانیا، نهادینه کردن چنین حرکتی بود در حالی که پادشاهی پهلوی دوم استقرار یک دیکتاتوری وابسته و سرکوب‌گر را به دنبال داشت.

طی قرن بیستم روابط دو کشور بر بستر معاهده ۱۸۴۲ اسلامبول ادامه یافت و در سال ۱۹۱۶ سفارت ایران در مادرید برای اولین بار گشایش یافت و میرزا اسماعیل خان دبیر الملک فرزانه تا سال ۱۹۱۹ به عنوان وزیر مختار انجام وظیفه کرد لکن پس از آن سفارت ایران به

<sup>۱</sup> - Emanoel Ransmai Villanoova

<sup>۲</sup> - خوزه ماریا کمادا: اسپانیا و ایران تشابه عجیب و یاداشتهایی چند درباره روابط دوجانبه، مجموعه مقالات اولین میزگرد ایران و اسپانیا تحت عنوان اسپانیا و ایران: جهانی سازی، موضوعات منطقه ای و گفتگوی فرهنگی، صفحه

<sup>۳</sup> - Perimo de Rivera

دلایل مالی و صرفه جویی تعطیل و سفارت ایران در پاریس، نمایندگی اکرو دیته ایران در مادرید را بر عهده گرفت. در سال ۱۹۵۴ طی بازدید یک هیأت ایرانی از مادرید ضمن بازگشایی مجدد سفارت ایران در مادرید، اولین توافقنامه همکاری اقتصادی و بازرگانی دو کشور در قرن بیستم به امضاء رسید.<sup>۱</sup> تبادلات اقتصادی دو کشور پس از امضای توافقنامه مذکور افزایش قابل توجهی یافت. توافقنامه ۱۹۵۴ در حالی منعقد گردید که یک سال قبل از آن در نوامبر ۱۹۵۲، عهدنامه مودت مشتمل بر یک مقدمه و پنج ماده توسط دکتر فاطمی وزیر خارجه دولت دکتر مصدق و امیلیو بلادیز<sup>۲</sup> کاردار موقت اسپانیا در تهران به امضاء رسیده بود.

در ماه مارس ۱۹۵۶ سند دیگری تحت عنوان عهدنامه مودت و اقامت در جهت تحکیم روابط دو کشور در مادرید به امضاء سفیر ایران در مادرید و وزیر خارجه وقت اسپانیا رسید.<sup>۳</sup> تبادلات اقتصادی دوجانبه پس از امضای توافقنامه اقتصادی و بازرگانی سال ۱۹۵۴ افزایش قابل توجهی یافت. در سال ۱۹۵۷ وزیر اقتصاد و دارایی اسپانیا از ایران دیدار کرد که حاصل آن تشکیل اولین کمیته مشترک همکاریهای اقتصادی و بازرگانی دو کشور بود.<sup>۴</sup> در همان سال، وزیر صنعت اسپانیا به همراه هیأت بزرگی از صاحبان صنایع، یادداشت تفاهمی به منظور بررسی امکانات همکاری در زمینه‌های ساخت کشتی و توسعه همکاریهای جهانگردی امضاء کرد.<sup>۵</sup>

مناسبات تجاری دو کشور در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مشخصاً افزایش یافته و اسپانیا در مقابل دریافت نفت، ماشین آلات سبک، وسایل خانگی برقی، پارچه‌های ابریشمی و الیاف مصنوعی به ایران صادر می‌کرد. بعلاوه، اسپانیا در زمینه ساخت و سازهای شهری، حمل و نقل دریایی و ساخت کشتی و بخش نیرو در ایران فعال بود.

در بخش سیاسی، توسعه مناسبات با غرب جهت‌گیری اساسی حکومت پهلوی بود. گرچه مناسبات با آمریکا در اولویت سیاست خارجی حکومت بود لکن رابطه تهران با پایتختهای اروپایی در سطح بالایی قرار داشت. طبیعتاً به دلایل جغرافیایی و سابقه روابط سنتی ایران با کشورهای نظیر آلمان، انگلستان و فرانسه، روابط با این کشورها نسبت به روابط تهران - مادرید از تحرک و عمق بیشتری برخوردار بود. به همین دلیل، روابط سیاسی دو کشور مسیر یک نواختی طی کرده و بدون تحول و تحرک قابل توجهی تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

<sup>۱</sup> - آنتونیو کمدادا، همان، صفحه ۱۵۳.

<sup>۲</sup> - Emilio Bladiz

<sup>۳</sup> - حمید اسلامی زاد، کتاب سبز اسپانیا، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ۱۳۷۵، صفحه ۱۴۲.

<sup>۴</sup> - آنتونیو کمدادا، همان، صفحه ۱۵۳.

<sup>۵</sup> - همان

ادامه یافت. نکته حائز اهمیت در این دوره، ارتباط نزدیک خانواده‌های سلطنتی در دو کشور بود که حضور پادشاه و ملکه اسپانیا در مراسم جشنهای دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی در سال ۱۹۷۶ در تهران بود. همچنین از انتصاب ارتشبد فرهاد جم به سمت سفیر ایران در مادرید که از بستگان محمدرضا شاه بود، نمونه دیگری از تاثیر روابط خانواده‌های سلطنتی در روند مناسبات دو کشور بود.

در مجموع، روابط ایران و اسپانیا از آغاز تا پیروز انقلاب اسلامی تحت تاثیر عوامل و عناصر متعدد از روند معتدل و مطلوبی برخوردار بود. ناتوانی اسپانیا در تثبیت حضور و نفوذ در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس به دلیل ضعف داخلی، برتری قدرتهای رقیب نظیر انگلستان، روسیه و فرانسه، تبیین اولویتها در دیگر نقاط جهان بویژه امریکای لاتین و آفریقا و نهایتاً درگیری در جنگهای مخرب داخلی و حکومت انزواگرای فرانک و در قرن بیستم مانع از تحرک و پویایی اسپانیا در ایفای نقش برجسته در منطقه از جمله ایران شد.

در ایران نیز پس از خاتمه دوران اقتدار و عظمت صفوی، تسلط قدرتهای برتر آن عصر یعنی روسیه و انگلیس بر مقدرات کشور بویژه در دوره قاجار و عدم تبیین سیاست پیشرو و منطقی در قبال غرب در دوره رضا شاه و وابستگی شدید به آمریکا در دوره محمدرضا شاه پهلوی مانع از توجه شایسته به روابط با کشورهای اروپایی نظیر اسپانیا شد. در ارتباط میان دو ملت نیز عواملی نظیر بعد مسافت، عدم گستردگی و حضور زبان اسپانیولی در میان ایرانیان و فراهم نبودن شرایط و فرصتهای جذب مهاجرین آسیایی در اسپانیا (در مقایسه با کشورهای آلمان، انگلستان و فرانسه) مانع از گسترش ارتباطات فرهنگی و علمی و حضور قابل توجه ایرانیان در اسپانیا شد. به همین دلیل، تعداد ایرانیان مقیم اسپانیا و فعالیت و تاثیرگذاری آنان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در مقایسه با دیگر کشورهای اروپایی به مراتب کمتر است.<sup>۱</sup>

## ۲) روابط ایران و اسپانیا پس از پیروزی انقلاب اسلامی

روابط ایران و اسپانیا پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ علی رغم برخی فراز و نشیبها از اصل ثبات و تداوم برخوردار بوده است. به عبارتی، نه تحولات داخلی دو کشور (نظیر وقوع انقلاب اسلامی در ایران و استقرار مجدد نظام پادشاهی در اسپانیا) و نه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی در دو دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نظیر تجاوز رژیم عراق به ایران، خصومت آمریکا با

<sup>۱</sup> - تعداد ایرانیان در اسپانیا کمتر از ده هزار نفر است در حالی که این تعداد در فرانسه و انگلستان بیش از یکصد هزار نفر است.

جمهوری اسلامی ایران و عضویت اسپانیا در اتحادیه اروپا در سال ۱۹۸۵ مانع از تداوم روند مناسبات دو کشور نشده است.

اسپانیا از جمله کشورهای اروپایی است که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی سیاستی معتدل و سنجیده در قبال ایران اتخاذ نمود. اسپانیا ضمن حفظ بی طرفی کامل در جریان تجاوز رژیم صدام به ایران، در تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران مشارکت نکرد. در چارچوب اتحادیه اروپا نیز اسپانیا نه تنها هیچگونه قطعنامه و یا اقدامی علیه ایران را پیشنهاد نکرد بلکه در تنشهای ایجاد شده بین اتحادیه و ایران نقش مثبت و سازنده‌ای در جهت عادی سازی روابط ایفاء نمود. بدیهی است ایفای نقش مثبت اسپانیا در تحولات مربوط به روابط ایران با اتحادیه اروپا و یا تجاوز عراق به ایران نه به معنی اختلاف نظر اساسی با دیگر اعضای اتحادیه اروپا بلکه منبعث از درک صحیح مادرید از اهمیت و جایگاه ایران است. از سوی دیگر، در شرایط توجه ویژه اسپانیا به منطقه خاور میانه، حفظ رابطه شایسته با ایران به عنوان مهمترین کشور منطقه، بخشی از استراتژی اسپانیا در قبال منطقه حساس خاور میانه و جهان اسلام ارزیابی می‌گردد. "اوردونیز" وزیر خارجه اسپانیا به هنگام دیدار از ایران در سال ۱۹۹۱ اعلام داشت "دولت اسپانیا ایران را از عوامل مهم ثبات و توازن منطقه می‌داند و معتقد است برای دستیابی به یک سیستم امنیتی در منطقه حتماً باید نقش ایران مورد توجه قرار گیرد"<sup>۱</sup>. پادشاه اسپانیا نیز اعتقاد دارد "ایران کلید صلح، امنیت و ثبات در منطقه‌ای پیچیده با تنشهای متعدد می‌باشد. به نظر ما ایران نقش مهمی در تثبیت صلح و ثبات در منطقه و جهان دارد"<sup>۲</sup>

طی سالهای اخیر، تحول در دیدگاههای دو کشور در خصوص مسائل جهانی و روابط دوجانبه نقش مهمی در ارتقاء مناسبات فی مابین ایفاء کرده است. از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، اسپانیا به عنوان یکی از اعضای صاحب نفوذ اتحادیه اروپا می‌تواند به عنوان حامی ایران نقش عمده‌ای در سیاستهای اتحادیه در قبال ایران ایفاء نماید. از نظر اقتصادی، اسپانیا از تواناییهای قابل توجهی در بخشهای سرمایه‌گذاری، اقتصادی، صنعتی و تجاری برخوردار است که می‌تواند تامین کننده نیازهای ایران باشد. همچنین، حضور و نفوذ گسترده اسپانیا در آمریکای لاتین می‌تواند پایگاه مناسبی در جهت توسعه روابط ایران با این کشورها و نیز تقویت همکاریهای سه جانبه در بخشهای اقتصادی باشد. در زمینه فرهنگی، فقدان سوابق استعماری در ایران و اشتراکات تاریخی و فرهنگی اسپانیا با جهان اسلام زمینه مناسبی در جهت تقویت تعاملات فرهنگی و علمی بین دو کشور فراهم نموده است.

<sup>۱</sup> - گزارش سفارت جمهوری اسلامی ایران در مادرید

<sup>۲</sup> - سخنرانی خوان کارلوس اول پادشاه اسپانیا در ضیافت شام رسمی به افتخار ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در اکتبر ۲۰۰۲.

اسپانیا نیز که پس از رستاخیز اقتصادی - اجتماعی دو دهه اخیر در پی ایفای نقش شایسته‌تری در معادلات جهانی است، به لحاظ سیاسی و اقتصادی توجه ویژه‌ای به منطقه خاورمیانه معطوف نموده است که این امر نقش ایران را در دیپلماسی اسپانیا مضاعف ساخته است. از دیدگاه اسپانیا و از نقطه نظر سیاسی، موقعیت استراتژیک در نقشه سیاسی خاورمیانه و خلیج فارس، نفوذ و اقتدار سیاسی این کشور در منطقه و جهان اسلام، ثبات سیاسی ایران در منطقه‌ای بی‌ثبات و نقش و جایگاه ایران در تحولات منطقه خلیج فارس و خاورمیانه حائز اهمیت است.

از منظر اقتصادی، برخورداری ایران از منابع عظیم نفت و فراهم بودن زمینه مشارکت اسپانیا در این بخش، بازار ۷۰ میلیونی ایران، نیاز کشور به سرمایه‌گذاری خارجی در شرایط باز سازی و انتقال به اقتصاد بازاری و نیاز به تقویت زیر بنای صنعتی و اقتصادی شرایط مطلوبی را برای تقویت همکاریهای اقتصادی - تجاری فی مابین فراهم نموده است. بعلاوه، موقعیت جغرافیایی ایران و همجواری آن با مناطقی نظیر آسیای مرکزی و قفقاز، حوزه دریای خزر، شبه قاره هند و خلیج فارس فرصت مناسبی برای حضور هر چه بیشتر اسپانیا در این مناطق فراهم می‌نماید. از دیدگاه فرهنگی نیز فرهنگ و تمدن چند هزار ساله ایرانی به همراه نقش و جایگاه شایسته ایران در فرهنگ و تمدن اسلامی زمینه مناسبی در توسعه مناسبات فرهنگی دوجانبه و نیز روابط فرهنگی اسپانیا با جهان اسلام فراهم کرده است.

پس از ذکر مقدمه فوق، روند و آخرین وضعیت روابط دو کشور در بخشهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پس از پیروزی انقلاب اسلامی تشریح خواهد شد.

### الف - روابط سیاسی

چنانچه در بخش نخست ذکر شد، مناسبات سیاسی دو کشور در عصر نوین از سال ۱۸۴۲ میلادی و با امضای معاهده مودت و تجارت آغاز گردید و در دوره حاکمیت سلسله‌های قاجار و پهلوی تداوم پیدا کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی و اعلام موجودیت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، حکومت جدید از سوی اسپانیا به رسمیت شناخته شد و روابط سیاسی - دیپلماتیک دو کشور ادامه یافت.

در سالهای نخست پس از پیروزی انقلاب، علیرغم اینکه فعالیت دولت انقلابی عمدتاً متوجه تثبیت اوضاع داخلی کشور بود، به دلیل ماهیت آرمان خواهی و اعتقاد رهبران جمهوری اسلامی به رساندن پیام انقلاب به ملت‌های دیگر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از تحرک و فعالیت قابل توجهی برخوردار بود. قطع روابط با آمریکا در نوامبر ۱۹۷۹ و آغاز تجاوز عراق به ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ نیز از دیگر عواملی بودند که دولت ایران را به تحرک در

مجامع بین‌المللی و توسعه و تعمیق روابط با کشورهای جهان ترغیب نمود. با این حال، روابط تهران - مادرید به سطح شایسته خود نرسید به نحوی که تا سپتامبر ۱۹۸۲ روابط دیپلماتیک عمدتاً در سطح کاردار موقت باقی ماند. دیدار مسئولین سیاسی و اقتصادی دو کشور نیز عمدتاً به هنگام عزیمت مقامات ایرانی به آمریکای لاتین و در توقف کوتاه در مادرید صورت می‌گرفت چنانچه در سال ۱۹۸۲ وزیر خارجه ایران در مسیر دیدار از کوبا در مادرید باهمتای اسپانیایی خود ملاقات کرد و در سال ۱۹۸۵ نیز نخست وزیر وقت جمهوری اسلامی ایران در مراجعت از نیکاراگوئه، در فرودگاه مادرید بانخست وزیر وقت اسپانیا ملاقات کرد.

در جنگ عراق علیه ایران، دولت اسپانیا از آغاز جنگ موضع بی طرفی اتخاذ نموده و خواستار حل و فصل مسالمت‌آمیز جنگ شد. حفظ توازن در روابط با ایران و عراق هسته اصلی رفتار سیاسی اسپانیا در قبال جنگ بود. مخالفت باحمله به غیرنظامی‌ها، مخالفت با حمله به نفتکشها در خلیج فارس، محکومیت استفاده از سلاحهای شیمیایی و پذیرش مداوای قربانیان بمباران شیمیایی شهرایرانی سردشت توسط نیروهای عراقی از جمله موضع‌گیریهای اسپانیا در طول جنگ بود. اردونیز وزیر خارجه وقت اسپانیا سرنگونی هواپیمای مسافربری ایرانی توسط امریکا در سال ۱۹۸۸ را یک اشتباه غم‌انگیز خواند و مدیرکل سیاسی وقت وزارت خارجه اسپانیا طی یک سخنرانی در مرکز مطالعات بین‌المللی مادرید رژیم بعثی عراق را آغازگر جنگ معرفی کرد.

متعاقب صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، دولت اسپانیایی بیانیه مشترک وزرای خارجه آلمان و اسپانیا در ژوئیه ۱۹۸۷ آنرا گامی به جلو در حل مناقشه خوانده و از پذیرش آن توسط عراق اعلام خوشنودی نمود. هر دو وزیر خارجه از دبیر کل وقت سازمان ملل خواستند اقداماتی در جهت "خاتمه خونریزی بین دو کشور با فرهنگ و باستانی" انجام دهد. پس از پذیرش قطعنامه توسط ایران در ژوئیه ۱۹۸۸، دولت اسپانیا از این اقدام ابراز خرسندی نموده و خواستار اجرای مفاد قطعنامه و پیشرفت مذاکرات صلح شد.

بنابراین رفتار و موضع‌گیری سیاسی اسپانیا در طول سالهای جنگ تجاوزگرانه عراق علیه ایران نه تنها موضعی معتدل و معقول ارزیابی می‌شود بلکه در برخی مقاطع دولت اسپانیا بر اساس حقایق آشکار، بر متجاوز بودن رژیم صدام صحه گذاشته است. اتخاذ چنین موضعی از سوی دیگر کشورهای اروپایی به ندرت مشاهده شده و غالب این کشورها در یک هماهنگی اعلام نشده، تا آخرین روزهای جنگ نه تنها حمایت سیاسی خود از رژیم متجاوز عراق را ادامه دادند بلکه سالها بعد بویژه در آستانه سقوط حکومت صدام در سال ۲۰۰۳ آثار و شواهد کمکهای تسلیحاتی و تجهیز عراق به سلاحهای کشتار جمعی از سوی کشورهای اروپایی به آگاهی افکار عمومی جهان رسید.

علیرغم اینکه طی سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۴ دیدارهایی بین مقامات سیاسی دو کشور انجام شد<sup>۱</sup> لکن در بخش سیاسی، هیاتی در سطوح بالا به ایران عزیمت نکرد. سیاست اسپانیا مبنی بر اتخاذ موضع بی طرفی در جنگ عراق و ایران را می‌توان مهمترین دلیل در ارزیابی چنین رفتاری ذکر کرد. تعویق دیدار وزیر خارجه وقت اسپانیا به ایران از مصادیق چنین سیاستی است<sup>۲</sup>. تحول دیگری که در نیمه دوم دهه هشتاد بر روابط دو کشور تاثیر منفی گذاشت شناسایی رسمی دولت اسرائیل توسط اسپانیا در ژانویه ۱۹۸۶ بود که متعاقب اعتراض دولت ایران و علیرغم اعلام دولت اسپانیا مبنی بر اینکه روابط با اسرائیل موجب کاهش سطح مناسبات با جهان اسلام و حمایت این کشور از فلسطینی‌ها نخواهد شد، روابط تهران - مادرید در سپتامبر ۱۹۸۷ مجدداً به سطح کاردار موقت کاهش یافت.

روابط دو کشور با انتصاب سفیر جدید ایران در مادرید در سپتامبر ۱۹۸۷ به حالت عادی بازگشت و دولت اسپانیا نیز با اعزام مدیرکل سیاسی وزارت خارجه به تهران علاقمندی خود به توسعه روابط را نشان داد. با این حال این وضعیت دیری نپایید و به دنبال فتوای امام خمینی(ه) علیه سلمان رشدی، دولت اسپانیا در چارچوب سیاست اتحادیه اروپایی و به همراه دیگر کشورهای عضو اتحادیه، سفیر خود را از تهران فرا خواند.

با حل و فصل اختلافات اتحادیه اروپا با تهران بر سر موضوع سلمان رشدی، سفرای اروپایی پس از چند ماه به تهران مراجعت نمودند. اسپانیا نخستین کشوری بود که سفیر خود را بلافاصله به تهران اعزام نمود. ایران نیز متقابلاً سفیر خود را عازم مادرید کرد. مناسبات دو کشور تا سال ۱۹۹۷ که به دلیل بحران میکونوس مجدداً با وقفه‌ای چند ماهه مواجه شد، به صورت عادی ادامه نیافت. درقضیه میکونوس نیز نظیر موضوع سلمان رشدی، اسپانیا از جمله کشورهایی بود که تلاش زیادی در جهت حل و فصل بحران بعمل آورد. قضیه میکونوس آخرین بحران در روابط ایران و کشورهای اروپایی از جمله اسپانیا بود و با روی کارآمدن دولت جناب آقای خاتمی در سال ۱۹۹۷، سیاست تنش زدایی در سیاست خارجی و توسعه مناسبات با کشورهای جهان بویژه در دو حوزه همسایگان و اتحادیه اروپایی مورد توجه قرار گرفت. در شرایطی که رابطه ایران و آمریکا کماکان متشنج بود، روابط با اتحادیه اروپا از اهمیت مضاعفی برخوردار گردید. ایران و اتحادیه اروپا با آغاز "گفتگوهای انتقادی" و سپس "گفتگوهای فراگیر" عصر نوینی را در مناسبات خود آغاز کردند و روابط تهران - مادرید نیز در مسیر رشد و

<sup>۱</sup> - دیدار وزیر صنایع ایران از مادرید و دیدار وزیر مشاور در امور تجارت خارجی اسپانیا از ایران طی سالهای مذکور در بخش اقتصادی در روابط دو کشور حائز اهمیت است .

<sup>۲</sup> - حمید اسلامی زاد، همان، صفحه ۱۵۳.

توسعه فرار گرفت که حاصل آن ارتقاء روابط در تمامی سطوح بویژه طی سالهای ۲۰۰۳-۲۰۰۰ است.

با چنین زمینه‌ای، شرایط لازم جهت دیدار رئیس دولت اسپانیا از تهران در اکتبر سال ۲۰۰۰ فراهم گردید. سفر خوزه ماریا آزنار که به همراه ۱۶۸ نفر از بخشهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تشریفاتی، مطبوعاتی و خدماتی وارد تهران شد، نخستین دیدار رسمی یک مقام عالی‌رتبه اسپانیایی به ایران در طول تاریخ مناسبات دو کشور بود. رئیس دولت اسپانیا در طول دیدار از جمهوری اسلامی ایران با مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی دیدار و مذاکره نمود و در سمینار گفتگوی تمدن‌ها، سمینار اقتصادی و نمایشگاه نقاشی "خوان میرو" نقاش شهیر اسپانیایی حضور یافته و در خاتمه سفر دیدار کوتاهی از شهر تاریخی اصفهان بعمل آورد. همچنین در جریان این سفر، سند مهم بیانیه مشترک همکاریها بین جمهوری اسلامی ایران و اسپانیا به امضای رؤسای دو کشور رسید که چارچوب جامعی در جهت تقویت همکاریهای سیاسی در ابعاد مختلف دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود. این دیدار علاوه بر اهمیتی که به دلیل محتوای مذاکرات و اسناد امضاء شده دارد، آغازگر روندی صعودی در مناسبات همه جانبه دو کشور بود که نهایتاً به دیدار سیدمحمد خاتمی رئیس جمهوری اسلامی ایران به اسپانیا در اکتبر ۲۰۰۲ انجامید و در این سفر اسناد مهمی امضاء شد و مذاکرات سودمندی در جهت تقویت روابط دوجانبه صورت گرفت.<sup>۱</sup>

دوره ریاست شش ماهه اسپانیا بر اتحادیه اروپا در شش ماهه نخست سال ۲۰۰۲ آثار ارزشمندی در روابط دو جانبه سیاسی دو کشور بر جای گذاشت. برگزاری موفق هشتمین دور گفتگوهای فراگیر بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در مادرید منتهی به تحقق برخی برنامه‌های موجود در دستور کار روابط ایران و اتحادیه اروپا نظیر صدور مجوز آغاز مذاکرات سیاسی اتحادیه و جمهوری اسلامی ایران بمنظور انعقاد موافقتنامه تجاری شد که در نوع خود، نقطه عطفی در تاریخ روابط ایران با کشورهای اروپایی بود. همچنین شناسایی سازمان منافقین از سوی اتحادیه اروپا در دوره ریاست اسپانیا و با تلاش قابل توجه مسئولین این کشور محقق گردید. طی سالهای ۲۰۰۳-۲۰۰۶ تحت تاثیر موضوع برنامه هسته ای ایران، روابط کلی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا و بالتبع با اسپانیا دچار نوعی رکود گردید و در بخش سیاسی تحرک چندانی ایجاد نگردید با اینحال، انجام دو مرحله سفر دبیر شورای عالی امنیت ملی و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به مادرید در سال ۲۰۰۶ بیانگر اهمیت روابط سیاسی نزد دو کشور است.

<sup>۱</sup> - در پایان این بخش فهرست کامل اسناد امضاء شده در تاریخ روابط ایران اسپانیا به طور جداگانه آمده است.



در زمینه مسائل منطقه‌ای و موضوعاتی نظیر حقوق بشر و خلع سلاح رایزنی و گفتگوی مستمری میان مقامات دو کشور وجود دارد. تحولات عراق موجب ارتقاء هرچه بیشتر سطح رایزنی‌های دو کشور شد و سفر آن‌اپالاسیو وزیر امور خارجه وقت اسپانیا به تهران در ماه آوریل ۲۰۰۳ و به فاصله اندکی پس از سقوط بغداد به دست نیروهای آمریکایی، بیانگر توجه اسپانیا به نقش کلیدی ایران در تحولات منطقه است. بدین ترتیب در دوره مذکور، روابط سیاسی دو کشور در بهترین شرایط در تاریخ مناسبات دو کشور قرار گرفت. رایزنی‌های دو کشور در عرصه‌های مختلف دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی جریان داشت و تفاهم قابل قبولی در تمامی موضوعات مختلف میان مسئولین سیاسی دو کشور حاکم بود.

همکاریهای پارلمانی دو کشور از سابقه تاریخی چندانی برخوردار نیست و پس از دیدار رئیس وقت مجلس شورای اسلامی از اسپانیا در سال ۱۹۹۷ و دیدار رئیس مجلس سنا اسپانیا از تهران در سال ۲۰۰۱ در مسیر گسترش قرار گرفت. در جریان سفر رئیس مجلس وقت جمهوری اسلامی ایران، یادداشت تفاهم همکاریهای پارلمانی به امضاء طرفین رسید که بر اساس آن، دو طرف مقرر کردند اقدامات لازم را برای طراحی یک پروتکل همکاری به عنوان ابزاری جهت نهادینه کردن تماسهای پارلمانی فی مابین به انجام برسانند. این امر تاکنون به دلایلی از جمله روابط کلان ایران و اتحادیه اروپا به آینده موکول شده است.

از دیگر تحولات در روابط پارلمانی دو کشور، سفر آقای "جوزف آنتونیو دوران ای لیدا"<sup>۱</sup> رئیس کمیسیون سیاست خارجی کنگره نمایندگان اسپانیا در ۲۰۰۴ به تهران بود. همچنین آقای "گوستاو د آریستگی"<sup>۲</sup> رئیس گروه پارلمانی حزب مردمی در کنگره نمایندگان اسپانیا در سال ۲۰۰۵ به ایران سفر نمود و ضمن سخنرانی در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، با برخی مسئولین و رؤسای مراکز تحقیقاتی جمهوری اسلامی ملاقات و از اصفهان بازدید نمود. از جانب جمهوری اسلامی ایران نیز جناب آقای بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی و هیات همراه در سال ۲۰۰۶ به مادرید عزیمت و با مقامات اسپانیایی از جمله وزیر امور خارجه این کشور ملاقات نمود.

## ب - روابط اقتصادی

در دوره پهلوی موافقتنامه‌های اقتصادی و بازرگانی در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۷ به امضاء رسید و در سال ۱۹۷۵ اولین اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور در تهران برگزار گردید. به دنبال این اجلاس، در تاریخ ۲۰ ماه می ۱۹۷۵ یادداشت تفاهم همکاریهای اقتصادی

<sup>۱</sup> - Jose Antonio Duran i Lida

<sup>۲</sup> - Gustavo de Aristegui

از سوی دو وزیر به امضاء رسید. در ۵ فوریه ۱۹۷۷ به هنگام دیدار نخست وزیر وقت ایران از اسپانیا، یادداشت تفاهم اقتصادی بین مسئولین اقتصادی دو کشور به امضاء رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش دولت جدید به جبران عقب‌ماندگی ناشی از حاکمیت قبلی و تقویت زیربنای صنعتی کشور معطوف گشت. گرچه جنگ عراق علیه ایران مانع از توفیق دولت ایران در نیل به این هدف شد لکن در خاتمه جنگ هشت ساله با عراق، موضوع بازسازی کشور با جدیت بیشتر مطرح گردید. صنعت نفت و پتروشیمی کشور که بخش بزرگی از آن در جریان جنگ آسیب دیده بود بیش از دیگر صنایع مورد توجه قرار گرفت و نیاز به سرمایه‌گذاری در این بخش غالب بر شش میلیارد دلار برآورد شد.

در سال ۱۹۸۳ طی دیدار وزیر صنایع اسپانیا از تهران، توافقاتی در زمینه ساخت کشتی، حمل و نقل ریلی و ساخت خودرو به امضاء رسید. در سال ۱۹۸۷ یک هیات ایرانی از اسپانیا دیدار کرد و حاصل آن ایجاد کمیسیون مشترک اقتصادی و امضای یادداشت تفاهم همکاری‌های اقتصادی و صنعتی بویژه در زمینه کشتی سازی بود. در سال ۱۹۸۸ با پایان جنگ عراق علیه ایران وزیر صنایع ونیرو اسپانیا در دیداری از تهران ضمن ملاقات با مسئولین اقتصادی کشور در خصوص بازسازی نیروگاه‌های بر و سرمایه‌گذاری دراز مدت و انتقال فناوری برای برخی محصولات مذاکره نمود. وزیر اسپانیایی پس از مذاکره با وزیر صنایع سنگین ایران یادداشت تفاهمی در خصوص ساخت پالایشگاه، ساخت خودرو و خرید ماشین آلات و لوازم یدکی، یادداشت تفاهمی در این زمینه‌ها به امضاء رساند.

در اکتبر ۱۹۹۰ اتحادیه اروپا روابط خود با جمهوری اسلامی ایران را به حالت عادی در آورد و در سال ۱۹۹۲ معاون وزیر بازرگانی اسپانیا به تهران عزیمت و یادداشت تفاهمی به امضاء رساند که کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و اسپانیا را نهادینه نمود. در همین سال، در پی دیدار وزیر نفت ایران از اسپانیا، کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور برگزار گردید. در سال ۱۹۹۶ معاون زیر اقتصادی و دارایی ایران و نایب رئیس اول مجلس شورای اسلامی و در سال ۱۹۹۸ وزیر خارجه ایران و در همان سال یک هیات مهم از مجلس ایران به اسپانیا سفر کردند. سمینار اقتصادی در مادرید در سال ۱۹۹۸ با حضور معاون وزیر صنایع ایران برگزار شد و سمینارهای دیگری در شهرهای بارسلون و بلبائو برگزار شد. در سال ۱۹۹۹ نیز جلساتی درباره ایران در شهرهای ساراگوسا، سویا والیکانته برگزار شد. در سال ۱۹۹۹ معاون وزیر همکاری‌های بین‌المللی اسپانیا به تهران عزیمت نموده و موافقتنامه حمل و نقل جاده‌ای را با مسئولان دو کشور به امضاء رساند. در سال ۲۰۰۰ به همراه نخست وزیر اسپانیا هیات بزرگی از بازرگانان اسپانیایی به ایران آمدند. این دیدار تحول بزرگی در روند مبادلات و روابط اقتصادی و بازرگانی ایران و اسپانیا ایجاد نمود.

گسترش همکاریهای اقتصادی دو کشور در بخشهای نفت و پتروشیمی، کشاورزی و شیلات، جهانگردی، حمل و نقل و... از حوزههایی است که از زمینه بیشتری برای همکاری اقتصادی بین ایران و اسپانیا برخوردار است. وقوع برخی تحولات جنبی نظیر ارتقاء جایگاه ایران در جدول ریسک OECD که با ابتکار و حمایت اسپانیا صورت گرفت<sup>۱</sup>، برقراری مجدد پروازهای مستقیم تهران - مادرید هواپیمایی ایران<sup>۲</sup>، افزایش سقف پوشش بیمه اعتبارات شرکت بیمه سرمایه گذارهای خارجی اسپانیا<sup>۳</sup> (CESCE) به دلیل بهبود وضع اقتصادی، تقویت بنیه مالی و اوضاع اجتماعی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران و توسعه روابط با اتحادیه اروپا، پوشش مالی پروژههای اقتصادی توسط دو بانک "سانتاندر سنترال هیسپانو" و "بیلباو بیسکایا آرختاریا" برگزاری چندین سمینار اقتصادی دوجانبه<sup>۴</sup> و بالاخره امضای قراردادهای اقتصادی مختلف بین دو کشور در تقویت همه جانبه روابط اقتصادی نقش مهمی ایفاء نمودند.

در خصوص اسناد امضاء شده میان دو کشور، پس از امضای قرارداد حمل و نقل جادهای دو کشور در سال ۱۹۹۹، از دیدار رئیس دولت اسپانیا از ایران در سال ۲۰۰۰ تا پایان دیدار رئیس جمهوری اسلامی ایران مجموعه اسناد موافقتنامه حمایت متقابل از سرمایه گذاری<sup>۵</sup>، یادداشت

---

<sup>۱</sup> - جمهوری اسلامی ایران تا سال ۲۰۰۰ در جدول ریسک OECD در رده ششم قرار داشت. در سال ۲۰۰۰ به ابتکار اسپانیا و حمایت دیگر کشورهای اروپایی به رده پنجم و در سال ۲۰۰۱ با حمایت مجدد اسپانیا به رده چهارم ارتقاء یافت.

<sup>۲</sup> - پرواز مستقیم تهران - مادرید در سال ۱۹۹۵ از سر گرفته شد لکن در سال ۱۹۹۷ متوقف شد. این پرواز مجدداً در سال ۲۰۰۰ با تلاش سفارت ایران در مادرید برقرار گردید اما به دلیل کمبود مسافر و غیر اقتصادی بودن، در سال ۲۰۰۶ متوقف گردید.

<sup>۳</sup> - با توجه به ارتقاء جایگاه ایران در جدول ریسک شرکت بیمه سرمایه گذاری خارجی اسپانیا CESCE سقف پوشش بیمه اعتبارات خود را افزایش داده و اعلام آمادگی کرد که تا حد لازم برای سرمایه گذاریهای اسپانیا در ایران پوشش بیمه ای ارائه خواهد نمود. بطور رسمی در سال ۲۰۰۰ کل پوشش بیمه‌ای ۹۰۰ میلیون دلار بود که ۶۰۰ میلیون دلار آن اختصاص به طرحهای بلند مدت و میان مدت داشت و ۳۰۰ میلیون دلار مخصوص طرحهای کوتاه مدت بود.

<sup>۴</sup> - تاکنون چندین سمینار مشترک بین بخشهای بازرگانی ایران و اسپانیا در سالهای ۱۹۹۶، ۱۹۹۸، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ برگزار شده است. سمینار پنجم در زمان دیدار رئیس جمهوری اسلامی ایران و با حضور تعداد کثیری از مقامات و بازرگانان ایرانی و اسپانیایی در مادرید و بارسلون برگزار گردید.

<sup>۵</sup> - قابل ذکر است که سرمایه گذاری خارجی اسپانیا در دهه ۱۹۹۰ روند صعودی داشت بطوری که در سال ۱۹۹۸ به رقم ۱۸/۷ میلیارد دلار (سرمایه گذاری مستقیم) بالغ گردید. آمریکای لاتین حدود ۶۳ درصد و اتحادیه اروپا ۱۸ درصد این سرمایه را جذب کردند. مسئولین اسپانیایی اعلام کرده‌اند سرمایه گذاری در آمریکای لاتین در بسیاری از بخشها به حد اشباع رسیده و شرکتهای این کشور در جستجوی بازارهای مناسب برای سرمایه گذاری می‌باشند. لذا در صورت فراهم بودن شرایط مناسب، امکان جذب بخشی از سرمایه گذاریها خارجی اسپانیا وجود دارد. موافقت نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه گذاریها بین ایران و اسپانیا در این جهت حائز اهمیت است.

تفاهم منعقد شده میان مؤسسه تجارت خارجی اسپانیا و مرکز توسعه صادرات ایران، یادداشت تفاهم همکاری مشترک اتاقهای بازرگانی ایران - اسپانیا و موافقتنامه همکاریهای گمرکی، یادداشت تفاهم همکاریهای جهانگردی، یادداشت تفاهم همکاری در زمینه استاندارد و موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف، آینده روشنی را در مسیر روابط دو کشور ترسیم نمود. همچنین طی سالهای اخیر امضای قرارداد نفت و گاز میان شرکتهای رپسول، شل و NICO (ایران) جهت بهره برداری از میداین نفت و گاز کشورمان به مبلغ حدود سه میلیارد یورو (سال ۲۰۰۴)، امضای یادداشت تفاهم همکاری بین رؤسای سازمان توسعه و تجارت ایران و مؤسسه تجارت خارجی اسپانیا (سال ۲۰۰۵)، امضای قرارداد طرح توسعه فازهای ۱۳ و ۱۴ میدان گازی پارس جنوبی توسط شرکتهای شل و رپسول و تعهد شرکت اسپانیایی رپسول به سرمایه‌گذاری در زمینه استخراج گاز طبیعی از منطقه پارس جنوبی به ارزش ۴ میلیارد سیصد میلیون یورو (سال ۲۰۰۷) از مهمترین تحولات در مناسبات اقتصادی دو کشور محسوب می‌شود.

در مورد سفرهای اقتصادی مقامات دو کشور، طی سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ به دلیل سردی روابط ایران و اتحادیه اروپا هیچیک از مقامات اسپانیایی به ایران سفر نکرده‌اند لکن از سوی جمهوری اسلامی ایران سفر رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و برگزاری سمینارهای اقتصادی در شهرهای بارسلونا، بلبائو و مادرید (سال ۲۰۰۴)، سفر معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان گردشگری و میراث فرهنگی جهت شرکت در همایش شناسایی و گسترش فرصتهای سرمایه‌گذاری در ایران در شهر ساراگوسا (سال ۲۰۰۵)، برگزاری همایش بعدی (سال ۲۰۰۷) و سفر معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان گردشگری و میراث فرهنگی به منظور شرکت در نمایشگاه جهانی گردشگری - فیتور (سال ۲۰۰۷) از مهمترین تحولات در این بخش می‌باشد.

در خصوص مبادلات تجاری ایران و اسپانیا، حجم مبادلات تجاری دو کشور در سال ۲۰۰۶ بالغ بر یک میلیارد و ۷۳۰ میلیون یورو بوده است که از این میزان، یک میلیارد و ۴۱۴ میلیون یورو صادرات کشورمان به اسپانیا و ۳۱۶ میلیون یورو صادرات اسپانیا به ایران بوده است. آمار دریافتی از وزارتخانه های نفت و بازرگانی ایران نشان می‌دهد که حجم مبادلات تجاری دو کشور در سال ۲۰۰۶ بالغ بر یک میلیارد و چهارصد میلیون یورو بوده است که از این میزان حدود یک میلیارد یورو صادرات ایران به اسپانیا (شامل ۹۰۰ میلیون یورو نفت و ۱۰۰ میلیون یورو اقلام غیر نفتی) و مابقی صادرات اسپانیا به ایران بوده است.

نکته مهم در مبادلات تجاری دو کشور این است که همواره موازنه تجاری به نفع جمهوری اسلامی ایران بوده که این امر ناشی از برتری سهم نفت در صادرات ایران به اسپانیا می‌باشد.

خاطر نشان می‌سازد حجم مبادلات تجاری دو کشور تا پایان سال ۲۰۰۳ که از سوی مؤسسه تجارت خارجی اسپانیا و وزارت نفت کشورمان اعلام شده بود، بالغ بر یک میلیارد و ۲۲۷ میلیون یورو بود که از این مقدار ۹۰۰ میلیون یورو صادرات کشورمان به اسپانیا (شامل ۶۵۳ میلیون یورو نفت و مشتقات آن و ۲۴۷ میلیون یورو اقلام غیر نفتی) و واردات کشورمان نیز در این سال ۳۲۶ میلیون یورو بوده که عمدتاً شامل دیگهای بخار برای بویلرهای نیروگاهی، محصولات شیمیایی، تجهیزات تکمیلی برای اجرای طرحهای صنعتی، اقلام ساخته شده از آلیاژهای آهن و فولاد، قطعات یدکی اتوموبیل و مواد پلاستیکی می‌باشند. بیشترین صادرات غیر نفتی ایران شامل اقلامی چون خشکبار، پسته، مرکبات، صیفی جات، ماهی، میگو، قهوه، جای، ادویه جات، فرش و موکت، چرم و پوست است.

### ج - روابط فرهنگی و علمی

گرچه تاریخ مشخصی از آغاز روابط فرهنگی ایران و اسپانیا در دست نیست لکن بنا به گفته مورخان، جای پای ایران در تاریخ و فرهنگ اسپانیا به خوبی قابل تشخیص است. در طول هشت قرن حاکمیت مسلمانان در اندلس، فرهنگ ایرانی به عنوان یکی از ارکان فرهنگ اسلامی نقش شایسته‌ای در شکوه و عظمت فرهنگ و تمدن اندلس ایفاء کرد و حضور مؤثر ایرانیان در زمینه‌های علوم، موسیقی، ادبیات در دوره حکومت اسلامی در اندلس مورد تایید مورخان می‌باشد. معهدنا، نخستین سند فرهنگی بین دو کشور در دوران حکومت پهلوی منعقد می‌گردد. سند مذکور در ۲۴ نوامبر ۱۹۵۸ در تهران توسط وزیر خارجه وقت ایران و سفیر اسپانیا در تهران به امضاء رسید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تنها در سال ۱۹۹۹ در جریان سفر وزیر مشاور وقت وزارت امور خارجه اسپانیا به جمهوری اسلامی ایران، یادداشت تفاهم همکاریهای فرهنگی، علمی، فنی و آموزشی بین دو کشور به امضاء رسید. تلاش مسئولین فرهنگی دو کشور در جهت شناساندن زبان و فرهنگ خویش، آموزش زبان فارسی و اسپانیولی در دانشگاههای دو کشور، تسهیل همکاری میان نهادهای فرهنگی، علمی، آموزشی و گردشگری، توسعه ارتباط میان دانشگاهها و مراکز علمی - تحقیقاتی دو کشور، مبادله نشریات علمی و تحقیقی و انجام تحقیقات و پروژه‌های مشترک از سرفصل‌های مهم این تفاهمنامه است.

طی سالهای اخیر در جهت اجرای مفاد این تفاهم و پیشبرد دیگر حوزه‌های فرهنگی، اقدامات قابل توجهی انجام شده است. همکاری میان مراکز علمی و دانشگاهی دو کشور کاملاً متحول گشته است. در پی دیدار وزیر علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران از اسپانیا در فوریه ۲۰۰۲، یادداشت تفاهم همکاری بین وزارتخانه ایرانی و مرکز تحقیقات عالی

اسپانیا به امضاء رسید که اولین نمونه از چنین تفاهمنامه‌ای با یک کشور اروپایی است. در جریان همین سفر یادداشت تفاهم همکاری بین دانشگاه تهران و دانشگاه آتونوما مادرید به امضاء رسید. این در حالی است که قبل از آن و در جریان دیدار رئیس دانشگاه کمپلوتسه مادرید به ایران در سال ۲۰۰۱، تفاهمنامه همکاری بین این دانشگاه و دانشگاه تهران به امضاء رسیده بود. بعلاوه، بسیاری از دانشگاهها ومراکز تحقیقاتی دو کشور آمادگی خود را برای توسعه همکاریها اعلام داشته‌اند. پس از آن، تفاهم نامه مشابهی بین دانشگاه کمپلوتسه و دانشگاه اصفهان نیز به امضاء رسید.

امضای یادداشت تفاهم همکاری در زمینه اسناد و آرشیو نیز تحول دیگری در همکاریهای فرهنگی دو کشور است که مشتمل بر ۶ بند میان سازمان اسناد ملی و وزارت آموزش، فرهنگ و ورزش اسپانیا در خلال دیدار رئیس دولت اسپانیا از جمهوری اسلامی ایران به امضاء رسید. در این سند، همکاری دو کشور در زمینه‌های مبادله اسناد، آموزش متخصصین، روشهای ساماندهی اسناد، چاپ اسناد و برگزاری نمایشگاههای اسناد و دیگر زمینه‌های همکاری مورد اشاره و توافق قرار گرفته است.

در زمینه گفتگوی تمدنها که پیشنهاد آن توسط محمدخامی رئیس جمهوری وقت در سال ۱۹۹۷ ارائه شد و سازمان ملل بر اساس آن سال ۲۰۰۱ را سال گفتگوی تمدنها اعلام کرد، تاکنون نشستهای متعددی بین اندیشمندان و شخصیتهای فرهنگی دو کشور در تهران و مادرید برگزار شده است. در خلال دیدار رئیس جمهوری اسلامی ایران از اسپانیا، برگزاری مشترک نشست اندیشمندان و سیاستمداران کشورهای جهان در مادرید در اکتبر سال ۲۰۰۳ مورد توافق رهبران دو کشور قرار گرفت. نشست مذکور در پاییز سال ۲۰۰۳ تحت عنوان "همایش اسلام و غرب" با حضور وزرای خارجه و اندیشمندان و دیگر مسئولین دو کشور در شهرهای مادرید و بارسلون برگزار شد. در پاییز ۲۰۰۶ نیز معاون آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه طی دیدار از اسپانیا، ضمن ملاقات با وزیر امور خارجه و جمعی از مقامات این کشور، در یک جلسه سخنرانی که از سوی مؤسسه اسپانیایی "الکانو"<sup>۱</sup> ترتیب یافته بود حضور یافته و در جمع محققین و ارباب رسانهها، اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تشریح نمود. همکاری فرهنگی دو کشور در عرصه‌های دیگر نیز تحقق یافته که از آن جمله امضای قرارداد خواهر خواندگی شهرهای بارسلون و اصفهان است که در پی سفر شهردار بارسلون به اصفهان و سفر متقابل شهردار اصفهان در سال ۲۰۰۱ منعقد گردید. نام‌گذاری یکی از تالارهای اصلی خانه آسیا در بارسلون به نام اصفهان بیانگر تاثیر فرهنگ و تمدن ایرانی در قلب فرهنگ و تمدن اروپا است.

<sup>۱</sup> - El Cano

از دیگر تحولات قابل ذکر در سالهای اخیر، تشکیل انجمن دوستی ایران و اسپانیا در سال ۲۰۰۴ است که با حضور جمعی از چهره‌های ماندگار و شخصیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تشکیل کمیته‌های مختلف، تلاش موثری در جهت توسعه روابط همه جانبه ایران و اسپانیا به عمل آورده است که مهمترین آنها، ایجاد ارتباط و انعقاد یادداشت تفاهم همکاری بین برخی دانشگاه‌های دو کشور می‌باشد. ریاست انجمن بر عهده جناب آقای سید حسن شفتی سفیر اسبق جمهوری اسلامی ایران در مادرید می‌باشد.

مجموعه تحولات سالهای اخیر نشان می‌دهد که دو کشور از ظرفیت لازم برای توسعه روابط برخوردارند. در نقشه جغرافیای دو کشور از یکدیگر فاصله دارند اما در تاریخ از علقه‌های مشترک سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برخوردارند.

جایگاه مهم ایران در منطقه حساس و استراتژیک خلیج فارس و خاورمیانه و ظرفیتهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن، توانمندی اقتصادی و صنعتی اسپانیا و موقعیت آن در اتحادیه اروپا از ارکان و زمینه‌های توسعه روابط دو کشور طی سالهای اخیر می‌باشد. با این حال، ذکر این نکته اساسی ضروری است که اسپانیا نظیر دیگر کشورهای اروپایی همواره در چارچوب مناسبات کلان اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران به روابط با تهران نگریده و فراز و نشیبهای فصلی در روابط تهران و پایتختهای اروپایی عمدتاً ریشه در چنین واقعیتی دارد.

## ضمائم

### ضمیمه اول - فهرست اسناد امضاء شده در تاریخ روابط ایران و اسپانیا

در تاریخ مناسبات ششصد ساله ایران و اسپانیا اسناد متعددی منعقد شده است. در گزارش حاضر، فهرست اسناد مذکور در سه بخش تشریح خواهد شد. در بخش اول، اسناد مربوط به روابط دو کشور تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی فهرست شده است و در بخش دوم، اسناد منعقد شده از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان سال ۱۳۸۶ ذکر گردیده است.

### الف - اسناد امضاء شده قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

۱. عهدنامه مودت و تجارت منعقد شده در مارس ۱۸۴۲ اسلامبول (این عهدنامه مجدداً در سال ۱۸۷۰ در شهر لندن تجدید گردید). براساس این معاهده، سفارت ایران در مادرید در سال ۱۹۱۶ افتتاح شد.
۲. موافقتنامه همکاری اقتصادی و بازرگانی منعقد شده در سال ۱۹۵۴ در مادرید (در این سال سفارت ایران در مادرید پس از یک دوره تعطیلی، مجدداً بازگشایی شد).
۳. عهدنامه مودت و اقامت منعقد شده در مارس ۱۹۵۶ در مادرید.
۴. یادداشت تفاهم همکاری ساخت کشتی و توسعه همکاریهای جهانگردی منعقد شده در سال ۱۹۵۸ در تهران.
۵. یادداشت تفاهم همکاریهای فرهنگی منعقد شده در سال ۱۹۷۸.

### ب - اسناد امضاء شده پس از پیروزی انقلاب اسلامی

۱. یادداشت تفاهم توسعه همکاریهای اقتصادی و بازرگانی منعقد شده در تاریخ ۹/۹/۱۳۶۷.
۲. موافقتنامه همکاری اقتصادی و فنی در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای منعقد شده در تاریخ ۱۳۶۹/۹/۱۸.
۳. یادداشت تفاهم اولین اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی و صنعتی دو کشور منعقد شده در تاریخ ۱۳۷۱/۷/۳۰.
۴. موافقتنامه حمل و نقل هوایی منعقد شده در تاریخ ۱۳۷۲/۳/۲۶.



۵. یادداشت تفاهم همکاری فنی و اقتصادی در زمینه زیربنایی، حمل و نقل و مسکن منعقد در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۶
۶. یادداشت تفاهم همکاریهای کشاورزی منعقد در سال ۱۳۷۵ تهران
۷. یادداشت تفاهم همکاری پارلمانی منعقد در سال ۱۳۷۶ در مادرید
۸. موافقتنامه حمل و نقل جاده‌ای منعقد در پاییز سال ۱۳۷۷ در تهران
۹. یادداشت تفاهم همکاریهای فرهنگی منعقد در پاییز سال ۱۳۷۸ در مادرید.
۱۰. اعلامیه جامع همکاریهای دو کشور منعقد در جریان دیدار رئیس دولت اسپانیا از ایران در سال ۱۳۷۹
۱۱. یادداشت تفاهم همکاری در مقابله با مواد مخدر منعقد در جریان دیدار رئیس دولت اسپانیا از ایران در سال ۱۳۷۹
۱۲. یادداشت تفاهم همکاری بین موسسه تجارت خارجی اسپانیا و اتاق بازرگانی جمهوری اسلامی ایران منعقد در جریان دیدار رئیس دولت اسپانیا به ایران در سال ۱۳۷۹
۱۳. یادداشت تفاهم همکاری بین دانشگاه کمپلوتنسه مادرید و دانشگاه تهران در جریان دیدار رئیس دانشگاه کمپلوتنسه از تهران در سال ۱۳۷۹
۱۴. یادداشت تفاهم تشکیل کمیته مشترک تجاری دو کشور منعقد در سال ۱۳۸۰
۱۵. یادداشت تفاهم رایزنیهای سیاسی بین وزارت امور خارجه دو کشور در جریان دیدار وزیر خارجه اسپانیا از ایران در سال ۱۳۸۰
۱۶. یادداشت تفاهم همکاری بین دانشگاه کمپلوتنسه مادرید و دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۸۰
۱۷. یادداشت تفاهم همکاری بین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران و شورای عالی تحقیقات علمی اسپانیا در جریان دیدار وزیر علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران از اسپانیا در سال ۱۳۸۰
۱۸. یادداشت تفاهم همکاری بین دانشگاه تهران و دانشگاه آتونوما مادرید در جریان دیدار وزیر علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران از مادرید در سال ۱۳۸۰
۱۹. موافقتنامه حمایت از سرمایه‌گذاری متقابل منعقد در جریان دیدار ریاست محترم جمهوری از اسپانیا در سال ۱۳۸۱
۲۰. موافقتنامه همکاریهای گمرکی منعقد در جریان دیدار ریاست محترم جمهوری از اسپانیا در سال ۱۳۸۱
۲۱. یادداشت تفاهم همکاری در زمینه جهانگردی منعقد در جریان دیدار ریاست محترم جمهوری از اسپانیا در سال ۱۳۸۱

۲۲. یادداشت تفاهم همکاری در زمینه استاندارد منعقد در جریان دیدار رئیس مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی جمهوری اسلامی ایران از اسپانیا در سال ۱۳۸۱
۲۳. بازبینی و امضای یادداشت تفاهم همکاری بین دانشگاه تهران و دانشگاه آتونوما مادرید در جریان دیدار رئیس دانشگاه تهران از مادرید در سال ۱۳۸۲
۲۴. موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف بین جمهوری اسلامی ایران و اسپانیا در سال ۱۳۸۲
۲۵. قرارداد نفت و گاز میان شرکتهای رپسول (اسپانیا)، شل و نیکو ایران جهت بهره برداری از میادین نفت و گاز ایران در سال ۱۳۸۳
۲۶. یادداشت تفاهم همکاری بین رؤسای سازمان توسعه تجارت ایران و مؤسسه تجارت خارجی اسپانیا در فروردین ۱۳۸۴
۲۷. قرارداد طرح توسعه فازهای ۱۴ و ۱۳ میدان گاز پارس جنوبی توسط شرکتهای شل، رپسول (اسپانیا) با وزارت نفت ایران به منظور استخراج گاز طبیعی از منطقه پارس جنوبی به ارزش ۴ میلیارد و سیصد میلیون دلار در بهمن ماه ۱۳۸۵

## ضمیمه دوم - اسامی سفرای ایران در اسپانیا

۱. میرزا اسماعیل خان دبیرالمملک فرزانه (وزیر مختار) و گشایش سفارت ایران در مادرید در مهرماه ۱۲۹۵
۲. حسین علاء (وزیر مختار) از مهر ۱۲۹۸ تا فروردین ۱۳۰۰
۳. عبدالعلی خان صدری صدیق السلطنه (وزیر مختار) از مرداد ۱۳۰۰ تا اسفند ۱۳۰۰. (سفارت در این تاریخ به منظور صرفه جویی در بودجه تعطیل و سفرای ایران در فرانسه، در اسپانیا اکر دیته شدند).
۴. یدالله عضدی (وزیر مختار) از اردیبهشت ۱۳۳۳ (بازگشایی سفارت) تا تیرماه ۱۳۳۷
۵. ابراهیم زند (سفیر) از ۲۳ مهر ۱۳۳۷ تا آبان ۱۳۴۱
۶. محمد گودرزی (سفیر) از آبان ۱۳۴۱ تا دی ۱۳۴۵
۷. محسن مرآت اسفندیاری (سفیر) از بهمن ۱۳۴۵ تا اردیبهشت ۱۳۴۶
۸. جمشید قریب (سفیر) از شهریور ۱۳۴۶ تا مهر ۱۳۵۰
۹. ارتشبد فریدون جم (سفیر) از مهر ۱۳۵۰ تا شهریور ۱۳۵۶
۱۰. منوچهر عظیمیا (سفیر) از مهر ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۵۷
۱۱. قهرمان قهرمانی (کاردار موقت) از بهمن ۱۳۵۷ تا شهریور ۱۳۵۸
۱۲. رکن الدین آشتیانی (کاردار موقت) از شهریور ۱۳۵۸ تا تیر ۱۳۵۹
۱۳. ناصر صادقی (کاردار موقت) از تیر ۱۳۵۹ تا شهریور ۱۳۵۹
۱۴. علی اصغر بهنام (کاردار موقت) از شهریور ۱۳۵۹ تا فروردین ۱۳۶۰
۱۵. مهدی اکرمی (کاردار موقت) از فروردین ۱۳۶۰ تا تیر ۱۳۶۱
۱۶. عبدالکریم سنایی فرخی (کاردار موقت) از تیر ۱۳۶۱ تا بهمن ۱۳۶۴
۱۷. هادی سلیمانپور (سفیر) از اسفند ۱۳۶۴ تا تیرماه ۱۳۶۸
۱۸. عبدالله ذیفن (سفیر) از تیرماه ۱۳۶۸ تا تیرماه ۱۳۷۴
۱۹. بهرام قاسمی (سفیر) از تیرماه ۱۳۷۴ تا آذرماه ۱۳۷۷
۲۰. سید حسن شفتی (سفیر) از آذر ۱۳۷۷ تا تیر ماه ۱۳۸۲
۲۱. مرتضی الویری (سفیر) از تیرماه ۱۳۸۲ تا تیرماه ۱۳۸۵
۲۲. سید داوود صالحی (سفیر) از تیرماه ۱۳۸۵ تا ...

## منابع و مأخذ

### (۱) کتب و مقالات

- اسلامی زاد، حمید: کتاب سبز اسپانیا، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ۱۳۷۵.
- کمادا، خوزه ماریا: "اسپانیا و ایران: تشابه عجیب و یاداشتهایی چند درباره روابط دوجانبه"، مجموعه مقالات اولین میزگرد ایران و اسپانیا تحت عنوان اسپانیا و ایران: جهانی سازی، موضوعات منطقه‌ای و گفتگوی فرهنگی، مادرید، ۲۰۰۱.
- نقیب زاده، احمد: "مطالعه تطبیقی فرآیند توسعه سیاسی در اسپانیا و ایران"، فصلنامه سیاست خارجی، سال پانزدهم، شماره سوم (پاییز - ۱۳۸۰) ص ۷۴۳-۷۲۹.
- معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶.
- مجموعه گزارشهای سفارت جمهوری اسلامی ایران در مادرید، اداره کل اروپای غربی و دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه

### (۲) منابع اینترنتی

- www.casareal.es - سایت اینترنتی درباره اسپانیا
- www.ine.es - سایت اینترنتی مؤسسه ملی آمار اسپانیا
- www.la-moncloa.es - سایت اینترنتی دولت اسپانیا
- سایت اینترنتی مرکز آمار اروپایی
- http://europa.eu.int/comm/eurostat
- www.mec.es - سایت اینترنتی وزارت فرهنگ آموزش و ورزش اسپانیا
- www.nna.es - سایت اینترنتی وزارت محیط زیست اسپانیا
- www.mtas.es - سایت اینترنتی وزارت کار و امور اجتماعی اسپانیا
- www.mde.es - سایت اینترنتی وزارت دفاع اسپانیا
- www.mju.es - سایت اینترنتی وزارت دادگستری اسپانیا
- www.mir.es - سایت اینترنتی وزارت کشور اسپانیا
- www.mfom.es - سایت اینترنتی وزارت توسعه اسپانیا
- www.min.es - سایت اینترنتی وزارت صنعت، توریسم و تجارت اسپانیا

- سایت اینترنتی وزارت کشاورزی، ماهیگیری و مواد غذایی اسپانیا  
www.mapya.es - سایت
- [www.mcultura.mecd.es](http://www.mcultura.mecd.es) اینترنتی وزارت فرهنگ اسپانیا
- [www.mce.es](http://www.mce.es) سایت اینترنتی وزارت بهداشت و مصرف اسپانیا
- [www.mv.es](http://www.mv.es) سایت اینترنتی وزارت مسکن اسپانیا
- [www.mae.es](http://www.mae.es) سایت اینترنتی وزارت امورخارجه اسپانیا
- [www.elpais.es](http://www.elpais.es) سایت اینترنتی روزنامه ال پائیس
- [www.cervantes.es](http://www.cervantes.es) سایت اینترنتی موسسه سروانتس
- [www.congreso.es](http://www.congreso.es) سایت اینترنتی کنگره نمایندگان اسپانیا
- [www.senado.es](http://www.senado.es) سایت اینترنتی مجلس سنا اسپانیا
- [www.tribunalconstitucional.es](http://www.tribunalconstitucional.es) سایت اینترنتی دادگاه قانون اساسی اسپانیا
- [www.cgpi.es](http://www.cgpi.es) سایت اینترنتی شورای عمومی قوه قضایه اسپانیا
- [www.islamfinder.com](http://www.islamfinder.com) سایت اینترنتی اسلامی